

# انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۲۷۴ از ۴ تا ۱۷ تیر ۱۳۸۶

## شدت تخاصم

- ◀ تخاصمها در درون رژیم و کم اثر شدن استفاده از سرکوبگری و بحران سازی در نزاع بر سر قدرت: ص ۳
- ◀ سه بحران: بحران اتمی و تهدید به تشدید مجازاتها، بحران عراق و بحران افغانستان: ص ۴
- ◀ هزینه نظامی جهان؟ سامانه دفاعی امریکا؟ همسایه شدن ایران و اسرائیل؟! و معامله پنهانی سوریه و اسرائیل؟ ص ۷
- ◀ خرابکاری احمدی نژاد در اقتصاد و تشدید فشار اقتصادی غرب: ص ۸
- ◀ ژاله وفا: مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش ایران در قرن ۲۱، بخش ۱۵: ص ۹
- ◀ دانشجویان و معلمان و زنان و کارگران همچنان قربانیان تجاوزها به حقوق انسان هستند: ص ۱۱

انقلاب اسلامی: در درون رژیم، دشمنی ها بیش از آن شدت گرفته اند که بیرونیان بتوانند تصور کنند. دو گزارش که فصلهای اول و دوم این مجموعه را تشکیل می دهند، گویای شدت تخاصم میان گروه بندیهای رژیم هستند.

گزارشی که فصل اول را تشکیل می دهد خیرهائی هستند که تخاصمها در درون رژیم و اندازه کارائی استفاده از بحران خارجی و رابطه با امریکا در این تخاصم ها و شکست تمایلهای سرکوبگرتر در استفاده از سرکوب زنان و دانشجویان و معلمان و کارگران در مبارزه بر سر قدرت در درون رژیم، را توضیح می دهند.

گزارش تفصیلی، کارنامه دولت یکدستی است که خامنه ای بوجود آورده است. تشکیل جبهه وسیعی که بر ضد خامنه ای، در رژیم و در بیرون از آن، برانگیخته و ورشکست دولت یک دست است. که در شماره آینده خواهید خواند.

و بحرانهای خارجی، سه بحران عمده بودند: اتم، عراق و افغانستان. در حال حاضر، بحران فلسطین نیز بر آنها افزوده شده است. در همه این بحرانها، با آنکه برابر گزارش افشا شده سازمان ملل، عامل اول امریکا است، اما نادانی و بحران سازی رژیم مافیها سبب شده اند که امریکا ایران را متهم اول بخواند و دستگاه تبلیغاتی غرب و کشورهای «میان رو» خاورمیانه نیز ایران را عامل اصلی این بحرانها بیاوراند. خبرها و نظرها در باره این چهار بحران را نیز در دو فصل گرد می آوریم:

در فصل سوم به بحران اتمی و بحران عراق و بحران افغانستان می پردازیم.

در صفحه ۳

## بمب اتمی و استقلال

بمب اتمی بیانگر رابطه قوا با کشورهای بیگانه، از موضع خصمانه است. پس این پرسش بجاست که ربط مسلح شدن به بمب اتمی با استقلال چیست؟

پرسش پنجم: آیا داشتن بمب اتم با استقلال کشور خوانائی دارد و یا ندارد و چرا؟

۱- بر اصل موازنه عدمی، استقلال وارد شدن در روابط قوا است. از این رو، وارد شدن در هر نوع رابطه قوا با کشورهای بیگانه، ناقض استقلال ایران است. انقلاب ایران بر اصل موازنه عدمی و در استقلال انجام گرفت زیرا جنبش همگانی مردم به هیچ قدرت خارجی امکان مداخله نداد. با آنکه شاه به امریکا متوسل شد و چین و روس هم از کمک به او دریغ نکردند، اما جنبش همگانی که گل را بر گلوله پیروز کرد، به قدرتهای انیرانی اجازه مداخله در ایران را نداد. اگر قرار بود، با پیروزی انقلاب، سیاست خارجی ایران بر اصل موازنه عدمی تنظیم و اجرا می شد، نه گروگانگیری می شد، نه محاصره اقتصادی، نه جنگ ۸ ساله. اما وارد شدن در روابط قوا با امریکا و به دنبال آن، با روسیه (چراغ سبز دادن به روسها برای حمله به افغانستان)، ایران را از استقلال محروم و از نو به قدرتهای انیرانی وابسته کرد. آیا بمب اتمی ایران را از این وابستگی رها می کند؟

در صفحه ۲

### درگذشت آیت الله سید حسن طباطبایی قمی



آیت الله العظمی سید حسن طباطبایی قمی شامگاه روز دوشنبه ۲۱ خردادماه در سن ۹۶ سالگی در بیمارستان امام رضای شهر مشهد در گذشت.

آیت الله العظمی سید حسن طباطبایی قمی شامگاه روز دوشنبه ۲۱ خردادماه در سن ۹۶ سالگی در بیمارستان امامرضای شهر مشهد در گذشت.

او در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی در شهر نجف متولد شد. دوران کودکی وی در همین شهر سپری شد تا آنکه پدرش، آیه الله سید حسین قمی، او را با خود به مشهد آورد. او در این شهر، به آموختن دروس حوزوی مشغول شد. در سالهای بعد، وی در اصفهان و سپس نجف به ادامه تحصیل پرداخت. چندی بعد، وی به همراه پدرش به مشهد بازگشت. اما چیزی نگذشت که در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، به دستور رضا خان، مردم را در مسجد گوهر شاد، کشتار کردند. حاج آقا حسین قمی به کربلا تبعید شد. سید حسن طباطبایی به تحصیل در نجف و کربلا ادامه داد.

در صفحه ۱۵

### دکتر پرویز ورجاوند درگذشت



دکتر پرویز ورجاوند، پژوهشگر و نویسنده فرهیخته تاریخ و فرهنگ ایران زمین، مبارز دیرپای نهضت ملی ایران، عضو هیئت رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران در سن ۷۳ سالگی در شهر تهران جهان را بدرود گفت.

او «دکترای باستان شناسی را با گرایش درباره معماری ایران در دوران تاریخی از سورین» دریافت نمود. از ۱۵ سالگی درگیر فعالیت های سیاسی زمان در کنار نیروهای ملی شد: در ۱۶ سالگی مسوولیت روزنامه «دانش آموز» را در برابر «دانش آموزان» که از سوی حزب توده منتشر می شد، برای طیف ملی برعهده گرفت و در روزنامه هایی چون پرچمدار و مجله امید ایران به نوشتن مقاله و داستان تاریخی پرداخت. در نهضت ملی کردن صنعت نفت، بعنوان مبارز، شرکت فعال داشت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، دستگیر شد. در نهضت مقاومت ملی، از تلاشگرانی بود که چندبار دستگیر و بازداشت شدند. در ۱۳۳۹ به فرانسه رفت. و چون جبهه ملی فعالیت خویش را از سر گرفت، جبهه ملی اروپا را با همکاری تنی چند از کوشندگان و فعالین پایه گذاری کرد.

در صفحه ۱۵

میزان

### قواد، قاچاقچی، مافیا و همداری به آقای خامنه ای

دوستی تعریف میکرد، زمان رای گیری به عدم کفایت اولین رئیس جمهوراز سوی مجلس اول، به عنوان تماشاچی به مجلس رفته بودم. در راهرو مجلس با مرحوم محمد منتظری برخورد کردم و گفتم "ممد تو چرا؟!"

در صفحه ۱۴

جهانگیر کلزار

به مناسبت روز جهانی کودکان قربانیان تجاوز

### حق و منزلت کودک در خانواده

پس از رشد شتابگیر جمعیت در سالهای جنگ ۸ ساله بخاطر تبلیغات رژیم و نبود امکانات پیشگیری از بارداری در چند سال گذشته سیاستهای اتخاذ شده،

در صفحه ۱۲

ج- پاکنژاد

### "انقلاب فرهنگی" دوم و مسئولیت دانشجو

یکی از مشخصه های نظام ولایت فقیه تهی کردن کلمات از محتوا و معنای آنها و تبدیل آنها به چیز دیگر و از جنس دیگری است شاید این جماعت این عمل را هم واجب واز نوع توریه میدانند. از قدیم در باره این آقایان که فقط خود را عالم میدانند میگفتند که:

در صفحه ۱۲



هرگز. زیرا ایران را بطور قطع و برای زمانی بس طولانی، وارد روابط قوای خصمانه، در سطح منطقه و در سطح جهان می کند.

می توان پرسید: چین و هند و پاکستان به بمب اتمی مجهز شده اند اما وارد روابط قوای خصمانه نیز نشده اند. نخست بدانیم که این کشورها اصل را بر روابط قوا در سطح جهان با صفت خصمانه گذاشته اند. چرا که داشتن بمب اتمی خود بدین معنی است که

الف - زندگی در تعادل وحشت با قدرتهای مجهز به سلاح اتمی و ب - بکار بردن سلاح اتمی در صورت وقوع جنگ و استفاده دشمن از این سلاح. و آنگاه توجه کنیم که فرقی اساسی میان دولتهای این کشورها و رژیم مافیاهای نظامی - مالی وجود دارد که در سطح منطقه، از راه گروههای مسلح عمل می کند. ایران با مجهز شدن به سلاح اتمی، در معرض تهدید دائمی قرار میگیرد. زندگی در تهدید خارجی را ایرانیان در دوران این رژیم، بیش از هر زمان دیگری تجربه کرده اند.

۲ - پرسش ششم: اگر ایران رژیم مردم سالار داشت، مجهز شدنش به بمب اتمی چرا با اصل استقلال نمیخواند؟

الف - استعمال بمب اتمی در نزاع با قدرتهای جهانی، ایران را برباد می دهد. در نزاع منطقه ای نیز کاربرد ندارد.

ب - ایران در حوزه تمدن اسلامی و در جهان، از چنان موقعیتی برخوردار است که هرگاه راه رشد را در پیش گیرد، نقش الگو و رهبری را پیدا می کند و می تواند در شمار ملتتهایی بگردد که سیاست جهانی را پیش ببرند و به اداره مردم سالار جهان بیانجامد که جهانیان را از حق صلح برخوردار کند. داشتن بمب اتمی، آتیم با اقتصادی وامانده و ارتش و سپاهی ناتوان از شرکت در مسابقه تسلیحاتی، ایران را ناتوان می کند و همواره قدرتهای انیرانی را محور سیاست داخلی و خارجی نگاه می دارد. و نیز،

۳ - سلاح اتمی یک سلاح تهاجمی بس ویرانگر است. هرگاه کشوری نخواهد با کشورهای دیگر جهان در توازن وحشت زندگی کند و اصل را بر دفاع از استقلال خود بگذارد، خواستار بیشترین رشد در قلمروهای اقتصاد و فرهنگ می شود. در قلمرو نظامی، اصل را بر این می گذارد که ایرانیان در دفاع از خود آن توانایی را بکف آورند که هیچ قدرت خارجی یارای حمله به ایران را نیابد. بدین سان، استقلال را راهنمای برنامه گذاری سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و نظامی کردن، انقلاب همه جانبه ایست که

الف - ایران را از روابط قوا با انیران، تا ممکن است، بیرون می برد و ب - ایران را الگوی رشد در آزادی می کند.

ج - اقتصاد و فرهنگ و توان دفاعی ایران در جامعه جهانی این تأثیر را می گذارد که ملتتهای در موقعیت مسلط کنونی نیز به توانائیهای خویش توجه کنند و با بکار گرفتن آن توانایی ها از روابط قوا بی نیاز شوند. و نیز،

۴ - استقلال بمعنای انکار « منافع » مسلط ها در کشورهای زیر سلطه است. استقلال بمعنای حقوق ملی را مبنای روابط کشور با جهان گرداندن است. در حال حاضر، مسلط ها دم از « منافع

### پرسشها در باره اتم ۳

## بمب اتمی و استقلال

در برد و خورد شرکت جست؟ نه. پاکستان سلاح اتمی دارد و هم چنان در شمار کشورهایی است که ثروتهایش برده و خورده می شوند. بمب اتمی این نقش را پیدا کرده است که مانع از استقرار مردم سالاری بگردد. زیرا هم در داخل پاکستان و هم در خارج از پاکستان، حمایت از دیکتاتوری نظامی « واجب » شمرده می شود. چرا که خطر آن وجود دارد که بمب اتمی به دست افراطی های مذهبی بیفتد که ممکن است در یک انتخابات آزاد به قدرت برسند!

مثال چین و هند، نیز گویای این واقعیت است که ورود در باشگاه اتمی، آنها را در شمار کشورهای ببر و بخور نگردانده است. از این رو، این دو کشور بزرگ دست بکار رشد اقتصادی شدند تا از موقعیت زیر سلطه خارج شوند.

برای آتکه نیروهای مسلح، در برد و خورد، خواه از راه « جهانی کردن » (= به تصرف ماوراء ملی ها دادن نیروهای محرکه ای که در جهان تولید می شوند) و چه از راه بازرگانی غیر مجاز (مواد مخدر و انواع قاچاقها که ۱۰ درصد بازرگانی جهانی را تشکیل می دهد)، چه در درون و خواه در بیرون از مرزهای هر کشور، بی نقش شوند، می باید تبعیض بسود قدرت نظامی را از میان برداشت. از میان برداشتن این تبعیض به رعایت دو اصل میسر می شود:

آزادی (= برخوردار همگان از حقوق ذاتی خویش) و استقلال بمعنای بی نقش کردن نظامی در تنظیم روابط میان ملتها. برای مثال، هرگاه دو کشور افغانستان و عراق مستقل (= جریان ندادن ثروتهای طبیعی خود به اقتصادهای مسلط و تخریب و صادر نکردن دیگر نیروهای مسلح) و آزاد بودند و ولایت جمهور مردم مستقر بود، در رابطه امریکا با این دو کشور، قدرت نظامی بی نقش می شد. در درون مرزها نیز نیروهای مسلح نمی توانستند نقش ستون فقرات نظامهای استبدادی را بازی کنند.

۷ - از توضیح ها که در بندهای پیشین داده شدند، دانستیم که استقلال و آزادی تحقق پیدا می کنند با تحول پذیر کردن نظام اجتماعی و استقرار جامعه باز. جامعه باز، جامعه ایست که توانایی جذب و فعال کردن نیروهای محرکه را داشته باشد.

و استقلال وقتی تحقق پیدا می کند که جامعه تا بدانجا باز و تحول پذیر شود که نسل جوان خویش را فعال کند، سرمایه ها را بکار اندازد، دانش و فن را نو به نو کند و بکار بگیرد و نیروهای محرکه دیگر را در خود فعال کند. هرگاه جامعه توانست تمامی نیروهای محرکه خویش را در خود فعال کند، استقلال می یابد. یعنی با جامعه های دیگر رابطه ای را برقرار نمی کند که محل عملی برای نیروهای مسلح ایجاد کند.

ایراد گرفته می شود، در این جهان، چنین جامعه ای را نمی توان ساخت. بنا بر این، جامعه ها با یکدیگر رابطه قوا برقرار می کنند و نیاز به قوای مسلح دارند. بوده اند جامعه های باز و در

رشد که مورد تاخت و تاز مهاجمان قرار گرفته و از میان رفته اند. در ایران ما، چند نوبت اینگونه جامعه های ساخته شدند و با هجوم بیگانگان از میان رفتند. در عصر حاضر، امریکا فرصت آن را داشت که جامعه باز و تحول پذیری بگردد اما سلطه گر شد و امروز، به تهائی، باندازه تمامی جامعه های دیگر، هزینه نظامی می کند و بزرگ ترین زرادخانه اتمی جهان را دارد.

در رد این ایراد باید گفت: الف - جامعه باز و تحول پذیر جامعه توانا به دفاع از استقلال خویش است و از آنجا که بر اصل موازنه عدمی، بنای کارش بر اینست که نه مسلط و نه زیر سلطه باشد، پس سامانه دفاعی می باید مستقل و در همان حال، منصرف کننده قدرت بیگانه از مداخله باشد.

بدین قرار، از جمله، سامانه دفاعی کشور بیاتر باز و بسته بودن نظام اجتماعی است. ایران دوران پهلوی ضعیف ترین سامانه دفاعی را داشت. دلیل آن اینکه در شهریور ۲۰، کشور بی دفاع ماند و بهنگام تجاوز عراق به ایران، نیز سامانه ارتش - که ملاتاریا شیرازه آن را نیز گسیخته بود - توانا به دفاع از کشور نبود. با تغییر این سامانه از سامانه ای که ستون فقرات استبداد بود به سامانه ای مردم سالار، بدان توانائی دفاع از ایران را بخشید.

ب - بدین قرار مهم تر از اسلحه، انسان و سامانه ایست که انسان، در آن، به خدمت دفاع از کشور در می آید. ج - چون سامانه دفاعی کامل نیاز به جامعه باز و تحول پذیر دارد و در چنین جامعه ای قشرهای حاکم دارای منافع متضاد با جامعه در وجود نمی آیند، از این رو، در جامعه های گرفتار قشربندی، قشرهای حاکم مانع از بوجود آمدن سامانه دفاعی کامل می شوند. از جمله به این دلیل که چنین نظامی بکار بردن قوای مسلح را بمنزله ستون فقرات قدرت، غیر ممکن می کند. هم اکنون، سامانه ( نظام ) دفاعی ایران بیشتر از هر زمان ضعیف است. چرا که رژیم کنونی بیشتر از گذشته به قوای مسلح بمنابته ستون فقرات رژیم نیاز دارد. در جامعه ایرانی، بخصوص از زمان پهلوی بدین سو است که قوای مسلح، نقش دفاع از کشور را بسیار کم و نقش دفاع از رژیم را در برابر ملت خود بسیار زیاد دارند.

نیروی مسلح که در برابر ملت خود قرار گرفت، بمیزان تضاد دولت با ملت، در دفاع از کشور، ناتوان می شود.

۸ - به ترتیبی که توضیح داده شد، داشتن بمب اتمی، گویای نوعی رابطه با کشورهای دیگر است. اینک پرسیم: آیا باید ساز و کار روابط موجود را بپذیریم یا نپذیریم؟ یک پاسخ اینست که باید واقع گرا بود و اقتضای واقع گرائی اینست که ما در جهانی با نظامی ( سامانه ) که دارد زندگی می کنیم. بنا بر این، در روابط قوامیاید موضع و موقع قدرت پیدا کنیم. این « واقع گرائی » همان سیاست موازنه مثبتی

است که شاه سابق، رویه کرد. سیاست مصدق این بود که با ملی کردن نفت، ایران از روابط قوا بیرون رود و رابطه ها با کشورهای دیگر را بر اصل موازنه عدمی برقرار کند. موازنه عدمی یک پیروزی بسیار بزرگ بدست آورد:

با وجود اینکه انگلستان، قوا به مرز دریایی ایران آورد، رعایت دو اصل استقلال و آزادی، حمله نظامی از بیرون به کشور را ناممکن گرداند. مقایسه آن با سیاست موازنه مثبت که آقای خمینی، با چراغ سبز دادن به روسیه برای حمله به افغانستان، و با گروگانگیری، در پیش گرفت، از هر لحاظ گویا است:

موازنه مثبت هم به عراق جرأت داد به ایران حمله کند و هم ایران را گرفتار محاصره اقتصادی کرد و هم کودتا را ببار آورد و آقای خمینی را به یک خون ریز بدل کرد. هرگاه شاه خائن نبود و به امریکا و انگلیس پیشنهاد کودتا بر ضد مصدق را نمی کرد و برغم آن، هرگاه در ۲۸ مرداد، دو آیت الله (بهبهانی و کاشانی) کودتای شکست خورده را، به یمن بیرون رفتن حزب توده از صحنه، به پیروزی نمی رساندند، نهضت ملی ایران پیروز می شد. می دانیم که اسناد حکایت از آن دارند که حکومت امریکا چاره را در این دیده بود که مشکل را جز با حکومت مصدق نمی توان حل کرد.

بدین قرار، واقع بینی دیگری وجود دارد و آن نپذیرفتن نظام جهانی و بیرون رفتن از روابط قوا است به شرحی که آمد و با توضیح هایی که بر آن افزوده می شود:

۹ - بمب اتمی در یک مجموعه تسلیحاتی و سازماندهی و آموزش نظامی، محل و کارآئی پیدا می کند. موشک یا هواپیمای خاص خود را می خواهد. دفاع ضد موشکی کارساز می خواهد. دستگاههای رادار در خور می خواهد. سلاح توانا به خنثی کردن دفاع ضد موشکی و ضد هوایی دشمن را می خواهد. پناهگاههای ضد اتمی می خواهد و...

و اینها همه، یک مجموعه اقتصادی و علمی و فنی توانا لازم دارد. بحثی بمیان بود که اگر ایران مجهز به بمب اتمی شود، مصر و سوریه و عربستان هم دست بکار تولید بمب اتمی خواهند شد. گفته شد مصر نمی تواند بمب اتمی داشته باشد و به دنبال آن نیز نمی رود. زیرا وابستگی اقتصادی و تسلیحاتی به امریکا دارد. به سخن دیگر، نمی تواند مجموعه اقتصادی - علمی - فنی را ایجاد کند. پرسیده شد مگر هند و پاکستان این مجموعه را دارند که بمب اتمی را تولید کردند؟ پاسخ داده شد هند و چین در کار رشد اقتصادی و ایجاد مجموعه اقتصادی - علمی - فنی هستند. با وجود این، در صورت وقوع جنگ اتمی بشدت آسیب پذیرند. زیرا دو مجموعه یکی نظامی و دیگری انسانی - اقتصادی - علمی - فنی آنها کمبود های زیادی دارند. آسیب پذیری پاکستان بازهم بیشتر است.

و رژیم مافایاها به جای ایجاد این دو مجموعه، از زبان « رئیس جمهوری » خود می گوید: تکنولوژی اتمی ارزش آن را دارد که هرچه داریم صرف بدست آوردن آن کنیم!



و در فصل چهارم خبرها و نظرها پیرامون بحران فلسطین و گفتگوهای محرمانه اسرائیل و سوریه و وضعیت لبنان را می آوریم .  
اطلاعات این دو فصل می باید ما را از ضعف و قوت احتمال حمله نظامی به ایران و نیز اندازه فشار اقتصادی و انزوای سیاسی آگاه کنند .  
در فصل پنجم داده های اقتصادی و هشداریه استانداران اقتصاد را به احمدی نژاد می آوریم .  
در فصل ششم ، قسمتی دیگر از تحقیق ژاله وفا را در باره نظام آموزش و پرورش از نظر خوانندگان می گذرانیم .  
در فصل هفتم ، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را گرد می آوریم :

## تخاصمها در درون رژیم و کم اثر شدن استفاده از سرکوبگری و بحران سازی در نزاع بر سر قدرت :

### \*تخاصم ها میان گروه احمدی نژاد با گروه هاشمی رفسنجانی و گروه های موجود در سپاه

◀ شورای امنیتی که سرداران سپاه در حکومت احمدی نژاد تشکیل داده اند، اعضای بیشتری یافته است . افزایش سرداران عضو این شورا بخاطر وضعیت خطرناکی است که حکومت و نظام در آنند :  
سردار صفار هرنندی - سردار وفایی - سردار ذوالقدر - سردار مالکی - سردار احمدی مقدم - سردار غلامرضا نقدی - سردار مرتضی رضایی - سردار جعفری - سردار احمدی نژاد - سردار فیروزآبادی - سردار محصولی و سرداران دیگر که همه برای نجات احمدی نژاد و خامنه ای گرد هم جمع شده اند .

◀ در سفر به اصفهان، احمدی نژاد برای خانواده های شهدا، سخنرانی می کند . بعد از خبرنگاران می خواهد جلسه را ترک کند . ضبط صوتها را خاموش کنند زیرا می خواهد با خانواده های شهدا، درد دل کند . خطاب به آنها می گوید: بله من گفته بودم اگر بر سر کار بیایم، با فساد مبارزه می کنم . اما چه کنم ؟ با هر فاسدی که فسادش درشت قلم است، می خواهم مقابله کنم، خود را در مقابله با دوستان سی ساله می یابم. آقا ( خامنه ای ) در مواردی از من حمایت می کنند اما سد دوستان سی ساله استوار است و مانع مبارزه با فساد .

مراد او از دوستان سی ساله ، هاشمی رفسنجانی و دوستی او با خامنه ایست . در واقع، درد دل احمدی نژاد اینست که خامنه ای از او حمایت کرده است رئیس جمهوری بشود برای زدن هاشمی رفسنجانی اما حالا که در خود یارای زدن دوست سی ساله اش را نمی بیند ، مانع کار می شود .

البته احمدی نژاد دور و بریهای بسیار فاسدی دارد و پرونده سوء استفاده های دوران شهردار تهران بودنش نیز تشکیل شده است اما خامنه

ای مانع از موضوع تعقیب قضائی شدن آنست .

انقلاب اسلامی : احمدی نژاد، درد دل محرمانه خود با خانواده های شهدا را به زبان دیگری ، در علن نیز تکرار کرده است :

◀ به گزارش ایسنا ( ۲۳ خرداد ۸۶ ) ، احمدی نژاد ، در شهر آرادان ، گفته است :

● بعضی در چند نوبت ۹۵ میلیارد تومان وام گرفته قسطهایش را نمی دهد و وقتی به بانک می گویم دیگر به او وام جدید ندهید بلندگوها به کار می افتند که سیاست های دولت باعث ناامنی اقتصادی می شود .

● بعضی نصیحت می کنند با اینها کار نداشته باشید اتفاقا ما آمده ایم که با اینها کار داشته باشیم. هر جا سندی و پرونده ای چند میلیاردی پیدا می کنیم در اکثر مواقع به یک دسته مشخص می رسیم و در آن موقع صاحبان قدرت و صاحبان نفوذ داد و فریاد راه می اندازند.

◀ بگزارش ایسنا ( ۲۴ خرداد ) احمدی نژاد ، در گرمسار گفته است : برخی بهانه های دیگر می آورند و می گویند عدالت خیلی سخت است و ما زورمان نمی رسد. چطور از دهان این قلدری که شیلنگ ۸ اینچ به بیت المال وصل کرده و با یک پمپ و برق سه فاز می مکد و به حساب و به جیب خود می ریزد و بستگان خود را منتفع می کند، چه طور جلوی او را می گیرید؟ او با تو برخورد می کند پس ول کن، سکوت کن. من می گویم خدا می فرماید ما به اندازه توان تلاش کنیم خداوند برکت می دهد.

◀ عماد افروغ ، نماینده مجلس مافیها که در آغاز حامی احمدی نژاد بود و بعد منتقد او شد، خبر می دهد که دیداری با احمدی نژاد داشته است و در حضور، انتقادهایش را از گفتار و کردار او، یک به یک باز گفته است . بنا بر قول افروغ، در برابر بسیاری از انتقادهای سکوت کرده است . در باره بعضی از انتقادهای وارد بحث شده و آنها را رد کرده است . اما ، کوتاه زمانی بعد از آن، نامه ای به مجلس نوشته و از افروغ شکایت کرده است .

افروغ با خبرگزاری فارس مصاحبه ای را انجام داده است . او دیگر جانبدار تقدم مصلحت بر حقیقت نیست و بر اینست که می باید جانب حقیقت را گرفت :

« فراموش نکنیم ما در نظامی زندگی می کنیم که قرار است حقیقت در آن حاکم باشد و نه مصلحت های جناحی، فردی و گروهی؛ لذا در چنین نظامی چنین نشود که از در و دیوار کشور با ریزش مصلحت روبرو باشیم اما بگویند حقیقت است.

دلیل حقیقت گرا بودن امام راحل شاید به این دلیل بود که زمانه اینچنین اقتضا می کرد و شاید شرایط روحی و روانی و قابلیت های درونی مردم نسبت به ایشان، این اقتضاء را راحت تر می کرد و شاید محدودیت ها و فشارها به رهبر انقلاب مانع از بیان مواضع حقیقی باشد و ایشان از روی اضطراب مجبور به اتخاذ مواضعی از روی مصلحت باشند.»

این امور، موجب هتاک سایت رجا نیوز و دیگر ارگانهای تبلیغاتی احمدی نژاد به او شده است . افروغ از ریاست کمیسیون فرهنگ استعفاء کرده و

## شدت تخاصم

گفته است در انتخابات مجلس هشتم، نامزد نمایندگی نخواهد شد .

◀ در اخبار محرمانه آمده است که علت اصلی اخراج استاندار خوزستان در اختیار قرار گرفتن زنی صیغه ای بوده است . البته درگیری این استاندار با احمدی نژاد و سپاه از قبل وجود داشت و نیروهای اطلاعاتی و انتظامی احمدی نژاد همواره به دنبال گرفتن اتو از این استاندار بوده اند تا اینکه متوجه شده اند که وی یک زن را صیغه کرده است . وی را به خاطر همین کار زیر سوال بردند و کاری کردند که وی از سمت خود استعفا بدهد .

برخی می گویند که واکنش تند وزیر کشور در مورد اینکه باید مسئله صیغه با جسارت بررسی شود به این دلیل بوده است که او گفته است : کاری که استاندار خوزستان انجام داده است کاری اسلامی بوده و اگر برخی از آن دفاع نمی کنند به خاطر این است که می ترسند . او خود دفاع از صیغه را برعهده گرفته است .

اما علت واقعی برکناری استاندار خوزستان، نزاع دو گروه مافیائی، یکی هواخواه احمدی نژاد و دیگری هواخواه رضائی است . استاندار متعلق به گروه هوادار محسن رضائی بوده است .

### \* تخاصم با گروه های هاشمی رفسنجانی و اصلاح طلب از راه کشیدن پای امریکا بمیان و ربط دستگیری دو ملیتی ها با انتخابات مجلس هشتم و کشف شدن طرح ترور هاشمی رفسنجانی :

◀ دستگیری ایرانیانی که تابعیت امریکا را نیز پذیرفته اند به دستگیریهای پیش از انتخابات مجلس هفتم می ماند . آن زمان به دستگیر شده ها این اتهام را وارد کردند که عامل امریکا هستند .

اما این بار، دستگیریها را هم بخاطر معامله بر سر ۵ عضو سپاه انجام داده اند که در اربیل دستگیر شده اند و هم می خواهند با جسداندن آنها به هاشمی رفسنجانی و اصلاح طلبان، با این دو گروه، زمینه را برای انتخابات مجلس هشتم فراهم کنند . خبر زیر، از سوئی گویای شدت خصومت جناح های رژیم با یکدیگر و از سوی دیگر نیاز مافیاهای نظامی - مالی به استفاده از امریکا برای تسویه حساب با گروه بندیهای خصم در درون رژیم است :

◀ با نصب دوربین های مخفی ، زندگی موسویان را شبانه روز فیلم برداری و او را به جرم جاسوسی دستگیر کرده اند . با وساطت گروه هاشمی، او فعلا به قید ضمانت آزاد است .

در باره جاسوس خواندن او، احمدی نژاد ، در صحبتی، گفته است : در خصوص پرونده هسته ای به اطلاعات جدیدی دست یافته ایم که غیر قابل باور است. او از خیانت برخی از مسوولان پرونده هسته ای و ارتباطشان با یگانگان خبر داده و قید کرده است: در حال حاضر پرونده این افراد در دست بررسی است و بعد از تکمیل اطلاعات اقدامات مقتضی به

عمل خواهد آمد و ملت عزیز ایران در جریان مسائل قرار خواهد گرفت . بعد از این اظهارات بود که موسویان دستگیر شد. البته لو دادن اطلاعات در ایران غوغا می کند . بیشتر مسئولین امنیتی در تلاشند تا محرملوی درزهای اطلاعاتی را بگیرند .

◀ احمدی نژاد گفته است : به من ایراد می گیرند چرا در باره هلوکاست حرف می زنم. من سالها در این باره مطالعه کرده ام و می دانم چه می گویم . از اتفاق، وقتی من در این باره صحبت کردم، آقا ( خامنه ای ) به من فرمودند : محمود خوب به حال زدی .

آنهايي که با صحبت تو مخالفت می کنند انجاشان سوخته است !

◀ بنا بر مسموع، طرح ترور هاشمی رفسنجانی ، در ۲۴ خرداد کشف و خنثی شده است .

انقلاب اسلامی : از صحت این اطلاع، تا زمان انتشار، اطمینان حاصل نشد .

### \* دستگاه های اطلاعاتی رژیم درزهای بسیار پیدا کرده اند و اطلاعات محرمانه راه به خارج پیدا می کنند :

◀ شرفی، کاردار سابق ایران در بغداد، که ربوده و سپس آزاد شد و به ایران بازگشت و گفت امریکائیان او را شکنجه کرده اند، اینکه در زندان رژیم است . او متهم است تمامی اطلاعات را به امریکائیان داده است . به دنبال دستگیری او بود که مقتدی صدر ناپدید شد یعنی به ایران گریخت و معاون وزارت بهداشت عراق دستگیر شد. دلیل این دو رویداد را رژیم فروش اطلاعات به امریکائیه می داند . از قرار، این شخص پول زیادی نیز با خود به ایران آورده است .

◀ زمانی که وزیر جدید واواک بر سر کار آمد، تلاش گسترده ای را برای حذف افراد قدیمی کارگشته ، آغاز کرد و به جای آنها افراد تازه کار را به خدمت گرفت. ولی این افراد آنقدر ضعیف بودند که تا به امروز این وزارت نتوانسته است کاری جز کارهای بی ارزش انجام دهد :

● واواک تحت اداره محسنی اژه ای تنها به دنبال جریان زنان امضا کننده و نویسندگان مطبوعات و برخی از وبلاگ نویسه است و کار بزرگتری به او داده نمی شود . البته دستگیری گرانروشان و زمین خواران را نیز تا حدی به واواک داده اند اما کار اصلی اطلاعاتی را در حال حاضر اطلاعات سپاه پاسداران و شورای عالی امنیت ملی انجام می دهند .

شورای عالی امنیت ملی نیز دارای درز بزرگ در بدنه خود است زیرا سرداران مأمور کار در آنجا هم متوجه شده اند که اطلاعات بسیاری از آن شورا به خارج از کشور درز کرده است از جمله :

● اطلاعات مربوط به حضور نیروهای فرماندهی سپاه قدس و اعضای بلند پایه شورای امنیت در اربیل که مورد حمله امریکائیان قرار گرفت اما زمان حمله قدری دیر تر از زمان حضور آنها در آن محل بود .

● جریان پناهندگی سردار عسگری به امریکا هم بخاطر این بوده است که متوجه شده بود دستور دستگیری او

در شرف صدور است . به همین دلیل با پولهای کلانی که در دست داشته و همچنین شمشهای طلایی که گفته می شود نزد او بوده اند، به غرب پناهنده شده است .

این درزهای اطلاعاتی باعث شده است که شورای امنیت ملی مورد حمله برخی از سرداران قرار گیرد و از رفتن به آن شورا و شرکت در جلسات خودداری نمایند.

علی لاریجانی سردار فضلی را از وزارت کشور به شورای عالی امنیت ملی آورد بلکه درزها را بگیرد . اما هنوز درزهای زیادی در این شورا وجود دارد .

برخی از مذاکرات و بحث های فنی و محرمانه این شورا در میان جامعه منتشر شده اند و این امر موجبات سرافکنندگی این شورا را به وجود آورده است .

البته نباید نادیده گرفت که شورای عالی امنیت ملی در این روزها به جای دادگاه ویژه مطبوعات و دادستان و دادگاههای انقلاب نیز عمل می نماید : به تازگی شورای عالی امنیت ملی کار چگونگی پیشگیری از درج اخبار در مطبوعات را در دست گرفته است و طی نامه ای به مدیران مسئول نشریات از آنها خواسته است در مورد قضایای هسته ای نباید چیزی درج کنند و همچنین از آنها خواسته است در مورد سخنرانی های مطبوعاتی و غیر مطبوعاتی رییس جمهوری، قبل از انتشار با این شورا مشاوره کنند .

### \* مهار احمدی نژاد و وزیران او به ترتیب زیر انجام گرفته است اما :

◀ کاف های احمدی نژاد ، در سخنرانی ها و در گفتگوها با مشاوران و معاونان ... به حدی زیاد است که برای راست و ریست کردن آنها شمار بسیار روزمره مشغول کار هستند .

به تازگی، ازسوی شورای امنیت ملی برخی تحت عنوان خبرنگار و یا افرادی که به نوعی وابسته به تیم خبرنگاری و مطبوعاتی احمدی نژاد هستند در کلاسهای آموزش های خاصی را می بینند. این خبرنگاران و وابستگان و قلم به مردان کارشان اینست که هر زمان احمدی نژاد یا معاونان او در جلسه ای قرار است سخنرانی کنند یا مصاحبه نمایند آنها می آیند و سخنان آنان را رفو و قابل انتشار می کنند. برخی از معاونان او، در جلساتی شرکت می کنند و حرفهایی می زنند که اصلا ربطی به موضوع مورد بحث آن جلسه ندارد.

ولی فردا در مطبوعات سخنانی از آن مسئول یا معاون درز می شوند که در حد فکر و فهم آن مسئول نیست و او در آن روز آن سخنان را نگفته است . این شیوه جدید از ترفندهایی است که شورای عالی امنیت ملی در کار آورده است . دلیل آن اینست که افرادی که بر سر کار آمده اند اصلا لایق مقامهایی که یافته اند نیستند و باید به جای حرفهای آنان، حرفهایی را جعل کرد و انتشار داد که بی کفایتی و نادانی مسئولان را گزارش نکنند . در کنار برخی از مسئولین فردی قرار گرفته است که حرفهایی که باید بزنند، در نوشته ای، به آنها می دهد و آنها بازگو می کنند .

◀ این سخن که به احمدی نژاد نسبت می دهند لطیفه است یا واقعیت ؟ : عده ای در پی آنند که از محل و



زمان دیدارهای من با آقا امام زمان (عج) سردر آورند برای اینکه ببینند و آن حضرت را ترور کنند!!

انقلاب اسلامی: وقتی پوتین می گوید: بعد از گاندی او تنها کسی است که روش عدم خشونت بکار برده است و شیراک رئیس جمهوری پیشین فرانسه مدعی است که بیمار شفا می دهد و بوش می گوید: آنچه او می کند، خدا به من می گوید بکن! و همین احمدی نژاد می گوید بهنگام ورود به سازمان ملل در هاله نور بوده است و... با توجه به سطح فکر او، تردید در این باره که این سخن از زبان او بیرون آمده باشد و لطیفه نباشد محل پیدا می کند. بخصوص که احمدی نژاد هر بار به سفر خارج می رود، به قرآن تفال می زند و همواره همان آیه می آید!:

عصرایران (۲۰ خرداد) خبر داده است: جواد منتظری، یک خبرنگار در وبلاگ شخصی خود «چکیده» و در مطلبی با عنوان «استخاره» ماجرای جالبی را درباره قرآن باز کردن محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری در مراسم بدرقه رسمی در سفر به کشور بلاروس نقل کرده است: «احمدی نژاد به مانند گذشته پیش از سوار شدن به هواپیما قرآن به دست گرفت (به نیت استخاره یا استمداد نمی دانم) و پس از زمزمه کردن کلماتی قرآن را مقابل روی خود باز کرد. پس از خواندن آیاتی که در آن صفحه آمده بود لبخندی بر لبانش نشست و قرآن را مقابل محمدی گلپایگانی (رئیس دفتر خامنه ای) که برای بدرقه او به فرودگاه آمده بود گرفت و دو طرف به نشانه رضایت لبخندی زدند. البته پرویز داوودی نیز برای ارضای کنجکاوی خود سرکی کشید تا دلیل لبخند احمدی نژاد و محمدی گلپایگانی را در یابد.

پس از پایان مراسم بدرقه من نیز برای ارضای این حس کنجکاوی به نزد محمدی گلپایگانی رفتم و از او در این باره جويا شدم:

حاج آقا همیشه بکید وقتی آقای احمدی نژاد قرآن را باز کردند چه آیه ای آمد؟  
- بله. «انزلناه بالحق و نزل بالحق و ما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا»  
حاج آقا همیشه بکید این آیه از کدام سوره است؟  
- سوره اش؟ نه خاطر من نیست ولی آیه این بود.

من خودم شخصا حدس می زدم که ممکن است چنین آیه ای آمده باشد. {به او گفتم}:

حاج آقا الان چند سفر است که آقای احمدی نژاد قرآن باز می کنند و این آیه می آید (یک نیروی غیبی انگشتان احمدی نژاد را به سمت یک صفحه معین هدایت کرده است! ببینید مملکت با استخاره اداره میشود؟). این از نظر شما عجیب نیست؟  
- چرا، عجیبه. همینطور که شما می گید.

- آخه چه جوریه حاج آقا؟  
- حق با شماست. اما خوب تبابی که نبوده. ایشان قرآن باز می کنند و این آیه می آید. این جزء عجایب است. حالا که شما می گید می بینم حق با شماست و عجیب هم هست.

وی همچنین با اشاره به مراسم بدرقه رسمی سفر قبلی احمدی نژاد به مقصد امارات می نویسد: "... پس از مستقر شدن محمدی گلپایگانی چند کلمه ای هم بین وی و احمدی نژاد رد و بدل می شود:

احمدی نژاد: خاطرتان هست آن شب که به عربستان می رفتیم، قرآن باز کردیم چه آمد؟

## شدت تخاصم

مصاحبه با هفته نامه نظامی دینفس نیوز که در شماره آخر آن منتشر شد، حمله نظامی آمریکا را خطری دانست که ایران را تهدید می کند و گفت: ایران اقدامات آمریکا در منطقه را از بسیاری جهات خنثی و نفوذ منطقه ای خود را به خصوص در افغانستان، عراق، لبنان و سرزمینهای فلسطینی گسترش داده است.

در حال حاضر، ایران حدود ۷۰ درصد بازی آمریکا در منطقه را تحت کنترل خود در آورده است.

در صورت حمله نظامی آمریکا به ایران، تهران برخی نقاط ویژه را هدف قرار خواهد داد که از آن جمله می توان به برخی کشورهای عربی خلیج فارس اشاره کرد: کشورهایی که به واشنگتن کمک می کنند تا حمله نظامی خود را به ایران توجیه کند.

## \* شکست در مبارزه با بدحجابی و گردهمایی مأموران استبدادیان در تضييع حقوق انسان:

مبارزه با بدحجابی را احمدی مقدم و یکی دو تن دیگر از باند احمدی نژاد طراحی و اجرا کردند. برغم سرکوب دو سه هفته اول، کارشان به شکست انجامید. به دنبال این شکست، اعتراضها به خامنه ای بیشتر شده است. اعتراض کنندگان می گویند: با آنکه به خامنه ای هشدار داده بودند که این کار سبب می شود آنها هم که هنوز می ترسیدند، ترسشان بریزند و بدحجابی همگانی شود و غیر قابل جلوگیری، او جلو این کار را نگرفت. و حالا، زنها دو سانتی متر هم روسریها را بالا تر برده اند. و این شکست برغم دستگیریهایی بسیار.

قرار است در ایران گردهمایی با شرکت دادستانهای کشورهای اسلامی تشکیل شود. در این گرد همآیی بنا است به بررسی حق و حقوق متهمان و شرایط تحقق عدالت بررسی شوند. گفته می شود که از «برجسته» ترین کسانی که در این گردهمایی شرکت خواهند کرد و نقش گرداننده را بر عهده خواهند گرفت، دری نجف آبادی و رهبر پور و مرتضوی و علیزاده هستند.

این اشخاص کسانی هستند که در ترورها و قتلها و شکنجه ها و به دنبال آنها محکوم گردنها به اعدام و اعدام گردنها و فرستادن تیم های ترور برای کشتن سبانه (قتلهای شهیدان فروهرها و مختاری و پوینده و مجید شریف و پرویز دوانی و...) و نیز کشتن ها از راه تزریق امپول هوا و الکل و ترتیب دادن تصادفات عمدی نقش اول را داشته اند.

دری نجف آبادی یکی از مسئولین و مفتیان قتل سبانه سیاسی است که رژیم آنها را قتلهای زنجیره ای خواند. او به خاطر جنایتها، ناگزیر شد از وزارت و او را استعفاء کند.

علیزاده از جنایتکاران به نام است. او به جرم جاسوسی از قوه قضاییه اخراج شد.

سعید مرتضوی از جنایتکاران مورد توجه و حمایت خامنه ایست. قتل زهرا کاظمی یکی از جنایتهاست است مأموران تحت امر او انجام دادند.

رهبر پور از دادستانها و رؤسای دادگاه انقلاب که صدها تن قربانی

پرونده سازیها و احکام ظالمانه او شده اند. جنایت و قتل را در کارنامه خود دارد.

در «جمهوری اسلامی» این جنایتکاران قرار است از عدالت و حقوق متهمان صحبت کنند. رسوا ترین صورت سازیها برای پوشاندن کم مانند ترین جنایتها.

## \* آمریکا هم به این نتیجه می رسد که طرف حسابش سپاه است!! - درگیری میان نیروهای انتظامی و سپاه - ترور ناکام ریگی:

در ۱۴ ژوئن، هنری پاولسن وزیر خزانه داری آمریکا گفته است: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کارش تا مین هزینه و آموزش گروه های شبه نظامی در خاورمیانه است. یکچند از متحدان آمریکا اراده سیاسی لازم را متوقف کردن شبکه ای که سپاه ایجاد کرده است را ندارند. حال این که معامله با ایران، بسا معامله با سپاه اسداریان انقلاب اسلامی است.»

این قول حاکی از اطلاع آمریکا از این واقعیت است که بخصوص بعد از روی کار آمدن «اصول گرایان»، کار دستگاههای اطلاعاتی سپاه و واواک اینست که در کشورهای دیگر افراد و گروهها را شناسایی و به ایران برای دادن تعلیم و بستن قرارداد همکاری بیاورند.

علاوه بر این، قول وزیر خزانه داری حاکی از اینست که حالا دیگر آمریکا می داند مهار امور از دست ملاتاریا خارج و در دست مافیاهای نظامی - مالی قرار گرفته است. این قول، در تهران واکنش شدید و وسیعی را بر ضد خامنه ای برانگیخته است. چه در سطح جامعه و خواه نزد روحانیان و چه در خود رژیم. زیرا او دولت را به تصرف مافیاهای نظامی - مالی در آورده است. در سطح جامعه، منفور ترین چهره رژیم خامنه ای است. ریزش نیرو در میان طرفداران رژیم بحدی است که آن را از نصف هم کمتر کرده است. بیزاری از خامنه ای از بیزاری از احمدی نژاد بسیار بیشتر شده است.

انقلاب اسلامی: دانستن است که قول مقام آمریکایی برای اروپائیان نیز شگفت آور می نماید. از قرار، اروپائیان در همان حال که به این نتیجه رسیده اند که امور در دست سپاه است، بر این گمان هستند که مهار سپاه و دولت نیز در دست خامنه ای است!

یکی از نزدیکان ریگی، سر دسته جند الله را به مبلغ ۱۰ میلیون تومان خریده و مأمور کشتن او کرده اند. او نیز در پی انجام ترور رفته است. اما نتوانسته است او را بکشد. بر اثر تیر اندازی او سه تن کشته شده اند ولی به ریگی آسیب نرسیده و او متواری شده است.

در آذربایجان شرقی، زد و خورد مسلحانه ای میان نیروهای انتظامی و حفاظت سپاه روی داده است. ناسازگاری سپاه با دیگر نیروهای مسلح همه مکانی است.

انقلاب اسلامی: گزارش تفصیلی در باره کارنامه حکومت خامنه ای - احمدی نژاد، پرتو اطلاعات فصل اول را بر وضعیت مردم و وضعیت رژیم، پر فروغ تر می کند:

انقلاب اسلامی: کنفرانس سران ۸ کشور نیز ایران را به تشدید مجازاتها تهدید کردند. در همان حال که در عراق، انفجار دومی در سامرا، در ضریح امامان روی داد، گفتگوی ایران و آمریکا راه بجائی نبرد. در مورد افغانستان نیز، وزیر دفاع آمریکا ایران را متهم به ارسال اسلحه برای طالبان می کند:

## سه بحران: بحران اتمی و تهدید به تشدید مجازاتها، بحران عراق و بحران افغانستان:

انقلاب اسلامی: در قسمت اول خبرها و نظرها در باره بحران اتمی و در قسمت دوم خبرها پیرامون بحران عراق و وضعیت را می خوانید:

## تهدید سران ۸ کشور - عبدالقادر خان و نقش او - سازش یا قطعنامه جدید بر ضد ایران؟:

## \* تهدید سران ۸ کشور ثروتمند جهان و واکنش دو جناح رژیم:

به گزارش دبلی تایمز (۱۱ ژوئن)، در ۸ ژوئن ۲۰۰۷، سران ۸ کشور ثروتمند جهان، آمریکا و انگلستان و آلمان و ایتالیا و روسیه و ژاپن و فرانسه و کانادا، در بیانیه پایانی کنفرانس خود، ابراز تأسف کردند از این که ایران قطعنامه های شورای امنیت را اجرا نکرده اند و از ایران خواستند قطعنامه های شورای امنیت را اجرا کنند، وگرنه، قطعنامه حاوی مجازاتهای شدیدتری به تصویب شورای امنیت خواهد رسید. سخنان بی موقع احمدی نژاد، هم سبب توافق بر سر این تهدید شد و «یهود ستیزی» احمدی نژاد موجب توییح رژیم ایران و سخت شدن لحن بیانیه در باره ایران گشت.

باز به گزارش دبلی تایمز، ایران به دو جهت تحت انتقاد شدید است: اجرا نکردن قطعنامه های شورای امنیت و کاستن از همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی. در گزارش به شورای حکام آژانس که روز دو شب ۱۱ ژوئن در وین تشکیل شد، بر سرعت حرکت ایران بسوی غنی کردن اورانیوم و کاستن از همکاری این کشور با آژانس، تأکید شد.

گزارش ۲۳ مه مفتش آژانس می گوید: ایران نه تنها قطعنامه آژانس و تاریخی را نادیده گرفته است که در



آن، مهلت داده شده به ایران پایان می پذیرد، بلکه از آغاز سال جدید بدین سو، به پیشبرد برنامه غنی سازی اورانیوم سرعت نیز بخشیده است.

یک مقام سازمان ملل می گوید: ایران هم اکنون ۲۰۰۰ سانتریفوژ دارد و تا ماه آینده، شمار آنها را به ۳۰۰۰ خواهد رساند. بکار انداختن این شمار سانتریفوژ ایران را قادر به تولید بمب اتمی ظرف یک سال می کند. ◀ به دنبال انتشار بیانیه سران ۸ کشور، محمد علی حسینی، سخنگوی وزارت خارجه رژیم مافیاهای نظامی - مالی این سان واکنش نشان داده است:

ما از اتخاذ اینگونه مواضع تکراری متأسفیم. ما از این امر متأسفیم که شورای امنیت به پابندی ایران به تعهدات خود در قبال آژانس بین المللی انرژی اتمی توجه نکرده است. هرگاه شورای امنیت قطعنامه جدید صادر کند باز ما ناگزیر هستیم به آن عمل نکنیم. بیانیه سران ۸ کشور می باید به گزارشهای آژانس حاکی از همکاری ایران با این آژانس توجه می کرد.

◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه ( ۹ ژوئن )، هاشمی رفسنجانی، روز شنبه ۹ ژوئن، در باره تهدید سران ۸ کشور، این سان واکنش نشان داده است: بکار دیگر، ما شاهد آنیم که کشورهای اتمی جهان از ایران می خواهند اجرای برنامه اتمی خود را متوقف کند. آنها تهدید می کنند که اگر به قطعنامه شورای امنیت عمل نکنیم، مجازاتهای جدید بر ضد ما اعمال خواهند کرد. این اول بار نیست که این کشورها نسبت به ما ابراز خصومت می کنند. با وجود این، ما قدم به قدم به جلو می رویم و حالا با عقل و درایت می توانیم از این مرحله سخت نیز عبور کنیم.

◀ آسوشیتدپرس ( ۱۱ ژوئن ) خبر می دهد دیداری که فرستاده بلند پایه ایران می باید با البرادعی، در وین انجام می داد، بناگهان قطع شد. قرار بود در این دیدار، به آژانس اطمینان داده می شد که ایران آماده است تا فعالیتهای اتمی غیر شفاف خود را شفاف کند به تریبی که آژانس اطمینان حاصل کند تمامی فعالیتهای شفاف هستند. این ظن وجود دارد که آن بخش از فعالیتها که سری هستند با هدف تولید سلاح اتمی انجام می گیرند.

دیپلماتهای آگاه از پرونده اتمی ایران در آژانس، بر این نظر هستند که علت لغو دیدار مقام بلند پایه ایران با البرادعی، مخالفت احمدی نژاد و مشاوران او هستند که با هرگونه امتیاز دادنی مخالف هستند.

مقام ایرانی که می باید به ملاقات می آمد، جاوید وعیدی بود. آمدن و گفتگو کردنش با البرادعی و اطلاع دانش به مدیر کل آژانس که ایران آماده شفاف کردن فعالیتهای اتمی خویش است، آزمون بود از آمادگی ایران برای خاتمه بخشیدن به فعالیتهای اتمی سوء ظن بر انگیز. یک دیپلمات می گوید: ملاقات وعیدی با البرادعی لغو شد زیرا او حامل وعده شفاف سازی فعالیتهای اتمی نبود.

دیپلمات دیگری که خواست نامش محفوظ بماند بخاطر این که اطلاعاتی که در اختیار می گذاشت سری بود، به ما گفت: وعیدی آماده بود بیاید و به البرادعی پیشنهادهای مشخصی را ارائه کند اما به او دستور داده شد از سفر به وین منصرف شود.

هفته پیش، در آستانه تشکیل کنفرانس سران ۸ کشور، احمدی نژاد گفته بود: فشار غرب برای این که ما

## شدت تخاصم

است که ایران را از تکنولوژی و سانتریفوژها برخوردار کردند. دلیل قطعی را لیبی در اختیار گذاشت: در دسامبر ۲۰۰۳، لیبی در علن اعتراف کرد که تجهیزات و تکنولوژی اتمی را دارد و توضیح داد که آنها را از طریق شبکه عبدالقادر خان بدست آورده است.

\* لوموند: عبدالقادر خان شبکه صدور تکنولوژی و ماشین های اتمی را چگونه بوجود آورد؟

● کوررا: پاسخ به این پرسش بسیار مشکل است. زیرا بمدت یک ربع قرن، او جز به رئیس ستاد ارتش پاکستان به کسی حساب پس نمی داد. میان این دو هیچ واسطه ای نبود و هیچ نوشته ای نیز رد و بدل نمی شد. ارتش پاکستان او و فعالیتهایش را از دید دوایر اطلاعاتی غرب حفظ می کرد. از سال ۱۹۸۰، او دیگر تنها تکنولوژی و تجهیزات وارد نمی کرد بلکه آنها را صادر نیز می کرد. او از شبکه صنعتی، بطور عمده اروپائی، سود می جست که در آغاز برای نیازهای پاکستان بوجود آمده بود. حالا می دانیم که او در ۱۹۹۰، به عراقها پیشنهاد کرده بود به آنها تکنولوژی و تجهیزات بفروشد. اما عراقها نپذیرفته اند. زیرا از آن بیم داشته اند که غریبها دامی برایشان گسترده باشند. با سوریه نیز تماس گرفته بود اما نتیجه نگرفته بود. در عوض، اطمینان حاصل است که ایران و کره شمالی و لیبی پیشنهاد او را پذیرفته اند.

\* لوموند: شما در کتاب خود این سه مورد را شرح داده اید. ترتیب فروش تکنولوژی و تجهیزات در هر مورد چگونه بوده است؟

● کوررا: معامله اول با ایران انجام گرفته است. در اتاق یک هتل، در دوی، در ۱۹۸۷ معامله انجام گرفته است. آن زمان، فرستاده های ایران مبلغ ۳ میلیون دلار برای دریافت مجموعه ای از نقشه ها پرداختند که به آنها امکان می دادند سانتریفوژها را بسازند. از قرار، ایرانیها نمی توانسته اند از روی نقشه ها سانتریفوژها را بسازند. در ۱۹۹۳، با عبدالقادر خان، از نو، تماس می گیرند. این بار، از او می خواهند به آنها سانتریفوژ بفروشند. آخرین تماس آنها با عبدالقادر خان، در ۱۹۹۹ انجام گرفته است. بهر رو، در ۱۹۹۵، ایران شروع به ساختن سانتریفوژ کرده است. نخست در کارخانه ای در اطراف تهران و سپس در مرکز نظنز.

در اوائل ۱۹۹۰، پاکستان بر آن می شود که موشک بسازد. عبدالقادر خان به کره شمالی می رود و با مقامات آن کشور وارد معامله می شود: کره ایها نقشه های ساختن موشک نودوتگ را در اختیار پاکستان می گذارد و پاکستان تکنولوژی غنی سازی اورانیوم را به کره می دهد. در طول دهه ۹۰ روابط دو کشور در این دو زمینه بیشتر می شود.

اما در ۱۹۹۵ بود که عبدالقادر خان معامله بزرگ خود را انجام داد. این معامله با لیبی بود. این بار، دیگر مثل ایران نبود که نقشه ها و قطعات فروخته شوند. قذافی برنامه کامل می خواست. هزارها سانتریفوژ مدل جدید و ماشین های لازم برای تولید سانتریفوژها و دستور العمل شامل جزئیات را می خواست. این بار، خان می باید دست بکار تولید صنعتی

سانتریفوژ بمقیاس بزرگ می شد. واحدهای تولید در همه جا ایجاد شدند، در مالزی، در ترکیه و در افریقای جنوبی. قطعات به دوی فرستاده و از آنجا به لیبی برده می شدند. وسعت عملیات بود که سبب لو رفتن شبکه عبدالقادر خان شد. سیا و انتلیجنت سرویس پی بردند کاری دارد انجام می گیرد. و از سال ۲۰۰۰ بدین سو، از روابط خان با کره شمالی و لیبی سردرآوردند.

\* لوموند: اما سه سال طول کشید که فعالیتهای شبکه متوقف شوند.

● کوررا: مسئله این بود که چگونه باید بساط خان را جمع کرد. منزلت او بمثابه قهرمان پاکستان کار را مشکل می کرد. بخصوص بعد از ترورهای ۱۱ سپتامبر که امریکا پیش از پیش نیازمند همکاری پاکستان در مبارزه با القاعده بود. انتلیجنت سرویس و سیا فکر این را هم کردند که تأسیسات شبکه را در مالزی، منفجر کنند اما این فکر رها شد. این در جریان سال ۲۰۰۲ بود که اطلاعات در باره فعالیت اتمی ایران و فعالیت کره شمالی برای تولید بمب اتمی، از پرده بیرون افتادند. اما آن زمان، تدارک جنگ با عراق، فعالیتهای دیپلماتیک را صرف خود می کرد: مضحک این که عراق تنها کشوری بود که پیشنهاد خان را نپذیرفته بود و اینک، به این عنوان که صاحب تأسیسات لازم برای تولید بمب اتمی است، گرفتار جنگ می شد. بسا بخاطر جنگ امریکا و انگلستان با غرب بود که لیبی ترجیح داد با این دو کشور وارد معامله شود: در مارس ۲۰۰۳، مأموران قذافی به انتلیجنت سرویس نزدیک شدند برای گفتگو در باره خلع سلاح. اما همه چیز را گفتند و لیبی زیر بار تقیتش بین المللی نرفت. این تقیتش کشتی بی بی سی چینا در مدیترانه بود که همه چیز را تغییر داد. در این کشتی، قطعات یدکی خاص تجهیزات اتمی لیبی یافت شدند و در دسامبر ۲۰۰۳، لیبی ناگزیر شد همه چیز را بگوید. بیشتر اطلاعات قابل انتشار در باره شبکه عبدالقادر خان در آن زمان انتشار یافتند و پاکستان دیگر نتوانست از او حمایت کند.

\* لوموند: انگیزه عبدالقادر خان چه بود؟

● کوررا: انگیزه او تنها عطش پول نبود. به باور من، بیزاری از رفتار غرب نیز بود. زیرا غرب می خواست ظرفیت اتمی را برای خود نگاه دارد و در کار تولید بمب اتمی توسط پاکستان بقصد تأمین امنیت خویش در برابر هند، اخلال می کرد.

\* لوموند: ناکامی سازمانهای اطلاعاتی غرب را بمدت ۳۰ سال، چگونه باید توضیح داد؟

● کوررا: برای من قطعی است که این سازمانها شکست خورده اند: در باره شبکه عبدالقادر خان، بسیاری چیزها دانسته بودند. بگوئیم مراحل مختلف وجود داشتند. می توان گفت که در سالهای ۱۹۷۰، سازمانهای اطلاعاتی اروپا از کشف شبکه عاجز بودند. صاحبان صنایعی که با عبدالقادر خان در ارتباط بودند، زیر نظر بودند اما کاری انجام نشد. در سالهای ۱۹۸۰، بیشتر این سیاست امریکا

بود که شکست خورد. اطلاعات در باره فعالیتهای خان به مقامات مسئول داده می شدند. اما امریکا برای مقابله با شوروی سابق در افغانستان، به پاکستان نیاز داشت و مسئله انتشار سلاح اتمی، در ردیف دوم اهمیت قرار گرفت. برخی از مسئولان امریکائی که به این گزینش اعتراض کردند، مقام و موقعیت خود را از دست دادند. و بالاخره، در سالهای ۱۹۹۰، سازمانهای اطلاعاتی رد بخش کاملی از شبکه را گم کردند. در اطلاعاتشان، نقصانها پیدا شدند.

\* لوموند: بنظر شما پی آمدهای عملیات گسترده انتشار تکنولوژی اتمی توسط عبدالقادر خان، برای امنیت جهان، کدامها هستند؟

● کوررا: سخن امروز ایرانیان در باره «دموکراتیزه کردن سلاح هسته ای» شنیدن دارد. بی کم و کاست همان سخن را بر زبان می آورند که پاکستان در سالهای ۱۹۸۰، می گفت. اما توجهات ایدئولوژیک به کنار، ارزش عبدالقادر خان انتشار وسیع تکنولوژی اتمی است. البته او تجهیزات فروخته است اما همراه با آن، دانشهای فنی نیز فروخته است. در نتیجه، تکنولوژی اتمی در دسترس تر شده است. تقاضای جهانی بی وقفه افزایش می یابد. بسیاری از کشورها خواستار دستیابی به تکنولوژی اتمی و بسا تحصیل بمب اتمی هستند. و نیز، شبکه عبدالقادر خان مرز میان قلمرو فعالیتهای دولتی و غیر دولتی را از میان برده است و این سؤال را پیش روی ما گذاشته است: چه خواهیم کرد اگر کسی دیگری چون عبدالقادر خان، دست بکار ایجاد شبکه شود اما نه سلاح اتمی بلکه سلاح میکروبی که نیاز به تکنولوژی بسیار ساده تری دارد؟ گوردن کوررا، در بی بی سی، متخصص مسائل امنیتی است. مؤلف کتابهای Shopping for Bombs و Rise and Fall of the A.Q. Khan Network, C. Hurst & CO است. انقلاب اسلامی: ناتوانی های سازمانهای جاسوسی امریکا ( سیا ) و انگلستان ( انتلیجنت سرویس )، یکی و دو تا نیستند: این سازمانها از بیماری شاه و ماندند. از کودتا در افغانستان توسط کمونیستها، پیشاپیش اطلاع نیافتند. از تحصیل اطلاع پیرامون انحطاط و سقوط رژیم کمونیستی در روسیه و دیگر کشورها ناتوان ماندند. از فعالیتهای القاعده بی اطلاع ماندند. از ایجاد و توسعه شبکه عبدالقادر خان بی اطلاع ماندند. از ...

با اینهمه، نزد عقلهای قدرتمنداری که خود را نیازمند حمایت قدرتهائی چون امریکا و انگلیس می بینند، سیا و انتلیجنت سرویس آگاه از ما کان و ما یکون هستند!

### \* دورخیز برای سازش بر سر تعلیق غنی سازی؟

◀ آفتاب ( ۲۱ خرداد ۸۶ ) بر اینست که: چند روز پس از مذاکرات علی لاریجانی مسئول ارشد پرونده هسته ای ایران با خاویر سولانا و همچنین گفتگوهای لاریجانی در آلمان و سوئیس، سایت رجانوبوز که توسط فاطمه رجبی نماد رسانه ای حامیان دولت اداره می شود، با افشای بخش هایی از مذاکرات محرمانه ایران



و غرب اعلام کرد که توافقات اولیه‌ای درباره اجرای نوعی «تعلیق» انجام شده است و زمزمه‌هایی در این زمینه شنیده می‌شود!

رجانیوز با مطلبی که زیر عنوان «کارشکنی در برابر تصمیم قطعی نظام» منتشر کرده، بدون نام بردن از علی لاریجانی، خبر داده است که در مذاکرات اخیر ایران و غرب گفتگوهای اولیه‌ای بر سر پذیرش نوعی تعلیق انجام شده است. بنا بر ادعای «رجانیوز» ممکن است تهران تهدید دهد تعداد سانتریفیوهای خود را از ۳۰۰۰ عدد بیشتر نخواهد کرد (یعنی ساخت و مونتاژ سانتریفیوها تعلیق شود) و البته مذاکراتی درباره فعالیت‌های تحقیق و توسعه [R&D] نیز انجام شده است.

همزمان با انتشار این خبر توسط سایت افراطی رجانیوز و ایراد اتهامات به تیم‌های سابق و فعلی مذاکرات هسته‌ای (روحانی و لاریجانی)، چند رسانه صهیونیست نیز در هفته‌های اخیر ادعا کرده‌اند تهران با طرف‌های غربی درباره نوعی غنی‌سازی خشک که به معنی «تعلیق» ورود گاز UF6 به دستگاه‌های سانتریفیو است مذاکراتی داشته است. با این حال، رسانه‌های آمریکایی از مخالفت لندن و واشنگتن با این امر خبر داده‌اند. موضوع غنی‌سازی خشک اتفاقاً در سایت رجانیوز نیز مورد اشاره قرار گرفته است بدین شکل که این سایت تأکید کرده است هرگونه تعلیق (چه خشک چه غیر خشک) بر خلاف تصمیم قطعی نظام برای ادامه فعالیت‌های هسته‌ای است.

آیا رجانیوز دروغ‌سازی می‌کند و یا با انتشار این اطلاعات، زمینه را برای دورخیز دولت بقصد پذیرش تعلیق غنی‌سازی اورانیوم آماده می‌کند؟

## دور دوم مذاکرات انجام می‌گیرند یا نه؟ مسلح کردن سنی‌های عراق بر ضد القاعده؟ مسئله کرد؟ ایران به طالبان اسلحه می‌دهد؟ و...:

\* بوش به دنبال خبر خوشی از عراق است و نمی‌یابد. دور دوم گفتگوهای آمریکا و ایران نیز محتمل نمی‌نماید:

گزارشگر لیبراسیون (۱۳ ژوئن ۲۰۰۷) از نیویورک گزارش کرده است با آنکه بوش و آنها که از حزب جمهوریخواه آمریکا نامزد ریاست جمهوری هستند، در علن، دم از پیروزی در عراق می‌زنند و تکرار می‌کنند: اگر می‌خواهیم تروویست‌ها جنگ را به خاک آمریکا نیاورند، باید جنگ را به سرزمینی ببریم که در آن لانه کرده‌اند، اما خبر خوشی از عراق دریافت نمی‌کنند.

اغلب علائمی که حکومت بوش از خود بروز می‌دهد، گویای دلهره و لرزشی نظیر دلهره و لرزشی است که به جان دانش آموز، نزدیک و بهنگام

## شدت تخاصم

برند: مسلح کردن سنی‌ها بدین قصد که آنها با قوای آمریکا بر ضد القاعده متحد شوند. بنا بر اطلاعاتی که نیویورک تایمز در ۱۱ ژوئن انتشار داده است، قوای آمریکا به برخی از قبائل سنی که با القاعده پیوندهایی داشته‌اند، پول و اسلحه و مهمات و بنزین و آذوقه می‌دهند. این قبائل بخاطر روش‌هایی که القاعده بکار می‌برد، بخصوص عملیات انتحاری، با آن سازمان بریده‌اند و اینک حاضرند با آن بجنگند. آنها همچنین آماده از حمله به قوای آمریکا دست بردارند. بیشتر از این، حاضرند محلهای بمبهای کارگزاری شده و نیز دامنهایی را به امریکائیان بگویند که القاعده برای آنها گسترده است. بنا بر نیویورک تایمز، یکجند از فرماندهان اجازه یافته‌اند با شورشیان سنی وارد گفتگو شوند. و این بدان معنی است که ژنرال داوید پترائوس فرمانده قوای آمریکا در عراق و جانشین او، ژنرال ریموند اودیرو با به اجرا گذاشتن «الگوی الانبار» موافقت کرده‌اند.

### ● مسلح کردن دو طرف برای جنگ داخلی آتی:

در حقیقت، در اوائل سال، در ایالت انبار، روش مسلح کردن سنی‌ها و بر انگیختن آنها به استخدام افراد برای مبارزه با القاعده، بکار رفت و نتیجه این شد که از شمار حملات به قوای آمریکا کاسته شد و افراد القاعده ناگزیر از فرار شدند. الانبار که خطرناک‌ترین منطقه عراق برای امریکائیان بود اینک دیگر نیست.

رهبران شیعه به این معامله به دیده ظن می‌نگرند و از آن بیم دارند که سنی‌ها را بفکر باز یافتن موقع مسلط خویش بر عراق بیاندازد. شیخ خالد العطیه مقامات شیعه حاضر به دادن عفو عمومی به شورشیان سنی نیستند ولو آنها با القاعده جنگ کنند. یک مسئول دیگر شیعه می‌گوید: هیچ تضمینی وجود ندارد که پس از مسلح شدن، سنی‌ها قابل کنترل باشند. هدف حکومت عراق اینست که گروه‌های مسلح را خلع سلاح کند. ما بیشتر از اندازه گروه مسلح داریم چرا باید بر آن افزود و اسباب یک جنگ داخلی تمام عیار را فراهم آورد؟

استراتفور (۱۱ ژوئن) گزارشی - تحلیلی انتشار داده است که بنا بر آن، در پی گفتگوهای ایران و آمریکا بر سر استقرار امنیت در عراق، گرایشهای سنی به یکدیگر نزدیک شده‌اند و برآند که به اجماع برسند و با خنثی کردن نیروهایی که حاضر به همکاری نیستند، آمادگی لازم را برای مطالبه سهم خود از قدرتی که قرار است تسهیم شود، مطالبه کنند.

ارتش آمریکا به برخی از ملی‌گراهای سنی و شورشی برای مبارزه با القاعده، اسلحه می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که جامعه سنی برای گفتگوهای آمریکا با ایران، تدارک می‌بیند. سنی‌های عراق نیز مانند شیعه در کار آند که در منطقه خود، نظمی برقرار کنند تا بتوانند در تقسیم قدرت در عراق شرکت کنند.

در مصاحبه با نیوزویک (۱۷ تا ۲۳ ژوئن ۲۰۰۷) نوری المالکی نخست‌وزیر عراق اقدام آمریکا را در مسلح کردن سنی‌های عراق مورد انتقاد قرار داد. استراتفور (۱۸ ژوئن) او را در این اعتراض بیاتر اعتراض شیعه عراق و ایران می‌داند. ایران این کار

ارتش آمریکا را مخالف نتایج گفتگوهای آمریکا و ایران می‌داند. المالکی می‌گوید: حکومت او مخالف با دادن اسلحه به طوایفی که آماده جنگیدن با القاعده هستند، نیست. اما ما تضمین می‌خواهیم که این ایلها و طوایف اسلحه را بطرف دیگر عراقیها برنگردانند. او می‌گوید: امریکائیا اشتباه می‌کنند. آنها ایلها و طایفه‌ها را نمی‌شناسند. اینها به گروههای مسلح مبدل می‌شوند و امنیت و ثبات کشور را به خطر می‌اندازند.

در اجتماع شام الشیخ، در ۴ مه، آمریکا و ایران به این تفاهم رسیدند که ایران گروههای شیعه را مهار کند و آمریکا گروههای سنی را. ایرانیها مقتدی صدر و جیش المهدی و نیز مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق و سپاه بدر را رام کردند. این کارها می‌باید سنی‌ها و شیعه‌ها را آماده می‌کردند تا که معامله نهایی آمریکا و ایران موفقیت آمیز می‌گشت.

از این رو، ایران با اقدام یک جانبه آمریکا در منطقه سنی نشین، موافقت نمی‌کند. تهران نمی‌پذیرد که آمریکا سنی‌ها را مسلح کند. زیرا ایران می‌داند آمریکا تنها نمی‌خواهد القاعده را از میان بردارد بلکه می‌خواهد می‌خواهد جامعه سنی نیرومندی بسازد که با قدرت شیعه هموزن شود و راه را بر توسعه طلبی ایران سد کند.

### \* ترکیه قوای خود را به داخل منطقه کرد نشین عراق می‌برد و حزب کارگران کرد ترکیه آتش بس اعلام می‌کند:

لوموند (۱۱ ژوئن) خبر می‌دهد که این روزها ترکیه نقاط نزدیک به مرز را در کردستان عراق بمباران کرده است. مقتدی صدر به این اقدام ترکیه اعتراض کرده و گفته است: مردم کرد جزئی از ملت عراق هستند و ما وظیفه خود می‌دانیم از آنها دفاع کنیم.

روز شنبه، وزیر خارجه عراق اعتراض دولت این کشور را نسبت به این بمبارانها که به روستاهای منطقه دهوک خسارات سنگین وارد کرده‌اند، به سفارت ترکیه در بغداد ابلاغ کرد و خواستار توقف توقف فوری بمبارانها شد.

حدود ۳۵۰۰ جدائی طلب کرد در کوههای کردستان عراق پناه جسته‌اند و از آنجا به هدفهای نظامی در جنوب شرقی آناتولی، حمله می‌کنند. آنکارا می‌گوید: این حمله‌ها با موافقت و بسا حمایت مقامات کرد و شخص مسعود بارزانی انجام می‌گیرند. سخنگوی وزارت خارجه ترکیه می‌گوید: ما نیاز به علامتهای مثبت داریم وگرنه گفتگو بدین خاطر که دلپذیر است، دردی دوا نمی‌کند.

جنگ ترکیه با پ. ک. ک در خاک عراق، سخت آمریکا را نگران کرده است. اما ارتش ترکیه دیگر هیچ باوری به ثمر بخش بودن گفتگوها برای حل مشکل پ. ک. ک ندارد. ۱۰۰۰۰۰ سرباز در مناطق نزدیک به مرز عراق متمرکز شده‌اند و خطر جنگی در مرزهای دو کشور بسیار افزایش یافته است. بخصوص که

انتخابات ترکیه در ۲۲ ژوئیه انجام خواهند شد. ارتش ترکیه نام عملیات را نیز معین کرده است: «ضربه پتک». فهرست عملیات تروویستی در خاک ترکیه بلند است. برخی از کارشناسان می‌گویند: ترکیه می‌خواهند در خاک عراق، یک نوار به عرض یک میدان اسب ایجاد کند تا پ. ک. ک نتواند برای عملیات مسلحانه به داخل ترکیه نفوذ کند. در روزهای اخیر، قوای ترک یک رشته عملیات محدود در داخل خاک کردستان عراق انجام داده است که جنبه تدارک و آماده سازی را دارند.

استراتفور (۱۲ ژوئن) خبر می‌دهد که در ۱۲ ژوئن حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. ک. ک) بطور یک جانبه اعلام آتش بس کرد و گفت آماده گفتگو با دولت ترکیه است. اما در صورت حمله قوای ترکیه از خود دفاع خواهد کرد.

در حال حاضر، نخست وزیر ترکیه، رجب طیب اردکان، در مقابله با ارتش ترکیه، دست بالا را پیدا کرده است. قوای ترکیه را که در مرزهای عراق مستقر شده‌اند، مهار و در همان حال می‌کوشد مسئله پ. ک. ک را از راه گفتگو حل کند. اما علاوه بر مسئله کردهای ترکیه، دولت ترکیه با توقعات کردهای عراق و نیز گفتگوهای ایران و آمریکا بر سر عراق روبرو است.

آتش بس پس از آن اعلام شد که قوای ترکیه بمدت چند روز مناطق تمرکز افراد پ. ک. ک را در شمال عراق بمباران کرد. و نیز، روزی بعد از آن آتش بس اعلام شد که هوشیار زباری، وزیر خارجه کرد عراق گفت: عراق آماده گفتگو با ترکیه بر سر پ. ک. ک است.

ارتش ترکیه نیز سخت مشغول کار است تا انتخابات ۲۲ ژوئیه، اردکان و حزب عدالت و رشد او را بخاطر این که در باره پ. ک. ک قاطعانه عمل نکرده است، بی اعتبار کند. یکجند از حمله‌های تروویستی اخیر، از جمله عمل انتحاری ۲۲ مه در آنکارا و حمله تروویستی ۱۰ ژوئن در استانبول، توسط ارتش و افراطی‌ترین لاینیک‌ها سازمان داده شده بودند. آنها پ. ک. ک را دست آویز کردند تا نخست وزیر و حزب او را ناتوان از مهار کردن پ. ک. ک معرفی کنند.

شابعه عملیات وسیع ارتش ترکیه در شمال عراق نیز بقصد آن بعمل آمد که کوشش اردکان را بقصد مهار پ. ک. ک از راه گفتگو، دچار شکست کند. اگر اردکان بتواند مقامات کردستان عراق را راضی کند پ. ک. ک را از عملیات مسلحانه در خاک ترکیه بازدارد، ثابت کرده است ژنرالهای ارتش در پی ماجراجویی هستند و اقدام نظامی لازم نبوده است.

### \* وزیر دفاع آمریکا: ایران به طالبان اسلحه می‌دهد:

به گزارش لوموند (۱۳ ژوئن)، روبرت گیت، وزیر دفاع آمریکا، بهنگام بازدید از پایگاه آمریکا در رامشتین آلمان، در ۱۳ ژوئن، گفته است: ایران به طالبان اسلحه و مهمات می‌دهد. مشکل است باور کنیم که تهران از این امر آگاه نیست.

گیت که پیش از این از متهم کردن ایران اجتناب می‌کرد، به روزنامه نگاه در صفحه ۷



گفته است: یک تحلیل جدید بطور روشن حاکی از اینست که جریان اسلحه از ایران به افغانستان برقرار است. با توجه به مقدار اسلحه ای که به افغانستان برده می شوند، مشکل بتوان آن را به قاچاق و تجارت مواد مخدر نسبت داد و یا تصور کرد این اندازه اسلحه، بدون اطلاع مقامات دولت ایران به افغانستان فرستاده می شود. مدتها است که آمریکا سپاه قدس را متهم به تعلیم دادن و مسلح کردن شیعه های عراقی متهم می کند. اما در هفته های اخیر، مقامات آمریکا می گویند از ایران اسلحه، بخصوص مواد منفجره به افغانستان فرستاده می شوند. گیت می گوید: احساس من اینست که این اسلحه برای طالبان فرستاده می شوند. البته او می گوید: مدارک خاصی حاکی از این که دولت ایران این اسلحه را برای طالبان می فرستد در اختیار ندارد. اطلاع آمریکا در باره جریان اسلحه و مواد منفجره از ایران به افغانستان است اما هنوز مدرکی حاکی از این که اسلحه بدستور دولت ایران فرستاده می شود، ندارد.

اما آسوشیتدپرس ( ۱۴ ژوئن ) گزارش می کند که عبدالرحیم وردک، وزیر دفاع افغانستان حاضر به تصدیق قول آمریکا بر این که حکومت ایران اسلحه برای طالبان می فرستد، نیست. او توضیح می دهد که ما روابط خوبی با ایران داریم و ایران نفع خود را در امنیت و ثبات افغانستان می بیند.

روزی پیش از آن، نیکلا برنس، معاون وزارت خارجه آمریکا، در پاریس، گفته بود: مدارک خدشه ناپذیر در اختیار داریم حاکی از این که حکومت ایران برای طالبان اسلحه می فرستد. البته، وزارت خارجه از موضع گیری معاون وزارت خارجه، واپس رفت و گفت: مدارک حاکی از آنند که از ایران اسلحه برای طالبان در افغانستان می روند. وردک نیز می گوید: مسلم است که اسلحه از ایران برای طالبان می رود اما مشکل می توان آن را کار دولت ایران دانست.

## هزینه نظامی جهان ؟ سامانه دفاعی آمریکا ؟ همسایه شدن ایران و اسرائیل !؟ و معامله پنهانی سوریه و اسرائیل ؟:

۱۲۰۴ میلیارد دلار هزینه نظامی جهان که نزدیک به نیمی از آن هزینه نظامی آمریکا است:

بنا بر گزارش سالانه مؤسسه بین المللی تحقیق در باره صلح استکهلم که در ۱۱ ژوئن انتشار یافته و در همان تاریخ، خبرگزاری فرانسه چکیده ای از آن را انتشار داده است،  
● ظرف ۱۰ سال اخیر، هزینه نظامی جهان ۳۷ درصد افزایش یافته و در ۲۰۰۶، به ۱۲۰۴ میلیارد دلار بالغ شده

## شدت تخاصم

همانطور که برونو ترتره، سر محقق در بنیاد تحقیقات استراتژیک می گوید، « حتی فکر تخریب متقابل که سیاست اقل دشمن، در دوران جنگ سرد، بر آن مبتنی بود، هرگز توسط بخشی از نخبه های آمریکا پذیرفته نشد. بنا بر سیاست اقل، یک حمله اتمی به کشور خصم درجا به نابودی حمله کننده نیز می انجامید. زیرا کشور مورد حمله دست به حمله اتمی متقابل می زد. اینک « دفاع ضد موشکی » اصطلاحی سخت محبوب و متحد کننده در آمریکا است. دلیل موافقت امریکائیان با صرف سالانه میلیاردها دلار در بهتر کردن تکنولوژی ضد موشکها و تولید کارآمدترین آنها، همین دل بستگی به سامانه دفاعی کامل و امنیت خدشه ناپذیر است.

● دلیل دوم که عمر طولانی ضد موشکها را تضمین می کند، زوج موشک قاره پیما و کلاهک اتمی است. این زوج اسلحه تهدید کننده امنیت آمریکا در قرن بیست و یکم است. مسابقه اتمی بنظر اجتناب ناپذیر می نماید. و بضرورت، کشورها بطرف تولید موشکهای دوربرد و قاره پیما می روند. در حال حاضر، تهران موشکی که بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر برد داشته باشد، را ندارد. اما ارزیابی امریکائی ها اینست که ایران به استمداد از کره شمالی، می تواند پیش از ۲۰۱۵ صاحب موشک قاره پیمایی بگردد که بردشان تا آمریکا خواهد شد. موشکهایی با برد کمتر می توانند اروپا را هدف قرار دهند. موشکهای کره ای هم اکنون تا ژاپن برد دارند.

همانطور که ترتره زمان به زمان سریع تر حرکت خواهند کرد، برد موشکها ها نیز بیشتر خواهد شد. و امریکائی نمی خواهند کند تر از ایران احمدی نژاد عمل کنند.

● دو استراتژی آمریکا و اروپا، بخصوص فرانسه، یکسره مغایر با یکدیگر نیستند بلکه می توانند همسو نیز باشند. با « جنگ ستاره ها » که آمریکا راهنمای ایجاد سامانه موشکی خویش گرداند و بنا بر آن، علاوه بر زمین، در فضا نیز اسلحه ذخیره می شود، رونالد ریگان می خواست سلاح اتمی را کهنه و از رده خارج شده بگرداند. امروز، امریکائیان، در آن بلند پروازی، تخفیف قائل شده اند. اما در برابر احتمال حمله دولت « لاتی » مثل دولت ایران، می خواهد وسیله ای غیر از اسلحه ای داشته باشد که در مقام انتقام می تواند بکار برد: بطوری که برونو ترتره توضیح می دهد، می خواهد اسلحه دفاعی را بر اسلحه تهاجمی بیفزاید.

در پایان سالهای ۹۰، فرانسه بشدت با طرحهای دفاع موشکی آمریکا مخالفت می کرد. زیرا بر آن بود که این سامانه، استراتژی اقل را ضعیف می کند. اما سخنرانی ژاک شیراک، رئیس جمهوری پیشین فرانسه، در ژانویه ۲۰۰۶، معلوم کرد که تحول محسوسی در موضع فرانسه روی داده است. اینک دفاع موشکی و اسلحه تهاجمی را مکمل یکدیگر و سبب تقویت سیاست اقل دشمن می داند. فرانسه به ضد موشکهای علاقه پیدا کرده است که بکار دفاع از قوای می آیند که در خارج از کشور، وارد عملیات نظامی می شوند.

## توافق محرمانه سوریه و اسرائیل بر سر جولان در ازای دوری گرفتن سوریه از ایران و حمایت نکردن از حزب الله لبنان:

● در ۱۶ ژوئن، روزنامه اسرائیلی هآرتص، متن نیمه رسمی توافقی را انتشار داده است که به ادعای روزنامه، نتیجه مذاکرات محرمانه اسرائیل و سوریه، از سپتامبر ۲۰۰۴ تا ژوئیه ۲۰۰۶، انجام گرفته اند. بنا بر خلاصه ای که لوموند همان تاریخ انتشار داده است،  
● متن نیمه رسمی نه امضاء شده است و نه مقامات سیاسی دو کشور آن را تصویب کرده اند. گفتگو کنندگان اسرائیلی و سوریه به این نتیجه رسیده اند که اسرائیل قوای خود را از بلندی های جولان - که در جنگ ۱۹۶۷ تصرف شده است - خارج می کند و به مرزهای پیش از آن تاریخ باز می گردد. سوریه بر اینست که تخلیه قوای اسرائیل می باید طی ۵ سال انجام گیرد. اما اسرائیل بر اینست که طی ۱۵ سال قوای خود را از بلندیهای جولان خارج کند.

● یک منطقه سبز در ساحل شرقی دریاچه تیرباد بوجود می آید. در آن، یک پارک طبیعی ایجاد خواهد شد که هم به سرایشی دامن می گسترده که روی به سوریه دارد و همه به سرایشی امتداد پیدا می کند که روی به اسرائیل دارد.

یک منطقه غیر نظامی نیز به نسبت ۱ به ۴ بوجود می آید. یعنی یک کیلومتر در خاک اسرائیل و ۴ کیلومتر در خاک سوریه.

● سوریه متعهد می شود که دیگر به حزب الله لبنان و حماس کمک نکند و از جمهوری اسلامی ایران فاصله بگیرد.  
● هآرتص می نویسد: نخست وزیر وقت اسرائیل، آریل شارون و جانشین او اهود اولمرت در جریان گفتگوها که در اروپا انجام می گرفته اند، بوده اند. سخنگوی اولمرت و نیز نزدیکان شارون، گزارش هآرتص را تکذیب کرده اند.

بنا بر هآرتص، از سوی سوریه، فاروق الشرع معاون رئیس جمهوری و ولید معلم وزیر خارجه سوریه و یک ژنرال عضو اداره اطلاعات سوریه در جریان گفتگوها بوده اند. و از سوی اسرائیل، مذاکرات را آلون لیل، مدیر کل سابق وزارت خارجه اسرائیل و گرگوری آرونسون، یک یهودی صلح طلب امریکائی مذاکرات را رهبری می کرده اند. آلون لیل Liel، تصدیق می کند که این گفتگوها انجام شده اند اما حاضر نیست در باره محتوای آن توضیحی بدهد.

● پیش از آن، روزنامه اسرائیلی دیگری، دیدیوت آهارونوت ( ۸ ژوئن ) اطلاع داده بود که اولمرت، نخست وزیر اسرائیل، پیام محرمانه ای برای بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه فرستاده و، در آن، گفته است: اسرائیل آماده است بهای صلح با سوریه را بپردازد. یانکی گالاتی،

سخنگوی نخست وزیر اسرائیل، این اطلاع را نه تکذیب و نه تأیید کرد. بنا بر گزارش روزنامه، در ۲۴ آوریل، در یک مکالمه تلفنی، ژرژ بوش، رئیس جمهوری آمریکا، موافقت خود را با گفتگوی صلح اسرائیل و سوریه به نخست وزیر اسرائیل، اظهار کرده است. اما حاضر نشده است نقش واسطه را بازی کند. از آن پس، اولمرت چندین پیام از طریق رهبران حکومتی ترکیه و آلمان و مشاوران آنها برای رئیس جمهوری سوریه ارسال کرده است.

## تحفه ای که رژیم ایران تقدیم اسرائیل کرده است یا ایران همسایه اسرائیل می شود ؟:

● خبرنگار لیبراسیون ( ۱۸ ژوئن ) از اسرائیل گزارش می کند که اسرائیل تکران نفوذ ایران در فلسطین بعد از پیروزی حماس بر الفتح در نوار غزه است:

● از دید اسرائیلیها، متلاشی شدن حکومت وحدت ملی فلسطینی ها، در پی کنترل نوار غزه از سوی حماس، یک فرصت دیپلماتیک است که می باید مغتنم شمرد.

اهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل، پیش از سفر به آمریکا، در فرودگاه بن گوریون، گفت: یک حکومت فلسطینی که حکومت حماس نباشد، طرفی است که ما حاضریم با او همکاری کنیم.

او روشی را که در تقویت محمود عباس، رئیس جمهوری فلسطین بکار خواهد برد، با پرزیدنت بوش در میان خواهد گذاشت. اسرائیل سدهائی را که میان اسرائیل و قسمت غربی رود اردن برقرار کرده بود، بر می دارد. صدها کولنی که اسرائیلیها خودکامانه ایجاد کرده اند را ویران خواهد کرد. ۶۰۰ میلیون دلار پولی را که اسرائیل بلوکه کرده بود، آزاد می کند.

● اگر از دید اسرائیل، روشی که، در قبال ساحل غربی، بکار می برد بطور نسبی روشن است، اما قبضه غزه از سوی حماس وضعیت بی سابقه و بس بفرنجی را بوجود آورده است که اداره آن آسان نیست.

● هآرتص ( ۱۷ ژوئن ) می نویسد: اینک یک سازمان مسلح بر قسمتی از خاک فلسطین، واقع در جنوب اسرائیل، مسلط است که حاضر نیست موجودیت اسرائیل را بپذیرد. بخلاف فتح که در روند صلح شرکت می کند و می کوشد میان جنبشهای فلسطینی با صهیونیسم سازشی را بوجود بیاورد، حماس ویران کردن اسرائیل را یک واجب دینی می شمارد. و حداکثر با آتش بس موافق است.

● دیروز، در حکومت اسرائیل در باره تدابیری که باید اتخاذ کرد، آشفتگی وجود داشت. آیا باید اجازه داد ساکنان غزه آب و برق و نفت و بنزین و مواد غذایی را دریافت کنند یا خیر ؟ پاسخهای ضد و نقیضی به این پرسش داده شدند. اهود اولمرت گفت: روشی را پیدا خواهد کرد که مواد غذایی و دارو به ساکنان غزه برسد و در صفحه ۸



از وقوع فاجعه انسانی جلوگیری کند. حال آنکه چند ساعت پیش از او، بنیامین بن الیزر، وزیر زیر بناها گفته بود بنظر او می باید هرگونه کمک به نوار غزه را قطع کرد به استثنای آب و برق تا وقتی که وضعیت روشن شود.

● بسیاری از مفسران اسرائیلی تکرانی خود را از قرار گرفتن نوار غزه تحت سلطه حماس، ابراز می کنند. چرا که حماس سازمانی مسلح نزدیک به ایران است و در فاصله ای کمتر از ۱۰۰ کیلومتر از بیت المقدس و تل اویب قرار دارد.

بوآز گانور، مدیر مرکز ارتباط برقرار کننده میان دوایر مختلف مبارزه کننده با تروریسم، می گوید: سلطه حماس بر نوار غزه از تهدید آتمی ایران جدائی ناپذیر است. حماس یک عروسک خیمه شب بازی در دست احمدی نژاد، رئیس جمهوری ایران نیست. میزان تهدیدی که متوجه اسرائیل است، چندین برابر شد: ایران حالا دیگر پایگاه زمینی در شمال و جنوب اسرائیل دارد. در شمال از راه حزب الله و در جنوب از راه حماس.

● شایعه ها در باره مداخله نظامی اسرائیل در نوار غزه که چند ماهی است بر سر زبانه است، قوت بنام یافته اند. بنا بر نوشته روزنامه ساندى تايمز، اهود باراک، رهبر جدید حزب کارگر که قرار است به زودی مقام وزارت دفاع را تصدی کند، طرح یک حمله وسیع را به نوار غزه، در سر دارد هرگاه حماس به پرتاب موشک بسوی اسرائیل پایان ندهد.

● تزاهی هاکنگی، رئیس کمیسیون دفاع و خارجه مجلس اسرائیل می گوید: با توجه به این امر که غزه پایگاه ایران شده است، اسرائیل می باید دیر یا زود به نوار غزه حمله کند. بوآز گانور می گوید: حمله اسرائیل به نوار غزه موجب تلفات سنگین از دو طرف می شود و مشکلی را حل نمی کند. مگر این که حماس حمله گسترده ای به اسرائیل بکند. و حماس، دیر یا زود، حمله بزرگ خود را به اسرائیل خواهد کرد. آن زمان که ایران بمب اتمی خود را بسازد، برای حماس حمله به اسرائیل آسان تر خواهد شد.

● فیگارو (۱۶ ژوئن) نیز گزارش کم و بیش مفصلی را به «همسایه اسرائیل شدن ایران» اختصاص داده و عنوان بزرگ روزنامه یدبوت آهارونوت، «ایران در ۵ دقیقه ای آشکون»، شهر بزرگ واقع در جنوب اسرائیل را در آغاز گزارش خود آورده است. یک مفسر اسرائیلی تلویزیون، توضیح می داد که از این پس، اسرائیل در میان دو آتش است. رئیس کمیسیون دفاع و وزارت خارجه کنست گفت: مسلم است غزه یک پست فرماندهی ایران بر ضد ما شده است. ایران بیش از پیش ما را آزار خواهد و مقاومت ما را خواهد فرسود. زیرا بدین ترتیب توجه ها را از برنامه اتمی خود منحرف خواهد کرد.

مسئولان نظامی اسرائیل تأکید می کنند که حماس دهها میلیون دلار کمک از تهران دریافت کرده است. صدها تن از اعضای حماس در ماههای اخیر در ایران تعلیم دیده اند. روشهایی که بکار می برند تقلید کاملی از روش حزب الله لبنان است.

برای جلوگیری از گشایش جبهه دومی بر ضد خود، اسرائیل روی دولتهای میانه رو عرب برای جلوگیری از جریان اسلحه به نوار غزه حساب می کند. آموس ژیلاد، مسئول مسائل سیاسی در وزارت دفاع اسرائیل می گوید: حماس عضو جنبش اخوان

## شدت تخاصم

نرخ رشد اقتصادی ایران در سالهای ۸۴ و ۸۵ به ترتیب ۵/۴ و ۵/۳ درصد بوده است. این ارقام حدود دو درصد پایین تر از اهداف برنامه است. برای سال ۸۶ نیز پیش بینی ها در همین سطح است (گزارش های سالانه بانک مرکزی و پیش بینی های سازمان مدیریت و برنامه ریزی و سازمان های بین المللی).

دلایل محدود بودن رشد اقتصادی کشور بسیار گسترده بوده و ریشه در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور دارد. بعضی از عوامل مستقیم و مهم این پدیده نامطلوب به شرح زیر است که حرکت دولت در جهت اصلاح آنها می تواند منجر به رشد اقتصادی بالاتر شود:

۱- رشد تولیدات در درجه اول در گروی اعتماد و اطمینان عاملان اقتصادی و ثبات سیاست های اقتصادی در صحنه داخلی و تعامل مناسب با جهان خارج است. به نظر می رسد روند تصمیمات دولت در جهت بهبود چنین شرایطی نبوده است.

۲- به رغم هزینه کردن گسترده درآمدهای نفتی و کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، نرخ رشد انباشت سرمایه در سالهای ۸۴ و ۸۵ در سطحی به مراتب پایین تر از هدف برنامه چهارم یعنی ۱۲/۲ درصد است.

۳- تحقق رشد اقتصادی بالا موقوف به افزایش بهره وری است تا بتوان با عوامل تولید موجود به تولید بیشتری دست یافت. به همین جهت در برنامه چهارم، رشد بهره وری کل عوامل تولید به طور متوسط سالانه ۲/۵ درصد پیش بینی شده است (قانون برنامه چهارم، ۱۳۸۳). اما متأسفانه در ۲ سال اول برنامه چهارم چنین رشدی تحقق نیافته است.

۴- در سالهای ۸۴ و ۸۵ جمعا حدود ۸۰ میلیارد دلار از درآمدهای حاصل از فروش نفت به اقتصاد ایران تزریق شده است (گزارش های بانک مرکزی).

هر چند در ضرورت تبدیل ثروت طبیعی به سرمایه های انسانی و فیزیکی تردیدی نیست، اما مشکل بزرگ در این فرایند از یک سو اتلاف منابع نفتی در تخصیص غیر بهینه آن است و از سوی دیگر محروم شدن جامعه از فرایند یادگیری برای رویارویی با بحران ها و چالش های رشد اقتصادی است. توسعه و رشد پایدار تنها در فرایند تلاش برای حل بحران ها و مشکلات فرا روی جوامع شکل می گیرد. شیوه تأمین هزینه بحران های اقتصادی - اجتماعی از محل درآمدهای نفتی، ساده ترین روشی مقابله با این بحران هاست، اما ضرورتاً کارآمدترین شیوه نیست. چرا که وقوع بحران ها را اندکی به تعویق می اندازد، ولی قطعا در آتیه نزدیک بحران ها با ابعادی بزرگتر و پیچیده تر بروز می نمایند و مانع رشد پایدار می شوند.

۲- سیاست انبساطی مالی و افزایش بی رویه بودجه دولت:

دولت نهم بر خلاف رویکردهای برنامه چهارم به سیاست مالی با این تصور که خرج کردن از محل درآمدهای روز افزون نفت می تواند مرهم دردهای ساختاری اقتصاد ایران باشد، در دو سال اخیر سیاست انبساط مالی را در پیش گرفت. در تعقیب این سیاستها هزینه های جاری دولت که در سال ۱۳۸۳ در حدود ۲۲۱ هزار میلیارد ریال

بود، در سال ۱۳۸۴ به ۳۱۸ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۵ به ۴۰۱ هزار میلیارد ریال افزایش یافت. پیش بینی می شود که در سال جاری این رقم به حدود ۵۰۰ هزار میلیارد ریال برسد.

این ارقام بزرگ شدن حجم دولت را بدون اصلاحی در ساختار و کارکرد آن آشکارا نشان می دهد. علاوه بر آن حاکی از روند فزاینده اتکاء هزینه های جاری بودجه به درآمدهای حاصل از فروش نفت و کاهش نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه های جاری به ۴۷ درصد در مقایسه با نسبت ۶۱/۵ درصدی قانون برنامه چهارم است. به همین دلیل به رغم آن که در قانون برنامه چهارم پیش بینی شده بود که در دو سال اول برنامه به ترتیب ۱۵/۲ و ۱۵/۶ میلیارد دلار از منابع ارزی حاصل از فروش نفت برداشت شود، این رقم در سال ۱۳۸۴ به ۳۵/۳ و در سال ۱۳۸۵ به ۴۳ میلیارد دلار افزایش یافت (قوانین بودجه سنواتی سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۳).

۳- مغایرت سیاستهای پولی و بانکی دولت با رشد، بهره وری و تورم را بودن آن

نظام پولی و اعتباری در چگونگی گردش فعالیت های اقتصادی نقشی تعیین کننده دارد و این مهم را از طرق مختلف و با ابزارهای گوناگون صورت می دهد. حاصل نهایی و عملکرد درست این نظام که از دغدغه های بجا و بسیار مهم مردم و مسئولان است، می تواند رشد اقتصادی بالاتر و تورم پائین تر باشد. از این منظر سیاستها و روند متغیرهای پولی ایران در نگاه بلندمدت در این جهت نبوده و مورد نقد بسیاری از محققان قرار گرفته است. متأسفانه به نظر می رسد از آغاز فعالیت های دولت نهم سیاستهای اعمال شده حتی جهت نامطلوب تری نیز به خود گرفته که موجب کاهش نرخ رشد اقتصادی و افزایش نرخ تورم شده است.

سیاست انبساط پولی دولت موجب گشته است که نرخ رشد بدهی بانکها به بانک مرکزی در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۶۷٫۱ و ۵۶٫۱ درصد برسد. رقم مشابه در سال ۱۳۸۳ منفی بوده است. دارایی های خارجی نیز به همین ترتیب رشد بالایی را تجربه نموده است. نتیجه سیاست انبساطی پولی، افزایش پایه پولی (پول پر قدرت) در سالهای ۸۴ و ۸۵ تقریباً ۴۳ اول ۸۵ به ترتیب به میزان ۴۵٫۹ و ۴۰٫۵ درصد است. این رقم در سال ۱۳۸۳ برابر ۱۷٫۵ درصد بوده است.

جلوه افزایش پایه پولی، افزایش گسترده ترحال و آتی نقدینگی، به رغم تلاش های بانک مرکزی است. رشد نقدینگی در سالهای ۸۴ و ۸۵ به ارقام کم سابقه ۳۴٫۳ و بالای ۴۰ درصد رسیده است. در حالی که رقم مشابه در سال ۱۳۸۳ حدود ۳۰٫۲ درصد بوده است. ترکیب نقدینگی به طرف افلام کوتاه مدت تورم زا گرایش یافته است. سهم سپرده های بلندمدت به ویژه دو ساله و بیشتر در کل نقدینگی در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ روند نزولی دارد. چنین روندی بار تورمی نقدینگی را تشدید می کند. نرخ تورم از مهر ماه سال ۱۳۸۵ روند صعودی پیدا کرده است. چنانکه بر اساس شاخص بهای کالا و خدمات مصرف

کننده، متوسط رقم دوازده ماهه ۱۳۸۵ آن ۱۳/۸ درصد بوده است. در حالی که این رقم در ماه های دی و بهمن ۸۵ به ترتیب به ۱۷٫۳ و ۱۷٫۶ درصد رسیده است. بار تورمی افزایش نقدینگی به جهت واردات گسترده، نرخ ارز اسمی ثابت و نرخ دستوری کالاها و خدمات دولتی که در نهایت تخریب ساختار اقتصادی کشور را در بر دارد، کمتر متوجه سبد مصرفی کالاها و خدمات شده است. نگاه کوتاه مدت رفاهی بر دیدگاه بلند مدت توسعه پایدار فائق آمده است. فشار اصلی سیاست انبساطی پولی سال های ۸۴ و ۸۵ متوجه افزایش حداقل ۵۰ درصدی قیمت زمین و مسکن شده است. فشار اولیه آن در این مرحله در شهرهای بزرگ ظاهر شده ولی به تدریج متوجه شهرک های اقماری و شهرهای کوچک خواهد شد (گزارش های بانک مرکزی ۱۳۸۵-۱۳۸۳).

۴- ادامه رکود در بازار سهام:

بازار سرمایه در مجموعه فعالیت های مالی با تأمین منابع مالی بلند مدت نقش مستقیم و نزدیکتری با سرمایه گذاری های بخش حقیقی و در نتیجه بهره وری و رشد اقتصادی دارد.

فعالیت ها در بازار سهام در دو ساله ۸۵-۸۴ به رغم نقش حیاتی و بالقوه آن، روند نامطلوبتری را در مقایسه با فعالیت های نظام بانکی نشان می دهد. ارزش کل معاملات از ۴۱/۳ تریلیون ریال در سال ۸۰ به ۱۰۳/۷ تریلیون ریال در سال ۸۳ می رسد. رقم شاخص کل که در پایان سال ۸۱، ۵۰۶۳ بوده است در پایان سال ۸۳ به ۱۲۱۱۳ رسید. آمار سال ۸۴ و ۸۵ نشانگر رکود قابل توجه در بازار است. در سال ۸۴ در این بازار کاهش ۴۳ درصدی ارزش معاملات و ۲۱ درصدی شاخص کل مشاهده می شود. در سال ۱۳۸۵ رکود سال پیش ادامه دارد. رقم شاخص در اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ حدود ۹۴۰۰ است و ارزش کل معاملات روزانه به سطح نازل چند میلیارد تومانی رسیده است. بدین ترتیب در سالهای ۱۳۸۵-۱۳۸۳ دارندگان سهام، بازده حقیقی و اسمی منفی داشته اند (پایگاه اطلاع رسانی سازمان بورس اوراق بهادار تهران).

تعداد کل سهامداران در پایان سال ۸۵ حدود ۳/۲ میلیون نفر بود که صاحب ۳۹۵ تریلیون ریال (معادل یک سوم نقدینگی کشور و یا تقریباً ۴۳ میلیارد دلار) سهام بودند. این ارقام بیاتر دامنه گسترده بازار سهام و امکانات بالقوه آن برای هدایت نقدینگی از بازار سوداگری مستغلات و کالاها و خدمات به فعالیت های تولیدی (به معنای اخص کلمه) و مقابله با تورم است. ولی امکانات بالقوه این بازار با توجه به جمعیت و ابعاد اقتصاد ایران بسیار بیشتر از این است و باید به خدمت گرفته شود، اما در دو سال اخیر تعداد سهامداران جدیدی که وارد بازار سهام شده اند در همسجی با سال ۸۳ کاهش یافته است. (پایگاه اطلاع رسانی سازمان بورس اوراق بهادار تهران).

۵- سیاستهای تجاری در جهت اتکاء بیشتر به درآمدهای نفتی و رکود تولید: سیاستهای بازرگانی بخش مهمی از نظام انگیزشهای مالی را در بر میگیرد. این سیاستها شامل تعیین نرخ ارز،





تعرفه های بازرگانی و تدابیر غیر تعرفه ای در حمایت از صنایع داخلی و مشوقهای صادراتی است. انتظار می رود سیاستهای بازرگانی به نحوی تنظیم شود که ضمن دستیابی به تعادل در بازرگانی خارجی، فعالیتهای داخلی به صورت گزینشی و هدفمند مورد حمایت قرار گیرند و توان رقابتی لازم را در بازار جهانی کسب کنند.

در دو سال اخیر ارزش واردات کشور در هر سال بالغ بر ۴۱ میلیارد دلار بوده است (گزارش های بانک مرکزی). سیل واردات محصولات کشاورزی و صنعتی آسیب جدی بر فعالیتهای تولیدی کشور وارد می کند. تولید کنندگان داخلی تحت فشار واردات کالاهای مصرفی که از مجاری گمرکی و یا به صورت قاچاق وارد می شود، هستند. ولی دولت بدون توجه به عامل مهم آن که نرخ ارز رسمی ثابت به همراه تورم دو رقمی است، بیشتر در پی توصیه های فرهنگی به مردم برای خرید کالاهای داخلی است. استفاده از لنگر نرخ اسمی ارز برای مقابله با تورم زمانی موجه است که دولت همزمان با آن از طریق اعمال سیاست پولی و مالی عوامل موثر بر نقدینگی را مهار کند. در غیر این صورت تعقیب سیاست پولی و مالی انبساطی در کنار توسل به لنگر نرخ ارز، زمینه ساز ورشکستگی واحدهای تولیدکننده کالاهای قابل مبادله و گسترش بخش های تولید کننده کالاهای غیر قابل مبادله است ( بیماری هلندی).

#### ۶ - محدودیت حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی:

در سالهای اخیر سیاست کشور در قبال سرمایه گذاری خارجی دگرگون شد. مهمترین پروژه های سرمایه گذاری خارجی در صنعت خود رو سازی، مخابرات و فرودگاه امام زیر سوال رفت و از آن میان، اجرای دو پروژه بزرگ منتفی شد. در وضعیتی که فاینانس خارجی پروژه های سرمایه گذاری متوقف شده است و گشایش اعتبارات اسنادی برای کالاهای وارداتی با مشکلات جدی مواجه گردیده است، انتظار نمی رود در زمینه جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی موفقیتی نصیب دولت شود.

به رغم تحولات نامساعد یاد شده، اخیراً وزارت صنایع و معادن به نقل از سازمان سرمایه گذاری وزارت امور اقتصادی و دارایی خبر از تصویب طرحهای سرمایه گذاری خارجی به مبلغ ۱۰/۵ میلیارد دلار می دهد. در این مورد توضیح این نکته ضروری است که تصویب مجوزهای سرمایه گذاری به معنای تحقق سرمایه گذاری نیست. به همین دلیل در آمارهای اکتاد که منبع معتبر بین المللی در این حوزه است چنین دستاوردی به ثبت نرسیده و ارقام تحقق یافته حداکثر ۵ درصد رقم اعلام شده است. نکته دیگر این است که در قانون سرمایه گذاری خارجی ایران فاینانس و بیع متقابل نیز در زمره سرمایه گذاری خارجی طبقه بندی شده است. این اعتبارات تفاوت آشکار با سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارد. لذا به نظر می رسد ارقام وزارت صنایع، تصویر درستی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور به دست نمی دهد.

#### ۷ - ضرورت توجه بلند مدت به بازار کار:

در پی نرخهای رشد بالای جمعیت در دهه های گذشته، جامعه ما با یک پدیده جدید جمعیتی مواجه شده است. شناخت ویژگی های این پدیده

## شدت تخاصم

نقش تشکیلات پرهزینه دولتی و نهادهای غیر دولتی که از ردیف بودجه های دولتی نیز برخوردارند چیست؟ گرچه این پدیده محصول دولت فعلی نیست و بخش زیادی از آن میراث دولت های گذشته است و راه حل آن نیز آسان و سریع نیست، اما آنچه که سهم دولت نهم را در این نابسامانی ها برجسته می کند تقارن شعارهای عدالت محور از یک سو و گسترش پدیده فقر و فساد و نابرابری های تحقیر کننده عزت انسان های محروم از سوی دیگر است.

از ابتدای دولت نهم بیم آن می رفت که تاکیدات فاقد پشتوانه های علمی و عملی بر عدالت محور بودن سیاست های اقتصادی دولت، دیر یا زود نتایجی مشابه پدیده های آمریکای لاتینی آن را در پی داشته باشد که در آنها قربانیان اصلی، خود محرومین و فقرا بوده اند. اگر شعارهای عدالت محور بتواند در کوتاه مدت کنیری از قربانیان بی عدالتی های اقتصادی را مجذوب کند اما در میان مدت آسیب ها و سرخوردگی های ناشی از عدم تحقق انتظارات و وعده های غیر عملی می تواند برای هر جامعه ای، به ویژه جامعه جوان ما، جبران ناپذیر باشد.

و بند ۱۱ نامه به سیاست های منطقه ای و تضعیف نهاد برنامه ریزی در استان ها و بند ۱۲ نامه به اهمیت تعامل با دنیای خارج و اثر ویرانگر بحران سازیها بر اقتصاد و بند ۱۳ به کاهش سرمایه های اجتماعی حاضر سیاست اقتصادی حکومت احمدی نژاد اختصاص یافته است:

#### ۱۳ - کاهش سرمایه اجتماعی:

در نظریه پردازی توسعه، جامعه شناسان و اقتصاددانان همناوا شده اند که نقطه مرکزی توسعه، «سرمایه اجتماعی» است. از این دیدگاه سرمایه اجتماعی در مقایسه با دو گونه دیگر سرمایه (اقتصادی و انسانی) نقش زیربنایی دارد. یعنی بدون وجود سطح معینی از سرمایه اجتماعی، نمی توان با سرمایه گذاری مالی یا سرمایه گذاری در نیروی انسانی به توسعه دست یافت. مشاهده شده است که تنها بر بستر سرمایه اجتماعی است که می توان سرمایه اقتصادی را به بازدهی انداخت و سرمایه انسانی را پویا ساخت.

گاه دولت ها - با وجودی که می کوشند با تشویق سرمایه گذاری اقتصادی، تولید را تحریک بکشند - خود عامل تخریب سرمایه اجتماعی می شوند و بنابراین بر سر شاخ، بن می برند. راز این که سالهاست دولت ها در اقتصاد ایران سرمایه گذاری می کنند ولی نتیجه نمی گیرند، در همین جاست. بعضی از شواهد نشان می دهد که سرمایه اجتماعی در ایران وارد دامنه نزولی خود شده است. سرمایه اجتماعی متغیری خود افزایش می دهد و اگر به رشد بیفتد نرخ رشد خود را تسدید می کند و اگر وارد فرایند کاهش شود خود را به سقوط می کشاند. اگر حکومت در ایران با یک چالش اساسی روبه رو باشد همانا کاهش سرمایه اجتماعی است.

جامعه شناسان یکی از مولفه های مهم سرمایه اجتماعی را «اعتماد عام» می دانند. و اعتماد مردم به دولت و مراجع رسمی بخش مهمی از اعتماد عام است. هیچ آفتی برای اعتماد مردم

به دولت بیش از بی ثباتی سیاست ها، شتابزدگی تصمیمات و اتخاذ سیاست های بلند پروازانه نیست. مردم این ها را خوب می فهمند و در تصمیمات اقتصادی خود دخالت میدهند. مردم چگونه به دولت اعتماد کنند و سرمایه های خود را از طریق سرمایه گذاری در معرض خطر بگذارند و زمین گیر کنند، در حالی که بارها و بارها دیده اند که سرمایه ها و دارایی هایشان با یک سخنرانی در معرض تهدید و نابودی قرار گرفته است، تجارشان به یک باره با یک تصمیم ناگهانی دولت ممنوع شده است و یا تجار بزرگشان - حتی اگر خطا کار - از طریق رسانه های عمومی بی حرمت شده اند. مردم چگونه به تصمیمات و قول و قرارهای یک دولت اعتماد کنند در حالی که می بینند یک شبه یک وزیر عزل می شود بدون آن که بدانند عملکرد او چگونه یا تخلف و قصور او چه بوده است. مردم چگونه اعتماد کنند وقتی همه تجربه های پرهزینه گذشته انکار و بر تجارب تازه ناشناخته اصرار می شود؟ در شرایطی که تصمیمات کلیدی اقتصادی نه تنها به تأخیر می افتد بلکه پس از تصمیم گیری، مجدداً مصوبات با دستورهای متناقض، اجرا نمی شوند و یا مورد تردید قرار می گیرند، اعتماد چگونه می تواند شکل بگیرد؟

در ۲۶ خرداد احمدی نژاد در پاسخ به این هشدار نامه گفته است: ما را متهم به شتابزدگی در تصمیم گیری می کنند، یک نفر از اقتصاددانانی که مدعی است، بیاید ادعای خود را به صورت علمی ثابت کند.

سخن او دلالت می کند که او نامه استادان اقتصاد را نخونده است. چرا که در هر بند هشدارنامه، دلایل بیان شده اند.

استادان امضاء کنند، احمدی نژاد و مسئولان اقتصاد در حکومت او را دعوت به بحث آزاد کرده اند.

انقلاب اسلامی: وضعیت آموزش و پرورش همانند وضعیت اقتصاد کشور است. تحقیق ژاله وفا شما را از وخامت وضع آموزش و پرورش آگاه می کند:

#### ژاله وفا

## مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش ایران در قرن ۲۱، بخش ۱۵

### علل محرومیت ها و تبعیض در حق آموزش دختران

خانم معلمی درد آشنا و مسئول از مشهد طی نامه ای، بعد از اینکه اینجانب را مورد لطف و تفقد خود قرار داده اند، خواستار آن شده اند که در مورد علل محرومیت دختران و زنان جوان از تحصیل در کشورهای در حال توسعه منجمله ایران تحقیق کنم و حاصل آن را ارائه دهم. چرا

که خود در دوران معلمیشان در درگذر شاهد ترک تحصیل ۳ شاگرد دختر خوش استعدادشان آنهم بدلیل فقر مادی و فرهنگی بوده اندو نیز پرسیده اند که آیا تمامی دول کشورهای در حال توسعه همچون دولت ایران در راه تحصیل دختران سنگ اندازی میکنند؟

ضمن سیاس از این معلم ارجمند که موضوعی چنین مهم را یاد آور شده اند، لازم است خاطر نشان سازم که پرداختن به زوایای مختلف این موضوع آنهم با توجه به برنامه های کشورهای در حال توسعه در یک شماره مقدور نمیشود. چرا که ارائه آمارهای که ایشان بر روی آن نیز تکیه دارند خود بر تطویل کلام مینویسد. با این وجود در این شماره ابتدا به ارائه گزارشهای سازمانهای ذربط بین المللی در این خصوص و بررسی علل محرومیت از تحصیل دختران در سطح جهان و نیز اقدامات چند کشور در مبارزه با این محرومیت اساسی میپردازم.

#### ابتدا به آمار جهانی در مورد محرومیت دختران و زنان از تحصیل و طرق مبارزه با آن در برخی کشورها توجه نمایم:

در اوایل سال ۱۹۹۰ در کنفرانس جهانی "آموزش و پرورش برای همه" در جامتین تایلند، هدفهایی برای ارتقاء سطح تساوی دسترسی دختران و زنان به آموزش و پرورش تدوین شد. سپس در آوریل سال ۲۰۰۰ در اجلاس جهانی آموزش و پرورش در داکار حدود ۱۶۴ نماینده از کشورهای مختلف مجدداً آن مصوبات را تأیید نمودند و قرار بر این شد که تا سال ۲۰۰۵ تساوی جنسیتی در آموزش و پرورش آن کشورها فراهم آید. اما این موعد بسر آمد و هنوز بیش از ۷۵ کشور این هدف را نادیده گرفته اند.

صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف)، در ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ در گزارش خود در مورد محرومیت تحصیلی دختران آمار زیر را ارائه داده است:

بیش از ۱۲۱ میلیون کودک شش تا ۱۱ ساله در سراسر جهان از آموزش محروم هستند که بیش از نیمی از آنان را دختران تشکیل می دهند. در سال ۲۰۰۲، در کشورهای جنوب آفریقا ۲۴ میلیون دختر در کشورهای آسیای جنوبی ۲۳/۵ میلیون دختر از آموزش محروم بودند. در ۴۶ کشور جهان، کودکان دختر مانند پسران از حق تحصیل برخوردار نیستند و تفکر متحجرانه از جمله ازدواج اجباری دختران در سنین پایین عامل اصلی محرومیت کودکان دختر از حق تحصیل است. تحصیلات نه فقط برای موفقیت های یک دختر جوان حیاتی است، بلکه برای کاهش فقر، متوقف کردن بیماری ایدز و کسب اهداف دیگر ضروری است. یونیسف در نظر داشت تا سال ۲۰۰۵ در ۲۵ کشور جهان که وضعیت آموزشی دختران در سطح بسیار پایینی قرار دارد، طی اقداماتی تعداد دانش آموزان دختر را با تعداد دانش آموزان پسر برابر کند.

برنامه آموزشی - پرورشی تدوین شده در مرکز مطالعات آموزشی دختران یونیسف (UNGEI) برنامه ای است که برای یک دوره پنج ساله در نظر گرفته شده است. این طرح که به طور خاص بر روی تحصیل دختران و کودکان سراسر جهان در خطر (VOC) در کشورهای نیازمند متمرکز شده، دوره نخست خود را که از سال ۲۰۰۵ با عنوان

در صفحه ۱۰



## شدت تخاصم

طرح «جنبش جهانی تحصیل دختران» در کشور زیمبابوه آغاز شده بود به پایان رسانده و اکنون در ماه‌های نخست سال ۲۰۰۷ میلادی، مرحله دوم طرح، به صورتی گسترده‌تر، برای دختران سراسر جهان و تعداد بیشتری از کودکان در خطر (VOC) اعم از دختر و پسر به اجرا در آمده است. - UNICEF، اجرای این برنامه را، تکمیل برنامه آموزشی (EFA) آموزش برای همه؛ یکی از برنامه‌های آموزشی «اهداف توسعه و آموزش هزاره» سازمان یونسف می‌داند و معتقد است اجرای برنامه‌های تکمیلی نقص‌ها و کمبودهای موجود در برنامه‌های گسترده‌ای چون «اهداف توسعه و آموزش هزاره» را برطرف خواهد کرد.

### پنج پایه شاخص

هر چند هدف اصلی طرح، ارتقای سطح آموزش و پرورش دختران و کودکان در خطر اعلام شده است؛ اما آموزش مهارت‌های اجتماعی، بخش دیگری از آموزش‌ها را دربر می‌گیرد. شاخص‌ترین محور آموزش‌ها را در پنج بخش می‌توان خلاصه کرد؛

۱- فراهم کردن شرایط مناسب برای تحصیل همه دختران به ویژه ادامه تحصیل آنها از مقطع ابتدایی به بعد، براساس آمار شاخص‌ترین دوره ترک تحصیل دختران از سن ورود به مقاطع تحصیلی پس از دبستان ذکر شده است. کاهش هزینه تحصیل، ساخت و تجهیز مدارس در مناطق محروم؛ فراهم کردن زمینه مناسب برای حضور دختران در مراکز آموزشی، جلوگیری از جذب آنها به گروه کودکان کار؛ تامین نیاز خانواده‌ها برای جلوگیری از استفاده از دختران برای تامین مخارج خانواده.

۲- شرح دقیق لزوم تحصیل دختران با ارائه آموزش‌های لازم به خانواده‌ها. ممانعت از تحصیل دختران از سوی والدین به ویژه پدر یا برادر، یکی از دلایل اصلی ترک تحصیل و یا عدم ورود آنها به مدرسه است.

۳- آموزش راه‌های ابتلا به ایدز و یا آلودگی با ویروس HIV به دختران و کودکان در خطر (VOC) برای کاهش تعداد دختران مبتلا به ایدز و یا آلودگی با ویروس HIV یکی از مهمترین دلایل ترک تحصیل دختران در کشورهای فقیر و نیازمندی چون کشورهای آفریقایی است. آلودگی والدین نیز عاملی برای ترک تحصیل دختران و به عهده گرفتن سرپرستی خانواده از هر جهت است.

۴- آموزش، راهی برای جلوگیری از سوءاستفاده جنسی از دختران جوان و یا فروش آنها به گروه‌های تبهکار برای سوءاستفاده جنسی یا فروش و قاچاق دختران یا اعضای بدن آنها است.

برگزاری جلسه‌های آموزشی برای والدین به منظور از بین بردن تفکرهای غلط اجتماعی - فرهنگی چون، ضرورت ازدواج زودهنگام دختران، ممانعت از تحصیل و کار دختران، ضرورت زایمان‌های متعدد دختران جوان برای افزایش تعداد فرزندان و... این عوامل شاخصی برای جلوگیری از تحصیل یا ادامه تحصیل دختران است.

بنا بر آمار یونسکو در کشورهای تانزانیا، زیمبابوه، اوگاندا، کنیا و مالاوی شاهد افزایش شمار ثبت نام دختران می‌باشیم. اما دختران همچنان با کمبودهایی از قبیل کمبود معلمان مجرب و کلاس و کتاب درسی مواجه اند. علاوه بر آن فقر و تبعیض پایه اصلی نابرابریهای جنسی در آموزش است. دختران اغلب

به دلیل ازدواج زود رس و یا کار در درون منزل و یا بیرون از خانه از تحصیل باز میمانند. در واقع در مقایسه با پسران، دختران در هنگام تحصیل در انجام تکالیفی همچون اداره و نظافت خانه و سرپرستی خواهران و برادران الزام دارند. عدم وجود بهداشت مناسب برای دختران و نیز فاصله زیاد بین مدرسه و خانه و ترس والدین از وجود خطرهای حیثیتی برای دختران در این فاصله و سنتهای فرهنگی و انواع جنگها، موانع اصلی عدم تحصیل دختران محسوب میگردد. در بیش از ۴۰ کشور جهان از هر چهار دختر تنها ۱ دختر در دوره متوسطه ثبت نام میکند. تبعیض در حق دختران از بدو تولد در خانواده و سپس اجتماع روا می‌رود.

بنا بر آمار یونسکو در سال ۲۰۰۵ در برخی از کشورهای پیشرفته‌های شایان توجهی را ملاحظه مینماییم. من باب نمونه در بنگلادش در سال ۱۹۹۰ نیمی از دختران واجد صلاحیت ثبت نام در مقطع متوسطه، از تحصیل محروم بوده اند. ولی این نسبت در سال ۲۰۰۵ برابر با پسران شده است. اما این بهبود وضعیت دال بر برابر شدن فرصتهای دستیابی به آموزش دختران نیست و هنوز دختران و پسران بسیاری در آن کشور از تحصیل محرومند. اما یکی از موثرترین شیوه‌ها برای ارتقاء سطح حضور دختران در مدارس متوسطه این بوده است که دولت به خانواده

ها بطور مستقیم و یا غیر مستقیم کمکهای مالی ارائه داده است تا دختران بتوانند در مدارس ثبت نام کنند. مدرسی وجود دارند که در ازای کمک غذایی و مالی به خانواده‌ها از آنها قول میگیرند که دختران تا سن ۱۸ سالگی ازدواج نکنند. لذا در مناطقی که بین ارزش تحصیل و در خانه ماندن دختران تعارضهایی وجود دارد مشوقهای مالی میتوانند بسیار موثر باشند. و از طرف دیگر ساعات مدرسه در روستاها را با ساعات کار دختران در منزل به نحوی تنظیم کرده اند که دختران برای هر دو کار (درس خواندن و کمک در خانه) وقت کافی در اختیار داشته باشند. این راه کارها روشی بوده است برای غلبه بر سنتی که مانع از آموزش و پرورش دختران میشده است. در استرالیا نیز دولت از سال ۱۹۹۰ طی پروژه ای بنام پروژه اصلاحی تساوی جنسیتی، هر ساله ۳ میلیون دلار برای تسهیل توسعه برنامه درسی مدارس اختصاص داد تا به دختران و پسران بطور مساوی پرداخته شود. همچنین از سال ۱۹۹۲ دولت دوازده برنامه هر یک با هدف محرومیت زدایی از دانش آموزان دختر مدارس تدوین کرد که هدفش به حد اکثر رساندن نتایج آموزش و موفق شدن دانش آموزان محروم بوده است و جمعیت مورد هدف آن دانش آموزان محروم دختر از خانواده های فقیر دارای سابقه اقتصادی - اجتماعی پایین و یا خانواده های بومی و جزیره نشین و یا حاشیه نشین و منزوی و یا خانواده های کم سواد، متعاد، خشن و بد رفتار بوده است.

همچنین د اندونزی، دولت در سال ۱۹۹۴ آموزش اجباری دوره نه ساله پایه را تصویب کرد. با این هدف که تا سال ۲۰۰۴ تمام افراد سنین ۱۳ تا ۱۵ سال آموزش دوره اول متوسطه را طی کرده باشند. جزایر پراکنده

اندونزی عملی کردن این پروژه را با مشکلات عدیده روبرو میسازد. لذا مدارس آزادی را بنیاد نهادند که مبتنی بر سیستمی است که دانش آموزان ۴ تا ۵ روز در هفته را در محلی نزدیک منازل خود تحت نظر یک معلم با استفاده از مواد آموزشی خود آموزش تعلیم میبینند. مطالب آموزشی به نحوی طراحی شده اند که نیازمند حد اقل کمک معلم باشند. و معلمان از افراد با صلاحیت انتخاب شده اند و حتی برنامه های رادیویی آموزشی خاصی برای مناطق و جزایر دور افتاده تهیه شده اند. بدین ترتیب یک صد و هفتاد و یک هزار دانش آموز در ۹۵۱ مدرسه آموزش دوره اول متوسطه را در سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ آموزش دیده اند. این دانش آموزان اهالی جزایر و مناطق دور افتاده و خانواده های فقیر بوده اند.

اما تگاهی بیندازیم به آمار دختران محروم از تحصیل در ایران: متأسفانه هنوز آمار رسمی از طرف وزارت آموزش و پرورش در مورد تعداد واقعی دختران و حتی پسران محروم از تحصیل ارائه داده نشده است.

سایت یونسف در بخش مربوط به ایران گزارش و آمار زیر را که ناقص است و همه مناطق ایران را در بر نمیگیرد، ارائه داده است:

دسترسی به سیستم آموزشی و ادامه تحصیل یکی از چالش‌های بیش روی بسیاری از دختران در ایران به ویژه در مناطق روستایی است. به دلیل این که دختران باید فاصله زیادی تا رسیدن به نزدیکترین مدرسه طی کنند، ادامه تحصیل در دوره راهنمایی پس از سیری کردن دوره ابتدایی مشکل بسیاری از دختران است. البته استراتژی‌هایی برای مواجهه با این معضل وجود دارند اما بسیاری از دختران همچنان از دسترسی به آموزش راهنمایی باز میمانند چرا که راه‌حل‌های در نظر گرفته شده، از نظر فرهنگی مناسب نیستند. در حال حاضر در سطح ملی میزان انتقال از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی برای پسران ۹۰ درصد و برای دختران ۸۰ درصد می‌باشد.

موانع فرهنگی همچنین دختران را از ادامه تحصیل بعد از دوره ابتدایی باز دارد. بنابراین مراد به والدین و جوامع مختلف بایستی بیشتر شود. در مناطق شهری، میزان باسوادی زنان حدود ۸۲ درصد است در حالی که این میزان در مناطق روستایی نزدیک به ۶۲ درصد می‌باشد. چالش‌های دیگری نیز وجود دارند که از آن جمله می‌توان به فقدان مشارکت گسترده، فقدان دسترسی به اطلاعات، دانش و منابع، خشونت خانگی و سطح پایین مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای اشاره کرد.

برنامه کشوری یونسف از اصلاحاتی که فعالیت‌های آموزشی و یادگیری را در مدارس تحت تاثیر قرار داده و بین جوامع و مدارس رابطه ایجاد کند، حمایت می‌کند. الگوی آموزش دختران روستایی که توسط یونسف تدوین شده، در بسیج گروههای دختران در سیستان و بلوچستان موثر بوده و منجر به کاهش میزان ترک تحصیلی‌ها و تغییر نگرش‌های منفی

نسبت به تحصیل دختران شده است. در سال ۲۰۰۵ کارگاه‌های آموزشی برای مقامات محلی و افراد سرشناس جامعه سازماندهی شد تا مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان در بستر اجتماعی تسهیل شود. همچنین کارگاه‌های آموزشی بیشتری برای زنان روستایی در خصوص مهارت‌های زندگی و مهارت‌های ارتباطات فردی برگزار گردیده و کارگاه‌های آموزشی در خصوص توانمندسازی زنان در حال برگزاری است. بطور کلی مقرر شده است که به منظور دستیابی به ثبت نام همگانی در مدارس، استان‌های محروم باید با استانداردهای کشوری منطبق شوند. برای مثال، آمار دولتی بیانگر آن است که میزان ثبت نام مدارس ۹۷٫۲ درصد است، در حالی که این آمار در سیستان و بلوچستان برای پسران ۸۱٫۸ درصد و برای دختران تنها ۷۱٫۵ درصد است. همچنین با فعالیت‌های متمرکز شده باید اطمینان حاصل کرد که همه کودکان تحصیلات ابتدایی را به اتمام برسانند. آمار سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۱ میلادی) بیانگر کاهش مداوم در میزان اتمام دوره ابتدایی در گروه‌های سنی مختلف است. عوامل موثر در عدم اتمام تحصیلات ابتدایی شامل کیفیت پایین امکانات آموزشی، مریب‌های تجربه، کمبود معلمان زن و وجود عقاید منفی نسبت به تحصیل دختران است.

و اما آمار پراکنده ای که اینجانب از مسئولان منطقه ای آموزش و پرورش گرد آوری کرده ام:

مسئول مدارس عشایری استان بوشهر در ۱۳۸۴/۱۰/۸ در روزنامه خراسان اعلام کرد: بعلت نبودن مدارس راهنمایی و دبیرستان شبانه‌روزی ۹۰ درصد دختران عشایر پس از گذراندن مقطع ابتدایی مجبور به ترک تحصیل می‌شوند

بنا به گزارش دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، خانم صغری محسنی‌نسب مدیر دوره پیش‌دانشگاهی آموزش از راه دور در ۱۳۸۵/۱۲/۱۷ اعلام کرد: در سال تحصیلی جاری ۵۰ هزار زن و دختر جوان به دلیل مشکلات مالی از ادامه تحصیل محروم شدند

رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۲ زنجان در ۱۳۸۵/۰۴/۰۲ اعلام کرد: بیش از ۴۰۰ دانش آموز بازمانده از تحصیل در ۴۱ روستای استان زنجان وجود دارد که اغلب دختران فارغ التحصیل مقطع ابتدایی هستند از این تعداد فقط ۱۸ نفر تحت پوشش طرح آموزش از راه دور قرار گرفته اند. وی نبود مدارس شبانه روزی و نیز بالا بودن میزان پراکندگی روستاها در حومه را عامل مهمی در کاهش جمعیت دانش آموزان مقاطع ابتدایی و راهنمایی عنوان کرد و افزود: طبق آمار در ۳۳ روستای ناحیه ۲ زنجان، مدارس راهنمایی به شکل مختلط فعالیت می‌کنند و به همین دلیل بیشتر خانواده‌ها از حضور فرزندان دختر در مدرسه ممانعت به عمل می‌آورند.

روزنامه همسنگی در تاریخ ۱۰۰۹، ۱۳۸۴ نوشت: در استان خوزستان پنج هزار بازمانده از تحصیل وجود دارد که غالب آنها را دختران تشکیل میدهند.

در شماره آینده این بررسی را می‌گیریم.

## دانشجویان و معلمان و زنان و کارگران همچنان قربانیان تجاوزها به حقوق انسان هستند:

در ۱۲ خرداد ۸۶، کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران این اطلاعیه را صادر کرده اند: طبق اطلاعات رسیده حدود دو هفته پیش جسد تکه تکه شده خانم شکوه (خدیدجه) آریائی، که داوطلبانه مدد کار اجتماعی جوانان زیر ۱۸ سال در زندان‌های تهران بود، در خانه ایشان پیدا شده است.

مرتکبین این جنایت به جز دفتر چه تلفن و تقویم و دفتر چه یادداشت الکترونیکی، از منزل ایشان چیز دیگری نبرده اند. مقامات امنیتی و قضائی تهران در این باره تا کنون سکوت کرده و اجازه انتشار هر گونه اطلاعی در این مورد را صادر نکرده اند.

ما از تمامی سازمانها و شخصیت‌های اسان دوست در داخل و خارج از ایران برای روشن تر شدن همه جوانب این فاجعه تقاضای کمک و همیاری داریم.

در ۱۶ خرداد ۸۵، جلسه رسیدگی به اتهامات بهمن احمدی عمویی یکی از متهمان پروندهی تجمع ۲۲ خرداد در شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب، به جرم تجمع غیر قانونی و تبلیغ برضد نظام و ایجاد آشوب برگزار شد.

در ۱۸ خرداد ۸۵، فرزانه خرقانی، مدیرمسوول روزنامه توقیف‌شده «روزگار» برای اخذ آخرین دفاع به دادسرای کارکنان دولت احضار شد. اتهام خرقانی در این پرونده «انتشار روزنامه روزگار شبیه نشریه توقیف‌شده (شرق)» است.

در ۱۹ خرداد ۸۶، شعبه اول دادگاه انقلاب سندج، اجلال قوامی و سعید ساعدی، از روزنامه‌نگاران سندجی را به ترتیب به سه سال و دو سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

در ۱۹ خرداد ۸۶، هوشنگ پوربابایی وکیل مدافع تعدادی از معلمان بازداشت‌شده که پس از مدتی با تبدیل قرار بازداشت موقت، آزاد شده بودند، از صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست برای هفت نفر از این معلمان خبر داد.



◀ در ۲۰ خرداد ۸۶، جلسه بازپرسی رسیدگی به اتهامات کیوان صمیمی بهبهانی، مدیرمسئول ماهنامه توقیف شده «نامه» صبح فردا در معاونت امنیت دادسرای انقلاب تهران برگزار شد.

◀ در ۲۰ خرداد، سعید ایزدبخش، دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی که در جریان وقایع اخیر این دانشگاه یک هفته را در بازداشت به سر برد، در نامه‌ای به رییس جمهور وضعیت دشوار نگهداری خود در بازداشتگاه را تشریح کرد: دانشجویان زیادی به جرم انتقاد به عملکرد دولت این روزها را در زندان انفرادی سپری می‌کنند، ستاره‌باران می‌شوند و از حقوق مسلم اجتماعی محروم می‌شوند. آیا این عدالت است دانشجویی که جایی ندارد، وقتی به مجلس می‌رود و در خانه خودش از عملکرد غلط رییس دانشگاهش شکایت می‌کند، مورد تعقیب قرار گیرد و یک ساعت بعد از دیدار در خیابان و در جلوی چشمان همگان بازداشت شود و یک هفته تمام در یک سلول انفرادی سه در سه متر با چشمان بسته نگهداری شود و هر روز در حالی که داروهای روان‌گردان به او می‌دهند به بازجویی از او بپردازند و اعتراف از او بگیرند و بعد از یک هفته فشارهای روحی و روانی سخت در خیابان اصلی شهر و با آن وضعیت زننده رها شود.

◀ در ۲۰ خرداد ۸۶، به گزارش کانون زنان ایرانی، ۳۹ معلم حکم سه ماهه تعلیق از کار (آماده به خدمت) گرفتند که از این تعداد سه نفر به مدت شش ماه معلق از فعالیت تدریس شده‌اند. بهشتی بازرسی کانون، باغانی دبیر کانون و علی هاشمی دبیر سازمان معلمان حکم شش ماه تعلیق از کار دریافت کرده‌اند. به گفته مدیرمسئول هفته نامه توقیف شده «قلم معلم» در حال حاضر پرونده ۲۸۶ معلم در انتظار صدور حکم رای دادگاه است. تعدادی از این افراد با قید کفالت و برخی با قرار وثیقه از بازداشت رها شده‌اند اما پرونده آن‌ها در حال تکمیل و ارسال به دادگاه است.

◀ در ۲۱ خرداد ۸۶، جلسه بازپرسی رسیدگی به اتهامات کیوان صمیمی بهبهانی، مدیرمسئول ماهنامه توقیف شده «نامه» در معاونت امنیت دادسرای انقلاب تهران برگزار شد. از جرائم او، امضای بیانیه ایست که در آن، در باره بحران هسته ای موضعگیری شده

◀ در ۲۱ خرداد ۸۶، اطلاع حاصل شد که زینب شادفر از فعالان حقوق زنان و عضو مرکز فرهنگی زنان، روز پیش از آن، در منزل مسکونی خود بازداشت شد. این دبیر بازنشسته آموزش و پرورش برای ادای پاره‌ای از توضیحات و با قول بازگشت یک ساعته به کالتری نیلوفر برده شد و سپس به بازداشتگاه وزرا انتقال یافت. است.

◀ در ۲۱ خرداد ۸۶، بعد از چند روز بیخبری از وضعیت فرزانه مقدم، طبق آخرین اخبار رسیده خانواده فرزانه مقدم طی تماس با نیروهای انتظامی رژیم توانسته‌اند از مکان بازداشت فرزندشان مطلع شوند. بنا بر اظهارات آنان فرزانه هم اکنون در زندان مستقر در منطقه ویلایی گلشهر مشهد زندانی است. شاکتی او فرهاد جعفری، از «سرداران» سپاه است. علت شکایت انتشار مقاله ای در «ندای برابری» است که در آن، چگونگی دخالت پاسدارها در ایجاد آشوب در منطقه محروم احمد آباد مشهد، در اسفند ۸۵ توضیح داده شده است.

◀ در ۲۲ خرداد، بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان پلی تکنیک تهران پیرامون شکنجه شدید دانشجویان در بند این دانشگاه ۸ ستاره پلی تکنیک، انتشار یافت: دانشجویان دستگیر شده تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی بیداد گاه های سرکوب و خفقان قرار دارند، تا اعتراف به کاری کنند که انجام نداده‌اند و از آن برائت جسته‌اند. اما برائت را چه سود، که چشم‌ها بسته‌اند و گوش‌ها ناشنوا. جرم از پیش تکاشته شده است و همانا دانستن است که امروز سزایش بند است و شکنجه.

از دیروز اخبار نگران کننده ای مبنی بر شکنجه شدید و تحت فشار قرار دادن ۸ دانشجوی بازداشتی پلی تکنیک دریافت نمودیم. بر اساس این خبر که از منبع موثقی دریافت شده است، پس از دستگیری و انتقال علی صابری و عباس حکیم زاده به تهران، ماموران امنیتی در بند ۲۰۹ زندان اوین، اقدام به شکنجه ی شدید و تحت فشار قرار دادن هشت دانشجوی پلی تکنیک برای اعتراف به گناه ناکرده نموده‌اند. به نظر می‌رسد این اقدام نیروهای امنیتی پس از آن صورت می‌گیرد که، با طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده و عدم حصول نتایج مطلوبشان از طریق اعمال فشارهای روحی و جسمی به دانشجویان در بند جهت ارایه ی گزارش به افکار عمومی مبنی بر بازداشت طولانی مدت دانشجویان است.

◀ در ۲۳ خرداد ۸۶، دادگاه انقلاب شهر سقز یک شهروند سقزی به نام شهرام انصاری فرزند حبیب ... را به حبس محکوم کرد. نامبرده که پیش از ۲۰ ماه است در زندان بسر می‌برد از سوی دادگاه انقلاب شهر سقز، به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون به تحمل ۴ سال حبس محکوم شده است.

◀ در ۲۳ خرداد ۸۶، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، ۷ تن از متهمین مربوط با پرونده آیت الله بروجردی حکم اعدام دریافت کردند: اولین جلسه دادگاه رسیدگی به

## شدت تخاصم

اتهامات آقای آیت الله محمد حسن کاظمینی بروجردی ظهر امروز در شعبه ۳ ویژه روحانیت به ریاست قاضی حسینی برای رسیدگی به اتهامات ۳۲ متهم ردیف اول برگزار شد، برای ۷ تن از متهمان به نامهای آیت الله کاظمینی بروجردی، مسعود سماواتیان، علیرضا منتظر صائب، علی شهبازی، فراهانی، حبیب قوتی، احمد کریمیان، مجید التی حکم اعدام صادر شد.

دستگاه قضائی رژیم این خبر را تکذیب کرده است.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۶، زندانی سیاسی متین ارجان از سوی دادگاه انقلاب به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم گشت. ارجان از اعضای حزب پ.ک.ک و تبعه کشور ترکیه که در سال ۸۴ در شهرستان ارومیه بازداشت شده و در زیر شکنجه های مامورین رژیم جمهوری اسلامی زبانش قطع شده بود مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۲ توسط دادگاه انقلاب به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم گشت. وی از حق داشتن وکیل محروم بوده و با توجه به قطع زبانش قادر به دفاع از خود نبوده است.

◀ در ۲۸ خرداد ۸۶، روز گذشته حکم چهار دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی از دانشکده‌های مختلف صادر شد. جرم آنها شرکت در تجمع‌های دانشجویی بوده. مسوولان قول داده بودند برای فعالان دانشجویی حکمی صادر نشود.

## گزارشی از یک زندان مخوف در قلب تهران

فعالان حقوق بشر در ایران: در خیابان وحدت اسلامی تهران، آگاهی مرکزی نیروی انتظامی معروف به آگاهی شاهپور قرار دارد که در حال حاضر در ۱۸ شعبه مسئولیت رسیدگی به جرایم اجتماعی را تحت ریاست سرهنگ خوینی‌ها به عهده دارد.

متاسفانه به دلیل انتصاب این مرکز به جرایم اجتماعی در مورد این مکان مخوف اطلاع رسانی و نظارت موثری صورت نپذیرفته است.

در این گزارش سعی شده است زوایای پنهان این مرکز مورد بررسی قرار گیرد.

بازداشتگاه این مرکز به ریاست سرهنگ نیرومند در قسمت بدرقه {اعزام} آن مرکز قرار دارد و مشکل از اصطلاحا ۱۰ بند عمومی، یک بند نوجوانان، یک بند قرنطینه، ۴ سلول و ۳ سویت می‌باشد.

اماکنی که از آن به عنوان بند یاد می‌شود اتاقهایی در بسته به ابعاد ۴\*۳ متر هستند که فاقد هرگونه نور و یا تهویه می‌باشند و تنها کفپوش آنها موکتی بسیار آلوده است. این اتاقها فاقد هرگونه سیستم سرمایش یا گرمایش می‌باشند و جمعیتی که در آن نگهداری می‌شوند از ۱۷ تا ۲۵ نفر یا حتی بالاتر متغیر هستند.

استحمام ممکن نیست و استفاده از سرویس های بهداشتی در طول روز ۳ مرتبه و از ۸ شب تا ۴ صبح هم ممنوع می‌باشد، غذا با کیفیت نامطلوب و بسیار کمتر از حداقل استاندارد و جیره بندی می‌شود و به هر بند به عنوان صبحانه مجموعا ۳ عدد نان داده می‌شود!!

منظور از سلول اتاقهای کوچکی در اندازه های ۱/۵ متر مربع می‌باشد که چندین فرد را به طور هم زمان در آن اتاقهای کوچک نگهداری می‌نمایند و منظور از سویت اتاقهایی ۲ مترمربع است که فاقد حتی کفپوش یا موکت می‌باشد و بر سر هر فرد همیشه کیسه ای پارچه ای قرار دارد.

در هر ۲۴ ساعت تنها یکبار اجازه استفاده از سرویس بهداشتی وجود دارد و فرد به صورت انفرادی با دستبند و پا بند نگهداری می‌شود و همچون بند و سلول این مکان نیز فاقد روشنایی و تهویه و سیستم سرمایش و گرمایش است و همچنین به طور اسفناکی غیر بهداشتی است.

از بدو ورود به این بازداشتگاه، ضرب و شتم و هتاکی آغاز می‌شود و از نگهداری تا بازجو و یا تیم بازجویی، به شدت از ابزار ضرب و شتم استفاده می‌کنند که حتی در زمان استفاده از سرویسهای بهداشتی متهم از ضرب و شتم و توهین‌هایی ندارد، این ضرب و شتم‌ها بالاخص در زمان بازجویی، با مشت و لگد " باتوم چوبی و باتوم برقی، آزار و اذیت، تجاوز جنسی، بستن دستبند به دستها به روش قبانی، نگهداری بلند مدت، آویزان نمودن فرد از کتف به سقف، تعزیر کف پا، بستن دستها و پاها به شکلی خاص و قرار دادن میله در میان آنها، آویزان نمودن به مدت طولانی و بسیاری اعمال غیر انسانی دیگر از روشهای شکنجه و به اصطلاح اعتراف گیری در این مرکز می‌باشد.

موارد بسیاری از خودکشی افراد تحت شکنجه در این بازداشتگاه‌ها دیده شده است. برخی متهم‌ها در این مرکز ماههای متمادی است که بلا تکلیف می‌باشند " رسیدگی پزشکی در این مرکز وجود ندارد و فرد مضروب را پس از پایان تحقیقات مدتی تا زمان بهبود وضع جسمانی و رفع آثار ضرب و شتم در سلول نگه می‌دارند. در صورتی که فرد آسیب دیده وضعیت وخیمی پیدا نماید وی را به اتاق کوچکی که متعلق به این مرکز در قسمت جراحی

بیمارستان سجاد { ناجا } واقع در خیابان بهار شمالی است منتقل می‌نمایند که حتی کادر درمانی در تردد به این اتاق با محدودیت مواجه هستند و ضرب و شتم و جلوگیری از رسیدگی پزشکی لازم در حد توان توسط ماموران در همان مکان نیز انجام می‌پذیرد.

به عنوان یک مجموعه فعال در زمینه حقوق بشر در ایران شیدا نسبت به آنچه که در این مرکز بر انسانها می‌گذرد ابراز نگرانی مینماییم و این گونه آزار و اذیت و بی حرمتی به انسانها را به بهانه جایگاه اجتماعی یا اتهامات وارده به آنها را محکوم می‌نماییم و خواستار بهبود وضعیت این مرکز و سایر بازداشتگاه‌های مشابه می‌باشیم و رعایت کامل حقوق تعریف شده انسانها را در این گونه بازداشتگاهها و مراکز مشابه خواستاریم.

## وضعیت کودکان در عراقی که قرار بود الگوی دموکراسی بگردد:

◀ خبر ها پی در پی گویای وضعیت کودکان گرسنه هستند. عکسهای که سی بی اس پخش کرده است انسان را به یاد پرورشگاهای رومانی در زمان چائوشسکو می‌اندازد.

در هفته گذشته در مرکز بغداد، سربازان آمریکای و عراقی پرورشگاهی را پیدا کردند. ابتدا فکر می‌کردند کودکانی که در آن، نگاهداری می‌شده‌اند، مرده‌اند. بعد از اینکه یکی از ۲۴ کودک سر خود را تکان داد متوجه شدند بچه‌ها زنده هستند.

اسفبار این که در آن پرورشگاه آشپزخانه ای مملو از غذا و پرسنلی که می‌باید در آنجا کار کنند هم حاضر بوده‌اند. بجای اینکه غذای را که دولت به پرورشگاه می‌داده به بچه‌ها بدهند، آن را در بازار نزدیک پرورشگاه می‌فروخته‌اند.

این تصویری واضحی از فساد است که در عراق لجام گسیخته است.

این کودکان تحت مراقبت واقع شده‌اند. دو زن و پلیسهای امنیتی را دستگیر کرده‌اند و رئیس پرورشگاه ناپدید شده است.

بچه‌ها قبل از حمله آمریکا وضع بسیار اسفباری داشته‌اند اما بعد از ۲۰۰۳ این وضع از آنچه زمان صدام می‌بوده است هم بدتر شده است.



## "انقلاب فرهنگی" دوم و مسئولیت دانشجویان

امان از آخوند بی دین و یا اینکه آخوند ها اگر لازم باشد طلاق نامه را به جای عقد نامه قالب میکنند. با شعار جمهوری آغاز کردند تا با تھی کردن آن از محتوا، استبداد خود را جمهوری بنامند. از زمانی که جماعت ولایت فقیه زمام امور را به ضرب دار و درفش، شکنجه و اعدام و قتل، غصب نمود، کارشان همین است. تا توانستند بی دینی را بجای دین و ظلم و جور را بجای عدل و داد در جامعه رواج دادند. به بهانه انقلاب فرهنگی به مثله کردن بدنه کادر علمی دانشگاه اقدام کردند تا دانشگاهی در خور استبداد نوپای خود را بسازند. هر چه بیسواد و بی کفایت است را دکتر خواندند و به مصادر کار گماردند تا جایی که امروز عمید زنجانی بر مسند ریاست دانشگاه تهران تکیه زده و خجالت هم که نمیکشد به جای خود، برای استادان و دانشجویان خط و نشان نیز میکشد. چند ماه قبل آقای خامنه ای، در صحبتی که با "دانشجویان" داشت او خطاب به آنها گفت: انقلاب دیگری لازم است. عمده استبداد منظور او را چنین در یافتند که انقلاب دیگری در دانشگاه لازم است، چون مهار همان انجمن های دانشجویی که از سوی رژیم تشکیل گردید تا دانشجویان و دانشگاه را پس از باز گشایی و گذار از انقلاب فرهنگی در سال ۵۹ به کنترل خود در آورد از کف نظام بدر رفته است و چند سالی است که لا اقل بخشی از دانشجویان دانشگاه نقش اصلی خود یعنی پاسداری از حقوق و آزادی های مردم را باز یافته اند. گرچه از ابتدا هم معلوم بود که چنین طرفندی با شکست مواجه میگردد، زیرا دانشگاه محیط علم است و بالا خره با جهل در خواهد افتاد. پیکره جنبش دانشجویی، به دنبال حمله وایلغار کوی دانشگاه در تیرماه ۷۸ جراحات عمده ای برداشت بسیاری از دانشجویان در بند شدند و هنوز در بندند که ما حتی نام آنها را نمیدانیم. با روی کار آمدن حکومت مهرورز احمدی نژاد و مقاومت جنبش دانشجویی در مقابل استبداد، و بالا گرفتن اعتراضات صنفی و حمایتی دانشجویان از این اعتراضات و جنبشهای کارگری و زنان، نظام ولایتی که اختلافات درونی هر روز آن را ضعیفتر میکند اقداماتی را تدارک دید که از جمله طرح مبارزه با حجاب و مبارزه با ارادل و اوباش و همسنگ کردن آنها، حمله به دانشگاه و... را میتوان نام برد. طرح حمله به دانشگاه علاوه بر فشار بر دانشجویان از طریق احضار کردن و اخطار به آنها و تهدید خانواده هایشان ادامه یافت. چون در این نظام به اصطلاح دینی دروغ و توطنه واجب است و توریه هم جایز، بنا بر این، جعل عنوان و نشر کذب و وارد کردن اتهام بی جا به دانشجویان از سوی ذوب شدگان در ولایت فقیه لازم آمد و عده ای بنام دانشجویان مطالبی را نوشته و منتشر کردند، مسئولین نشریات جعل شده با وجود شاکتی بودن و علیرغم تکذیبی که کردند بازداشت

ر بوده و زندانی شدند و باز چون دستگاه قضایی ولایت مطلقه به "عدل علی" معتقد است - توجه داشته باشید که در این نظام همه چیز وارونه است بنا بر این وقتی صحبت از عدل علی است شما بخوانید ظلم معاویه - از سوی قاضی حداد اعلام شد که جرم آنها محرز است و او اطمینان دارد که این دانشجویان مجرمند و چون در اسلام آقایان، انسانها از حقوق بی بهره اند، بازداشت شدگان حق ملاقات با خانواده خود را ندارند و وکیل هم که لازم نیست و بنا بر رویه تمامی نظامهای استبدادی در این موارد، شاکتی خود، در جای متهم قرار میگیرد. اما این یک طرف قضیه است و از نظام استبدادی که تمایلات تمامیت خواهی خصلت اوست انتظاری غیر از این امور نمیتوان داشت. ولی همین نظام ها ناتوانی خود را زمانی توانایی جلوه میدهند و توانا میشوند که جامعه در انفعال است و به حقوق خویش عارف نیست. ۲۷ سال پیش از این در چنین روزهایی در اواخر خرداد ماه روحانیتی که آقای خمینی از آن نمایندگی میکرد و در فرانسه مدعی شده بود که در دولت دخالت نخواهد کرد، با کودتا علیه رای مردم نقطه عطفی را در تاریخ معاصر ایران بوجود آورد و خود که تا این دوره تبدیل کننده قدرت حکومتی بود، در راس قدرت قرار گرفت و با استفاده از احساسات مذهبی مردم وبا بهره گیری از فقه سنتی که مردم را مکلف میدانند و نه صاحب حق، مردم را به اطاعت از فقیه، مکلف گرداند و برای این امر از خونریزی نیز ابایی نداشت. کشتار سالهای ۶۰ تا ۶۷ گویای بی باکی او و ماسالاران در خون ریزی است. (وادامه این کشتارها تا به امروز توسط عده ای یاران و شاگردان خلف او). دستور آقای خمینی جای تردید نمی گذارد که جنایتها بدستور او انجام گرفته اند. حال اگر مردم در آن هنگام به حقوق خویش آگاه بودند، چگونه آقای خمینی به خود این اجازه را میداد که بگوید ۳۵ میلیون نفر بگویند بله من میگویم نه؟! آنهم در مورد مسئله ای که به امور مردم مربوط بود یعنی امر رفرا ندوم برای انتخاب بین رئیس جمهور و گردانندگان حزب جمهوری اسلامی که شتابان در پی استقرار استبداد بودند، از سوی رئیس جمهور وقت، بر طبق قانون اساسی، پیشنهاد شد تا بن بست و بحران حکومتی بر طرف شود. اگر مسئله مربوط به امری عقیدتی بود میشد پذیرفت که شخصی بر نظر و عقیده خویش ایستادگی کند ولو همه مخالف او باشند، تا وقتی نخواهد به زور نظر خویش را بر جامعه تحمیل کند. زیرا حق هر کس است که نظری خلاف نظر همگان داشته باشد. تا اعضای جامعه ای بر حقوق خویش آگاهی نیابند، در آن جامعه، دنیا به کام دیکتاتور مسلکها است. حال خواه مذهبی و خواه غیر مذهبی. آگاهی بر حقوق هم، خود جوش است. هر ملتی که اعضایش از حقوق ملی غافل شد، باید در باز یافت آگاهی بکوشد و از خود سانسوری به پرهیز. تا هر عضوی از جامعه در خانه و خانواده بر این امر کوشا نشود و آن را

تمرین نکند عمومیت یافتن آن مشکل خواهد بود. تا هر عضوی از جامعه نقض حق دیگری را نقض حق خود نداند و وجدان عمومی بر این حقوق حاصل نشود، عمده ظلم و جور هر روز به نامی و بنا بر مصلحتی بر سر آنان خواهند کوبید و خشونت و وحشت ابرازشان در حکومت کردن خواهد بود. تا وجدان عمومی بر این حقوق حاصل نگردد دستگاه قضایی که باید دادگستر باشد به کار اعمال قدرت ظالم و ثبات استبداد می آید. در جوامعی مثل جامعه ایران نقش قشر تحصیلکرده بخصوص دانشجویان در حصول این امر یعنی وجدان عمومی به حقوق بسیار تعیین کننده است. در ایران امروز بیش از دو میلیون دانشجویان در دانشگاه ها اعم از دانشگاه آزاد ودولتی به کار کسب علم مشغولند، این تعداد میتواند پشتوانه عظیمی برای یک مردمسالاری باشد که احترام به رای و حق حاکمیت مردم را عامل مشروعیت خویش بداند. چگونه است که ملت ما پس از صد سال که از جنبش مشروطیت و نزدیک به سی سال پس از انقلابی که شعارش استقلال و آزادی و هدفش استقرار جمهوری بود میگذرد هنوز گرفتار استبداد است؟ چه توجیعی غیر از عدم عرفان بر حقوق انسان ایرانی میتوان برای این فاجعه قید کرد. چگونه است که فقط تعداد کمی از دانشجویان به رسالت خویش عمل مینمایند و قشر عظیمی از آنها درس خواندن را بهانه بی مسئولیتی خویش در وجدان یافتن به حقوق خود میکنند؟ مگر کسب علم و دانش برای شناخت خویشتن خویش و یافتن هویتی در خور انسان نیست؟ اگر کسب علم ما را به این امر راه نبرد با تمام سواد که می آموزیم هنوز جاهل نیستیم؟ آیا درس خواندن را میتوان توجیه گر تقیه و توریه و سکوت و بی تفاوتی نسبت به سرنوشت دانشجویان در بند کرد؟ نقض حقوق آنانی که امروز در بندند و هزار تهمت بی جا به آنها بسته اند و تحت فشار و شکنجه قرارشان داده اند که به جرم نکرده اعتراف نمایند، نقض حقوق تمامی دانشجویان بلکه هر انسان در خور این عنوان است. دفاع از آنان دفاع از حقوق خویش است. در وجود باطنی ها، حکیم زاده ها، صابری ها و... و تمامی آنانی که به ناحق در بندند و نامی از آنها در این نوشته نیامده است، ما هستیم که شکنجه می شویم. ما هستیم که از حقوق خود غافلیم و به استبداد گرده گذارده ایم. همه آنها که گرفتار ظلم و جورند ما را در قبال وجدان خویش مسئول می کنند. البته مسئولیت دانشجویان که این افراد بخشی از بدنه جامعه آن را تشکیل میدهند به مراتب بیشتر است. با هشیاری و همگرایی میتوان استبداد را از دست انداختن بر دانشگاه و بر حقوق مردم بازداشت و پروژه به اصطلاح انقلاب فرهنگی دوم را ناکام کرد.

## حق و منزلت کودک در خانواده

روند رشد جمعیت را به گونه ای محسوس کند کرده است. افزایش جمعیت هنوز ابعادی فاجعه آمیز دارد و با امکانات رفاهی جامعه هیچگونه تناسبی ندارد. در دهه های شصت سالانه پیش از یک و نیم میلیون نفر به جمعیت افزوده می شد در دهه های هفتاد این رقم به ۸۰۰ هزار نفر در سال تقلیل یافت. بنا بر داده های مرکز آمار نرخ رشد جمعیت در حال حاضر در ایران ۱/۲ درصد است و بنا بر آمار ۷۰ میلیونی کشور در حال حاضر حدود ۸۵۰ هزار نفر به جمعیت کشور افزوده می شود. این کودکان از نظر تغذیه، پوشاک، تعلیم و تربیت و... امکانات می خواهند و از نظر اشتغال و تشکیل خانواده و بیمه و... باید پیش بینی های لازم انجام گیرد تا در زمان جوانی با مشکلات گریباتگیر نباشند. کشور ما در مجموعه جامعه جهانی است و وضعیت کودکان جهان نوبد آینده بدی، همراه با محرومیت های فراوان را می دهد. تعداد کودکان در جهان، ۲٫۲ میلیارد نفر است. کودکانی که در فقر زندگی می کنند، معادل ۱ میلیارد نفرند. یعنی از هر دو کودک، یک کودک در فقر زندگی می کند. برای ۱٫۹ میلیارد کودکی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند: ۶۴۰ میلیون نفر سرپناه کافی ندارند. ۴۰۰ میلیون نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. ۲۷۰ میلیون نفر هم به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند. ۱۲۱ میلیون کودک در جهان از خدمات آموزشی ابتدائی بی بهره اند. در سال ۲۰۰۳، بیش از ۱۰٫۶ میلیون کودک قبل از رسیدن به سن ۵ سالگی در گذشته اند که این تعداد با تعداد کودکان در فرانسه، آلمان، یونان وایتالیا برابر است. هر ساله ۱٫۴ میلیون کودک به خاطر عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و خدمات ابتدائی بهداشتی از بین می روند. هر ساله ۲٫۲ میلیون کودک به خاطر این که واکنس زده اند، می میرند. ۱۵ میلیون کودک یتیم در جهان داریم که والدین شان از بیماری ایدز در گذشته اند (این رقم برابر است با تعداد کودکان در آلمان و انگلستان). ذهن روشتر می شود اگر میزان پرداختی های بعضا غیر ضروری و یامخرب را نیز لیست کنیم. هزینه بستنی در اروپا ۱۱ میلیارد دلار هزینه خرید عطر در اروپا و آمریکا ۱۲ میلیارد دلار

هزینه غذایی حیوانات خانگی در اروپا و آمریکا ۱۷ میلیارد دلار هزینه تفریحات شرکت ها در ژاپن ۳۵ میلیارد دلار هزینه مصرف سیکار در اروپا ۵۰ میلیارد دلار هزینه مشروبات الکلی در اروپا ۱۰۵ میلیارد دلار هزینه مواد مخدر در جهان ۴۰۰ میلیارد دلار هزینه تسلیحات نظامی در جهان ۷۸۰ میلیارد دلار در واقع کودکان کشورهای جهان سوم از فقر جان می دهند تا با منابع آنها بشود چرخ صنعت و تکنولوژی غرب را به چرخش در آورد و آمار نشان می دهد که می توانند هزینه های تخریب را تا این حد نیز بالا ببرند. اکثریت بزرگی از کودکان ایران در خانواده هایی بزرگ می شوند که یا پدری معتاد و یا پدر و مادری معتاد دارند. تعداد این بچه ها را می شود حدود ۴ تا ۵ میلیون نفر تخمین زد. زیرا آمار دقیقی از این کودکان در دست نیست. یا از محرومیت های غذایی رنج میبرند. و جزو آن تعداد خانواده ها می باشند که زیر خط فقر قرار دارند. تعداد این کودکان را می توان حدود ۷ تا ۸ میلیون نفر تخمین زد. و یا کودکانی هستند که در خانواده های افسرده بسر میبرند که می توان تعداد آنها را نیز حدود ۶ تا ۷ میلیون نفر تخمین زد. قابل توجه اینکه بسیاری از افراد معتاد، افسرده هستند و شغلی هم ندارند و یا افرادی که به علت بیکاری افسرده نیز شده اند و... خانواده هایی که مخصوصا از فقر و یا اعتیاد و یا هم فقر و اعتیاد رنج می برند از تربیت کودکان خود غافل می شوند. البته تنها غفلت نیست. بسیاری از کودکان خود، سوء استفاده می کنند. نگاهی به بچه های خیابان و یا بچه های کار وضعیت بد تربیت در خانواده ها را نشان می دهد. امروزه در ایران حدود ۴۰۰ هزار تا یک میلیون کود کان کار خیابانی کمک خرج خانواده های خود هستند. البته تعداد زیادی از آنها بچه هایی هستند که از خانه در گوشه و کنار شهرهای بزرگ بچه های سیاه چهره، زرد و رنگ پریده ای را می توان دید که به کارهای پلاستیک جمع کنی، آهن جمع کنی، فال فروشی، گل فروشی، شیشه ماشین تمیز کنی، ویدئو فروشی، ویدئو سکسی فروشی و مواد مخدر فروشی مشغولند. این بچه ها باید به دلایلی باج بدهند. باید از جان خود دفاع کنند. هر روز به سر کار رفته شب به خانه برگردند و مزد خود را به



## حق و منزلت کودک در خانواده

پدر معتاد خود بدهند. و یا کمک خرج مادر خود باشند. زیرا پدر بخاطر اعتیاد خود از دادن خرجی سر باز می زند. این بچه ها بیماریهای روحی و جسمی دارند. بهداشت جسم و روان آنها در خطر جدی قرار دارد. به این بچه ها تجاوز می شود. و روزانه طبق آمار ۱۵۰ نفر آنها تنها در تهران جان می دهند. حتی سنگ قبری از آنها باقی نمی ماند.

بر اساس یک تحقیق انجام شده با همکاری وزارت بهداشت و یونسف در رابطه با وضعیت کودک آزاری در ایران، حدود ۲۰ درصد از کودکان شش تا ۱۱ ساله یعنی حدود ۱/۵ میلیون کودک و بیش از ۹ درصد از نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال یعنی حدود ۷۰۰ هزار کودک، تنبیه بدنی می شوند. بیشترین موارد از کودک آزاری در طبقات پائین جامعه دیده می شود و ۸۰ درصد از کودک آزاریها از سوی والدین انجام می گیرد.

۵۴ درصد از کودکان آزار دیده دختر و بقیه پسر هستند. پدران با ۵۴ درصد بیشترین درصد کودک آزاری را به خود اختصاص داده اند. و نامادری با ۱۳/۵ درصد در مرتبه دوم آزار رسانان به کودکان قرار دارند و مادران با ۱۰/۸ درصد کودکان خود را آزار می دهند. اکثر کودک آزاریهای جسمی، ضرب و شتم، شکستگی، شلاق، و سوختگی بر اثر آتش ته سیگار است.

پژوهشگران، انواع آزار کودکان را در چهار حیطه آزارهای جسمی، آزارهای جنسی، آزارهای عاطفی و نادیده گرفتن کودکان طبقه بندی می کنند.

وحشت کودک، مسایل حیثیتی خانواده و آموزش ندادن مریان و مدیران مدارس و دانش آموزان برای آگاهی بخشیدن به کودکان در مقابل کودک آزاریها سبب شده است که اغلب موارد کودک آزاری پنهان بماند.

اولین مشکل موجود در گزارش به پرونده های کودک آزاری ترس برخی مادران از طلاق و ضرب و شتم از سوی همسران و یا دیگران بخصوص خانواده همسر است.

"ممانعت از تحصیل"، "سوء رفتار جسمی"، "ضرب و شتم"، "بهره کشی کاری"، "غفلت جسمانی عاطفی و جنسی" و "بی توجهی به درمان و تغذیه" را از انواع بدرفتاری هایی می توان برشمرد که در قانون حمایت از کودک بصراحت از آنها به عنوان کودک آزاری نام برده شده است.

آثار کودک آزاری ۴۸ تا ۷۲ ساعت باقی می ماند که در این مدت، افراد باید بخصوص در زمینه آزار جنسی به پزشک قانونی مراجعه کنند. در ایران امروز مراجع آنچنان ضد حق عمل

می کنند که کمتر کسی میل مراجعه به این ادارات را دارد.

در ایران امروز فرهنگ گزارش دادن وجود ندارد. البته پشتیبانی هم وجود ندارد. کسانی که می خواهند کودک آزاری را گزارش دهند بخاطر احساس ترس از رژیم و فرد آزار دهنده از این کار منصرف می شوند.

اگر فرهنگ گزارش دادن پدیده کودک آزاری در بین مردم رواج یابد مطمئنا علاوه بر کاهش آمار کودک آزاری، قوانین حمایتی و مجازاتی بیشتری برای کودک آزاران تدوین و حساسیت ها نیز بیش از گذشته می شود.

از طرف دیگر کمبود و یا بهتر بگوییم مکانی برای نگهداری کودک یا زنان آزار دیده در کشور وجود ندارد. مکانهای موجود سر پای، موقت و بدون برنامه هستند.

بسیاری از کودکان آزار دیده بخصوص دختران، اینگونه رفتارها را افشا نمی کنند که نیاز است با آموزش مادران در برقراری ارتباط دوستانه، شرایط بیان این دسته آزارها فراهم شود.

بیشترین تضییع حقوق کودک در محیط خانه و از سوی بزرگترها اتفاق می افتد. تا جایی که کار از کار گذشته و کودک با رفتارهای بد خانواده مانوس شده است.

همچنین ۲۵ درصد کودک آزاریها در خانواده های طلاق اتفاق می افتد و این در حالی است که آمارها نشان می دهد ۵۰ درصد والدین ایرانی معتقدند تنبیه برای کودک لازم است و ۴۰ درصد والدین نیز به تنبیه بدنی گرایش دارند.

بررسی ها در خصوص روابط میان خانواده و فرزندان نشان می دهد، در مقابل یک مورد کودک آزاری که فاش می شود، حداقل ۲۰ مورد دیگر پنهان می ماند.

آیا فرزندان جزو متعلقات ما هستند که هر گونه بخواهیم با آنها می توان رفتار نمود؟ یا انسانهایی آزاد و با حقوق هستند؟

اگر کسی از تنبیه بدنی کودک برای تربیت فرزندان خود استفاده کند، به او یاد می دهد که از من ترس و در نهایت مشکلات روانی متعددی - از جمله نفرت و خشم - را در آنها نهادینه می کند. اگر جامعه تحمل افرادی همچون احمدی نژاد و یا خامنه ای و ... را دارد برای این است که در بسیاری از افراد قبول زور و زندگی در ترس نهادینه شده است.

تصور می کنند که عدالت را می شود با زور برقرار کرد. همان ادعایی که احمدی نژاد قبل از انتخاب شدنش داشت و آن عده از افرادی که به او رای دادند و یا از او پشتیبانی کردند تصور داشتند که با خشونت می شود به عدالت رسید. مگر می شود با وسیله بد به هدف خوب رسید؟ هر هدفی وسیله متناسب با خود را همراه خود دارد و یا طلب می کند.

تنبیه بدنی یک راه حل غلط است و پیام آن این است که اگر کسی را دوست داشته باشیم، می توانیم او را بزنیم. اگر می خواهیم کسی را تربیت کنیم باید به زور متوسل شد.

معمولا پدر و مادرها پس از تنبیه به بچه توجه زیادی نشان می دهند و به او محبت می کنند. بچه برای دریافت این توجه و محبت باز همان رفتار را تکرار می کند. این دوگانگی در رفتار باعث می شود که بچه قدرت تصمیم گیری خود را در سنین جوانی از دست بدهد.

وقتی بچه ها کم سن و سال هستند این مادرها هستند که اغلب مبادرت به تنبیه بدنی آنها می کنند که در آنها احساس ناامنی و طرد شدن ایجاد می شود. اما وقتی بزرگتر می شوند و به سنین نوجوانی می رسند، غالبا از سوی پدرشان مورد تنبیه قرار می گیرند، که در آنها احساس حقارت به وجود می آورد. در سن ۳ تا ۵ سالگی شخصیت بچه شکل می گیرد و برای اینکه حدود خود را تشخیص دهد مرتب سوال می کند و یا بقولی بازیگوشی می کند که متأسفانه بعضی مادران با تنبیه بدنی سعی در ساکت کردن آنها می کنند. در سن ۱۳ تا ۱۶ سالگی جوان دچار دگرگونی روحی می شود زیرا هرمونهای او هر روز او را دستخوش تغییرات روحی می کنند که در نوع برخورد او تأثیر گذاشته و مخصوصا پدرها تصور می کنند در این سن باید با خشونت جلوی این نوجوانان ایستاد. این روش تأثیر عکس در روحیه جوان گذاشته تا بدانجا که تعدادی گریز از خانه را به ماندن ترجیح می دهند.

البته جوانان فراری که امروز بزرگ شهرهای ایران را محل زندگی خود قرار می دهند و اکثرا مورد سوء استفاده های مافیای فحشا و مواد مخدر قرار می گیرند به دلیل خشونت های مختلف خانواده فرار را بر مانده در جهنم خانه ترجیح داده اند. بچه از زمان تولد با حقوق متولد می شود. او بر اساس فطرت خود که

حقوق مند است، بر آزادی عمل می کند و بر اساس استعدادهاش سعی در یادگیری دارد. محیط خانه می باید این امکان را برای او فراهم کند تا بچه همه امکانات رشد را بدست بیاورد. این امکانات یا مادی هستند و یا معنوی و تربیتی. شرایط برخورداری از امکانات مادی را باید دولت در جامعه فراهم کند تا والدین بتوانند در هزینه کردن مشکلی نداشته باشند. البته برخوردار بودن جامعه از امکانات تحصیل رایگان چه در مقطع پیش دبستانی و دبستانی و دانشگاهی از وظایف دولت می باشد. کادر مجرب جهت تدریس و مشاوره از طرف دولت باید امکان تحصیل را برای کودکان و جوانان آسان سازد. امکان انتخاب رشته تحصیلی باید در جامعه فراهم گردد. امکان زیست در جامعه سالم آنگونه باید از طرف دولت مردم سالار فراهم گردد، که هر کس بتواند به فراخور استعدادهای فرزندان شرایط مساعد را برای آنها تهیه کند.

پدر و مادر باید در نظر بگیرند که همانگونه که دوست ندارند اگر خطایی کردند از طرف مقابل کتک بخورند، حق تنبیه بدنی و روحی کودک را نیز ندارند. در واقع پدر و مادر در خدمت فرزند هستند و اگر بچه دار شده اند باید در خدمت شکوفایی کودک خود بکوشند. این طرز تفکر به والدین این امکان را می دهد که خود نیز رشد کنند. پدر و مادری که رشد و حق جویی را هدف خود می داند و روزانه بر حقوق زندگی می کند و در پی کشف استعدادها و فرزندان خود است، فضای رشد روح خود را نیز فراهم کرده در زمینه مادی نیز بر وسع خود می افزاید. فضای دیدش بی نهایت شده در بهشت خانواده همگی در آرامش زندگی می کنند.

در ایران چه در دوران آقای رفسنجانی و چه در اصلاحات آقای خاتمی و چه در دوران عدالت احمدی نژاد، این مافیا است که رشد کرده و بی عدالتی حاصل آن است که رشد کرده نه امکانات رشد نسل آینده!

جامعه ما در حال حاضر دارد در انواع خشونت دست و پا می زند. اکثر مردم خشونت را زدن، اعدام، تجاوز و ... می دانند. در صورتی که خشونت نادیده گرفتن صدای گریه بچه کتک خورده همسایه است.

تصور کنید سر چهار راه پشت چراغ قرمز ایستاده اید. کودکی آدامس می فروشد، دیگری گل، یکی فال و آن یکی می خواهد شیشه را بشوید. سرنشینان با نگاههای سرد و با جملاتی خشن آنها را از خود دور می کنند. تا زمانی که بچه آنها به این درد دچار نشده آنها آن بچه ها را نمی بینند. باید از آنها پرسید.

فرزند خود را دوست دارید؟ تا چه حد فرزند خود را دوست دارید؟ اگر فرزند شما بیمار شود و یا اینکه در تصادفی زخمی شود و در بستر بیماری امکان مردن او را حس کنید چه حال می شوید؟ اگر کسی فرزند شما را مورد اذیت و آزار قرار دهد شما چگونه عکس العمل نشان می دهید؟ اگر کسی فرزند شما را مورد تجاوز قرار دهد چگونه عکس العمل نشان می دهید؟

و اگر کسی بچه ای را کنار خیابان و یا در همسایگی شما کتک بزند، به او فحش بدهد، چه فکر می کنید و چگونه عمل می کنید؟ اگر بفهمید امکان دارد کسی به کودکی تجاوز کند چکار می کنید؟ به آسانی از کنار مسئله رد می شوید و به خود می گویند که در مسئله دیگران نباید دخالت کرد. بچه خودش است هر کار که می خواهد می تواند با او بکند؟! من چرا خود را قاطعی مشکل دیگران بکنم؟! اگر حرفی بزنیم خود را خراب می کنم!

یا اینکه در وجود تحت ستم کودک همسایه، فرزند خود را می بینید. از جا می پرید و از حق آن کودک دفاع می کنید؟

همه بچه های ایران تحت ستمی شدید قرار گرفته اند.

بچه حق کار و بیگاری ندارد. بچه حق تحصیل دارد. بچه حق یاد گرفتن دارد. بچه حق دارد که به سوالات او جواب درست داده شود. بچه حق دارد که شکوفا شود. این محیط شکوفایی را در خانه با تغییر نوع تربیت بر اساس آزادی و احترام به حقوق افراد خانواده باید فراهم کرد. در شهر و کشور با فراهم کردن مدیریت جدیدی بجای دولت احمدی نژادها که کارش ساختن جوخه خشونت است، دولتی را انتخاب کرد که هدفش مقابله با خشونتها و بی عدالتیها و آوردن نان و آزادی سر سفره کودکان باشد. بیایم خانه و کشورمان ایران را به گلستان خنده زیبای کودکان ببازاییم.



برای ورود به صادرات ضایعات پتروشیمی تاسیس شده است و «قصد صادرات ۱۵ هزار تن ضایعات پتروشیمی را از طریق مرز جلفا داشته است». بنا به همین گزارش محموله‌ای که این شرکت می‌خواست صادر کند، در حال حاضر توقیف شده است.

بازتاب نوشت: با تشدید انتشار اخباری، مبنی بر به نتیجه رسیدن تلاش‌های باندهای مافیای اقتصاد ایران برای تغییر رئیس ستاد قاچاق کالا و ارز، نگرانی‌های گسترده‌ای در میان گروه‌های عدالت‌طلب اصولگرایان ایجاد شده است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس یکی از اصلی‌ترین دلایل استعفای نقدی نحوه برخورد ضعیف قوه قضاییه با پرونده‌های قاچاق خصوصا پرونده بزرگترین بدهکار سیستم بانکی (حمید باقری درمنی) عنوان شده است.

یک مقام آگاه در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس ضمن تایید خبر استعفای نقدی از ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اظهار داشت: نقدی در مبارزه با قاچاق مبارزه با دانه درشتها را در برنامه خود قرار داده بود.

رجانیوزاعلام کرد: گفته می‌شود باقری درمنی از پشتیبانی یک مقام بانفوذ برخوردار بوده و ضمن همکاری تجاری شخصی با وی، واردات قاچاق بخش عمده‌ای از ملزومات نهاد تحت امر او را نیز برعهده دارد.

از این مقولات فراوان است. یک نفتکش چند صد هزار تنی نفت قاچاق! توسط یک «مرزبان شجاع و متعهد» توقیف میشود رسانه‌ها هم همه مینویسند که یک نماینده مجلس در پشت قضیه بوده است و بعد نه از کشتی خبری میشود و نه از آن «مرزبان شجاع» متعهد بی‌چاره.

باید برای «مافیا» قوانین مخصوصی وضع شوند. اما آیا با مجلسی که در دست مافیایا است چنین آرزوئی برآوردنی است؟ باید پرسید این شورای نگهبان چرا فقط چنین نمایندگان را تعیین صلاحیت کرده و صلاحیت آنها را هم به مهر امام زمان (ع) مهور می‌کند؟

به هر حال، استعفای نقدی با وجود مطرح شدن نسی در رسانه‌ها، عکس العملی از خود به جای نگذاشته است. گویی در کشور ارواح سکونت داریم. نفسی از کسی بیرون نمی‌آید. نه از اصلاح طلب، نه از اصول گرا، نه از ملی و نه از مذهبی و نه از انصار و نه از حزب خدا!! و نه از مردم. چرا محمود احمدی نژاد باید در شبستان در بسته، به بسیجیان بگوید: هر جا خواستیم جلوی فساد بایستیم، رفقای سی ساله خود مان جلوی ما ایستادند! مگر مردم غریبه

در صفحه ۱۵

## قواد، قاچاقچی، مافیا و هشدار به آقای خامنه‌ای

خبرنگاران و نویسندگان ما نباید با این موارد برخوردی غیرمسئولانه داشته باشند. درهم آمیختن واژه‌های مختلف در ذهن مردم ابهام ایجاد میکند. باید کلمات را شفاف در جای خود مورد استفاده قرارداد. مسئله ایران، از بین رفتن ارزشهای اخلاقی است. مسئله ایران گستردگی فساد است، مسئله مافیایا می‌باشد. درست است کار اصلی مافیا قاچاق است. و مافیا در غرب در پی قاچاق وارد سیاست شد، اما همانگونه که در اول این نوشته یادآوری شده است، در کشور ما مافیای قدرت ابتدائاً تشکیل شد و بعدها به کار قاچاق روی آورد. آن قاچاقی که سازمان گمرکات تعریف میکند، مسئله کشورمان است. یک نمونه از فعالیت مافیای را می‌آورم تا به عمق فاجعه بهتری بپردازیم: «ایسنا - ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق اعلام کرد: مسوولان وزارت نفت پنج قاچاق بنزین را در روز حداقل پنج میلیون لیتر (گازوئیل و نفت سفید حساب دیگری دارد) برآورد می‌کنند. و بنا بر نوشته مطبوعات برخی از مقام‌های نیروی انتظامی این رقم را تا حدود ۱۰ میلیون لیتر برآورده کرده‌اند. اگرچه ارقام واقعی باید بیشتر از این رقم باشد (در سال ۸۵)». حال اگر میانگین را که ۷.۵ میلیون لیتر میشود در نظر بگیریم و ظرفیت هر نفتکش را متوسط ۱۰ هزار لیتر حساب کنیم، هر روز ۷۵۰ تریلر باید از مرزهای کشور خارج و داخل شوند که میشود هر روز ۱۵۰۰ بار. و این تریلرها باید هر روز از مخازن داخل ایران بارگیری نمایند. و همه اینها دور از چشم بینای مسئولین. حال اگر حساب کنید چند تا از این ذخایر در کشور موجود است تا بتوانند جوابگوی این ترافیک عظیم باشند، خواهید دید که این تریلرها باید در صفهای طولانی (با در نظر گرفتن مصرف داخلی) برای نوبت بارگیری معطل شوند!! و همه اینها به نام «قاچاق». حال انصاف بدهید این عمل با آن تعریفی که اداره کل گمرکات میدهد تطابق دارد؟ علاوه بر آن، با علم به اینکه تنها ۴۰ درصد نفت خام به بنزین تبدیل میشود، این مقدار بنزین معادل تقریباً ۱۲ میلیون لیتر در روز یعنی حدود ۲۲ میلیون بشکه نفت خام در سال میباشد که با بشکه‌ای ۶۰ دلار بالغ بر ۱۳۲۰ میلیون دلار میشود که دوبرابر بودجه سالانه دولت افغانستان می‌باشد. که البته گازوئیل و نفت سفید به گفته مسئول وزارت نفت، در اینجا محاسبه نشده است. از طرفی، قاچاق این مقدار بنزین از بنزین‌های وارداتی میباشد که از جیب مردم به آن سوسپد تعلق میگیرد و مافیایا هموطن دوباره آن را صادر کرده و پول کلانی از این بابت نصیب خود می‌کنند. این بازار به حدی خیرآوار است

بنای به گزارش خبرگزاری «مهر» - گروه اقتصادی: «زمانی که سردار محمدرضا نقدی با حکم رئیس جمهوری جایگزین دکتر محمدباقر قالیباف در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق ارز و کالا شد، یادمان هست که نقدی چنین گفت: آمده‌ام با همکاری دستگاه‌ها و رسانه‌ها قاچاق را از ریشه بخشکانم».

بازتاب نوشت: بنا بر تحقیقات انجام شده، رئیس سازمان بهزیستی، شخصا در نامه‌ای به گمرک، تقاضای ترخیص ۵۰ تن پوشاک به عنوان هدیه را امضا کرده، حال آن‌که بنا بر اسناد موجود، این محموله طی قرارداد قاچاق کالا با ظرفیت «بهزیست بنیاد» از دبی و تایلد وارد کشور شده است.

به گزارش خبرنگار «بازتاب»، ابوالحسن قتیبه، در حالی طی نامه‌ای به گمرک، خواستار ترخیص محموله ۵۰ تن پوشاک به عنوان هدیه از دبی شده است که چند روز پیش از این اقدام، شرکت بهزیست بنیاد، با امضای قراردادی تعهد کرده که در ازای دریافت کیلویی هشت هزار تومان، محموله یادشده را که برای هر کیلویی آن، باید ۲۲ هزار تومان عوارض پرداخت می‌شد، ترخیص کند.

خبرگزاری اقتصادی ایران نوشت: یک منبع آگاه با ارائه جزئیات جدیدی از تخلفات صورت گرفته در شرکت «بهزیست بنیاد» به این روزنامه گفت که شرکت «بهزیست پترولیوم» نیز تحت پوشش شرکت بهزیست بنیاد

شده تا به فعالیت شریف قاچاق ادامه دهد و قوه قضاییه به کارهای دیگری بپردازد و موضوع قاچاق منحصر به مرزها شود و یا به نحوی بی‌سروصدا، با ردوبدل کردن «جریمه» سروته قضیه را بهم بیاورند. اشتباه سردار نقدی این بود که از این حد تجاوز نمود و در ضمن خبرا در رسانه‌ها وارد کرد. و این میثاق شوم مابین جناح‌های مختلف در حاکمیت را شکست. این است دلیل سکوت همه جانبه بر این استعفا. زیرا اگر سردار نقدی، خود گذشته‌ای میهم داشته باشد، این استعفا ربطی به آن گذشته ندارد.

نوع دیگری از «قاچاق» که رسانه‌های فارسی زبان بیشتر به آن پرداخته‌اند تا قاچاق واقعی، قاچاق انسان است!! که منظور از آن قاچاق زن میباشد. من هرچه کوشیدم برای این نوع از قاچاق معنی پیدا کنم موفق نشدم. زیرا اگر زنان را می‌ربایند و یا مجبور به این کار می‌کنند، آدم ربائی میشود که معنی حقوقی خود را دارد و مبارزه با آن هم طریقی دیگر را می‌طلبد و در همه جای دنیا مجازات سنگینی دارد. اگر زن با رضایت خود این کار را می‌کند، تا جایی که من به خاطر دارم نامش «قواد» یا «دیوئی» است. نه قاچاق. حال در جمهوری اسلامی، قواد ارتقاء مقام داده و به قاچاقچی بدل شده است و چون این نوع «قاچاق» در لغتنامه گمرکات نیست، در نتیجه جرم محسوب نمی‌شود. یا اینکه ما مردم هم قبول کرده باشیم که زن هم «مال» است!! اینک برای رسانه‌های ما قاچاق زن (به کشورهای عربی) از تن فروشی آنان با اهمیت تر تلقی شود، نتیجه خروج از تعقل و قائل نبودن کرامت برای انسان و هم نوع دوستی و هموطن دوستی است که طبیعتاً جای آن را تمایلات فاشیستی پر میکند. کافی است شما مروری در مطالبی که در این مورد نگاشته شده‌اند داشته باشید تا مشاهده کنید رسانه‌های ما چه اندازه نسبت به موضوع حساسیت نشان داده‌اند و حساسیتشان هم اغلب اینست که چرا عربها...؟ قبل از اینکه متاثر باشیم از اینکه چه عواملی باعث شده‌اند تا یک انسان حاضر شود خویش را کالا تصور کند و به دنبال چاره جوئی بگردیم، ناراحت میشویم از این که چرا عربها زنان ما را... این سقوط اخلاقی از نتایج همان کنار آمدنهای اول انقلاب است. پس درود بر کسانی که استقامت کردند و شرف و ناموس ملی را برای نسل‌های آینده با شهامت و شجاعت و ایثار نگهداشتند. تا نسل‌های آینده بتوانند با تکیه بر مجاهدتهای آنان و ارزش نهادن به حقوق انسانها ادامه حیات کشور را تضمین نمایند.

دوستی تعریف میکرد، زمان رای گیری به عدم کفایت اولین رئیس جمهور از سوی مجلس اول، به عنوان تماشاچی به مجلس رفته بودم. در راهرو مجلس با مرحوم محمد منتظری برخورد کردم و گفتم «ممد تو چرا؟!». او گفت برو به رئیس (آقای بنی صدر) بگو، «باید با اینها کنار آمد، نمی‌توان با اینها درافتاد». برای خوانندگانی که با مرحوم محمد منتظری آشنائی ندارند، او را معرفی میکنم. آقا محمد فرزند آیت الله منتظری و طلبه و معمم بود. قبل از انقلاب دوره‌های چریکی دیده بود و به همین دلیل با گروههای چریکی فلسطینی و لبنانی رابطه داشت و خودش هم چریک بود و هم گروهی مسلح در اختیار داشت. به همین دلیل در بین جوانها معروف بود به «ممد رینگو». حالا در ذهن خود تصور کنید، یک چنین شخصی در اوایل انقلاب در برابر چه تشکیلاتی می‌توانست تا این حد دچار وحشت شده باشد؟! «اینها» چه کسانی بودند که یک «چریک» را به حدی ترسانده بودند که رئیس جمهور را به کوتاه آمدن در برابرشان دعوت میکرد؟ «اینها» همان «مافیا» هستند که اکنون موفق شده‌اند تا این کلمه را از رسانه‌های فارسی زبان تا اندازه زیادی حذف کرده و جای آن را به کلمه «قاچاق» بدهند.

آبانماه ۱۳۸۴، محمود احمدی نژاد سردار نقدی را به ریاست سازمان مبارزه با قاچاق ارز و کالا منصوب کرد. ایشان پای خود را از گلیمی (مبارزه با قاچاق) که در اختیارش گذاشته بودند درازتر کرد و به حریم مافیا دست انداخت، تا چند روز پیش مجبور به استعفا شد.

در سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران معنی قاچاق را چنین نوشته است: «در ماده ۲۹ قانون امور گمرکی چنین آمده است: کلمه قاچاق یک کلمه ترکی است و به معنای گریزاندن می‌باشد و از مجموع قوانین و مقررات مربوط چنین استنباط می‌شود که قاچاق عبارت است از فرار دادن مال، خواه آن مال مربوط به درآمد دولت بوده و یا ورود و خروج، تولید و نقل و انتقال و خرید و فروش آن طبق قوانین و مقررات مربوط، ممنوع و غیرمجاز گردیده باشد. در اصطلاح گمرک و سایر دستگاههای وصولی دولت، منظور از قاچاق، گریزاندن کالا از پرداخت مالیات و عوارض به دولت است و یا فرار دادن کالا از شمول مقررات دولتی و نقل و انتقال و خرید و فروش آن به طور غیرمجاز و ممنوع است...». پس این تعریف روشن قاچاق از دید گمرکات. قانونی که در سال ۱۳۷۴ به تصویب نهائی تشخیص مصلحت رسید، مصلحت نظام را در این دانسته است که قاچاق به ارزش زیر ده میلیون ریال را درجا ضبط، و مبالغ بالای ده میلیون ریال، به دوبرابر قیمت کالا جریمه شده و قاچاقچی محترم هم بعد از پرداخت مبلغ مرخص



## قواد، قاچاقچی، مافیا و همداری به آقای خامنه ای

اند؟ یا اینکه ایشان بیشتر به فکر رفقای سی ساله اند تا مردم؟ آقای احمدی نژاد، می دانید مبارزه بامافیا یعنی مبارزه با فقر، مبارزه با بیکاری، مبارزه با فحشاء، مبارزه با گرانی، مبارزه با تورم، مبارزه با فسادهای مالی و غیره، مبارزه با کمبودها و مبارزه با اختلاس و رانت خواری و خودفروشی و...؟! پس چرا به مردم دروغ میگویند؟

به هر حال، این وضع کشور است. فساد همه جا گسترش پیدا کرده و عمومی شده است. مافیاهای مالی نظامی حرف اول را می زنند. دست و پای مردم چنان در فساد گرفتار یا آلوده شده است که کمترین تحرکی در برابر سلطه گری مافیاهای بر قوای سه گانه از خود نشان نمی دهند. با وجود روابط پنهان و آشکار بعضی فرماندهان سپاه پاسداران با بیگانگان (برای نمونه، سازگارا که هنوز ارتباطاتش را دارد و پناهندگی سردار عسکری به آمریکا و... که برملا شده اند) و افت اخلاقی جامعه و بی تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت خویش و حضور نیروهای بیگانه در جوار مرزهای ما، و فشار آمریکا بر اسرائیل برای حملات موضعی به ایران، خطری جدی کشور را تهدید میکند.

آقای خامنه ای در سال گذشته دریکی از سفرهایش به یکی از استانها، در پی یک سلسله سخنرانی حساب شده، خطاب به اساتید دانشگاهها و دانشجویان، لزوم یک انقلاب را در کشور خاطر نشان کرد. این سخنان از سوی رسانه های داخلی و خارجی و درون رژیم و بیرون آن همگی، مورد بی توجهی قرار گرفت و بعد هم دچار سانسور شد. چندین ماه بعد، آقای رفسنجانی تذکر داد که "آن انقلابی که رهبر فرمودند، منظورشان همین اجرای اصل ۴۴ بوده است!!". اما مشخص نکرد که اجرای اصل ۴۴ چه ربطی دارد به "انقلابی به رهبری اساتید دانشگاه و دانشجویان؟! در چنین وضعی و با احتمال "حملات موضعی" اسرائیل با پشتیبانی آمریکا، چه بر سر ایران خواهد آمد؟

با علم به اینکه غرب خوب میداند که سلاح اتمی بیهانه ای بیش نیست، پس این حملات با خطرات جدی ای که می توانند در پی داشته باشند چه هدفی را دنبال میکنند؟ این نوع حملات، بدون هماهنگی با ایادی داخلی و خائنین بی وطن، چه نتیجه و سودی را برای آمریکا میتوانند در برداشته باشند؟ آقای خامنه ای، به

## دکتر پرویز ورجاوند در گذشت

در اولین کنگره این جبهه، مسوولیت هیات اجرایی اروپا برعهده اش گذارده شد. مسوولیت روزنامه «ایران آزاد»، به عنوان ارگان جبهه ملی، نیز برعهده او قرار گرفت. همزمان با آن، در سازماندهی کنفدراسیون دانشجویان ایران نقش فعال جست.

«در بازگشت به ایران، علی رغم قبول شدن در امتحان ورودی استادیاری دانشگاه تهران، به دلیل مخالفت ساواک، او از استخدام بازماند. ولی با حمایت شادروان دکترا سیاسی، دکترا صدیقی و دکترا صفا اجازه تدریس بدون دریافت حقوق به او داده شد. در کنار آن مسوولیت بخش مردم شناسی و ایلات و عشایر مؤسسه تحقیقات مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران برعهده اش گذارده شد.»

شادروان ورجاوند «پس از بازگشت از اروپا، در چارچوب تماس با همفکران جبهه ملی و نیروهای ملی و تشکیل نشست های منظم با نیروهای جوان فعالیت سیاسی خود را همچنان ادامه داد و پس از انقلاب بهمن ۵۷ به دعوت شادروان مهندس بازرگان برای مدتی مسوولیت وزارت فرهنگ و هنر برعهده اش قرار گرفت. در شرایط آن زمان که پاسداری از فضای باز و حمایت از آفرینش های هنری در ابعاد گوناگون کار بسیار مشکلی به شمار می رفت و حفظ میراث های فرهنگی کشور در آن جو آشفته، کوششی خستگی ناپذیر را می طلبد، با قبول مشکلات بسیار کوشش کرد تا از میزان فشارهای تخریبی کاسته شود و به تلاشگران عرصه فرهنگ و هنر با تغییر فضای سیاسی کشور امید ببخشد. در سال ۱۳۶۰ و به ویژه پس از فراخوان جبهه ملی در ۲۵ خرداد آن سال، او و عده ای از اعضای دولت موقت که با جبهه ملی در پیوند قرار داشتند، دستگیر و یک دوران سه ساله زندان را از سر گذراند که عوارض سنگینی برای سلامت وی بیارآورد.»

زنده یاد ورجاوند، پس از آزادی از زندان نظام مافیائی ولایت مطلقه فقیه، استوار به فعالیت های فرهنگی و سیاسی خود بطور خستگی ناپذیر و پیگیر ادامه داد و تا واپسین دقایق عمر پر بار خود عضو هیئت رهنبری و سخنگوی جبهه ملی ایران را بر عهده داشت.

ورجاوند در انتقاد از نظام استبداد سلسله روحانیت، بطور صریح و شفاف گفت: «مسئله اساسی این بود که از اول، دستگاه حکومت پس از انقلاب تلاش فراوانی را انجام داد که عملاً تلاش برای حفظ میراث فرهنگی پدیده مطبوعی نباشد یعنی به شمار زیادی از این آقایان چه در کسوت روحانیت و چه غیر روحانیت هر وقت سخن از آثار شکوهمندی مثل تخت جمشید، پاسارگاد و مانند آن در ایران صورت می گرفت با بکار بردن کلمات من درآوردی طاغوتی و یاقوتی با آن برخورد می کردند و معتقد بودند که اینها نشانه های ساختارهایی است که ملت ایران باید آن ساختارها را نفی بکند.» و می گفت: «من جرات این را دارم که بگویم تقریباً روزی در این سرزمین نیست که یک اثر ارزشمند فرهنگی قبل از اسلام و بعد از اسلام

ایران مورد تجاوز قرار نگیرد. در یک بافت قدیمی آثاری را از هم ندرند، به یک مجموعه بنا لطمه وارد نکنند و بناهای بسیار شکوهمندی مانند مجموعه کم نظیر کوه خواجه در نزدیکی زابل را به امان خدا رها نکنند که بر اثر تابش آفتاب در تابستان ها و یا بارش های سیل آسای فصلی، امروز بیم آن می رود که این بنا به نابودی کشانده شود.»

و در باره ایجاد تأسیسات اتمی در اصفهان، هشدار می داد: درست در همین موقع می بینیم که آقایان مرکز غنی سازی اورانیوم را در کنار شهر اصفهان برپا می کنند که اگر یک زمانی با این زمزمه هایی که وجود دارد قرار شود تهاجمی به این مراکز اتمی ایران بشود آنوقت ما به دست خودمان شرایطی را بوجود می آوریم که شهری مانند اصفهان را که شما به زحمت می توانید مشابه آنرا در دنیا بیابید در معرض سهمگین ترین خطر ویرانگری قرار می دهیم. بنابراین مجموعه این مسائل حکایت از این دارد که در این تصمیم گیری ها نه خرد واقعی و نه شناخت علمی دخالت دارد و نه اصلاً اعتقادی به حفظ میراث فرهنگی در گروهی از صاحبان قدرت وجود دارد.»

زرفنای نظر ورجاوند نسبت به میراث فرهنگی این بود: «میراث فرهنگی در ایران ستم رسیده ترین بخش از جامعه ایران است. این همه در حالی است که حفظ میراث های فرهنگی در بازتاب دادن ارزش هویت های ایرانی در دوران های مختلف، می تواند نسل جوان ایران را به دستاوردهای ارزشمند نیاکان خویش آگاهی بدهد و آنها را در جهت پاسداری از کل این میراث تشویق بکند و فضایی را بوجود بیاورد که ملت ایران بتواند از این آثار باقی مانده از میراث های ارزشمند گذشته اش در بعد تعالی بخشیدن و پویا ساختن فرهنگ خود از یک سو و در بعد ایجاد همبستگی و وحدت ملی از سوی دیگر بهره های کلان ببرد.»

آثار شادروان ورجاوند:

\* نگاشته ها و گردآوری های علمی و تحقیقی او که اکنون منتشر شده اند:

۱- روش بررسی و شناخت علمی ایلات و عشایر ۲- بامدی طایفه ای از بختیاری ۳- میراث تمدن های ایرانی در سرزمین های آسیایی اتحاد شوروی ۴- آثار ایران در موزه های اتحاد جماهیر شوروی ۵- سرزمین قزوین - بررسی آثار و بناهای باستانی و تاریخی سرزمین قزوین ۶- هنر معماری در سرزمین های اسلامی ۷- سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی ۸- خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه) ۹- کاوش رصدخانه مراغه - تگای به دانش ستاره شناسی ایران ۱۰- پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی ۱۱- همه هستی ام نثار ایران - یادنامه استاد دکتر غلامحسین صدیقی ۱۲- سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، دفتر نخست؛ جغرافیا و محیط زیست، نام و تاریخ ۱۳- سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، دفتر دوم؛ فرهنگ سرزمین قزوین ۱۴- سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، دفتر سوم؛ سازمان حکومتی، نهادها و اوضاع اقتصادی ۱۵- سفرنامه جنوب- سیر و سفری در کناره ها و جزایر خلیج فارس و دریای عمان ۱۶- ایران و قفقاز - اران و شروان ۱۷- فهرست انتشارات دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی.»

۲ - همکاری های در پروژه های تحقیقاتی و علمی از جمله

۱ - «دایره المعارف تشیع در هفت جلد ۲- دانشنامه جهان اسلام ۳- دانشنامه زنان ایران ۴- دانشنامه بزرگ

فارسی ۵- اطلس تاریخ ایران، سازمان نقشه برداری کشور ۶- پایتخت های ایران، سازمان میراث فرهنگی.»

\* شادروان پرویز ورجاوند در ماههای اخیر با اتهام «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» رو به رو بود. به دلیل رنجوری تن، چند نوبت نتوانست در دادگاه حاضر شود و، هر بار، دیدگاه رژیم مافیاهای نظامی - مالی، به تعویق می افتاد. آخرین بار برای روز هفتم خرداد ماه سال جاری به شعبه سوم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت احضار شده بود. تن رنجور و خود تحت فشار استبداد، هم در دوران پهلوی و هم در دوران ملاتاریا و مافیاهای نظامی - مالی بود. با وجود این، همه عمر بر راست راه استقلال و آزادی پیش راند و پیش می راند.

روانش شاد باد

## در گذشت آیت الله سید حسن طباطبایی قمی

سالیان دراز، او در حوزه های علمیه کربلا و نجف نزد اساتید و مراجعی همچون آیت الله نائینی و مرحوم آیت الله ضیاءالدین عراقی و سایر مدرسین تلمذ نمود و به مقام اجتهاد نایل گردید.»

۱۴ سال بعد، وی به مشهد بازگشت و در آنجا به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. در پی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، حاج آقا حسن قمی مجدداً مجبور به ترک مشهد شد. هنگام تبعید آقای خمینی در زمان رژیم پهلوی، به همراه دیگر مراجع مذهبی نظیر آیات الله سید کاظم شریعتمداری و سیدشهاب الدین مرعشی نجفی و سیدابوالقاسم خونی و سیدهادی میلانی و سیدمحمدرضا گلپایگانی، با مخایره تلگراف و ارسال نامه، به رژیم شاه اعتراض کرد. پس از قیام ۱۵ خرداد، چندی زندانی و سپس به شهرهای مختلف ایران تبعید شد. در تبعید کرج بود که انقلاب ایران روی داد. با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، پس از تحمل ۱۴ سال تبعید به مشهد بازگشت.

حاج آقا حسن قمی طباطبائی که از پیش گامان مبارزه با رژیم پهلوی بود، مدتی پس از پیروزی انقلاب به مخالفت نظریه و حکومت ولایت فقیه برخاست و این نظریه و نوع رژیم را مغایر با اصول اسلام و مذهب تشیع دانست و آقای خمینی و رژیم او را به انحراف از اسلام متهم کرد و خواستار محاکمه بنیانگذار آن شد. بدین ترتیب، در کشوری که نسبت بین دین و سیاست یکی از کلیدی ترین عرصه های منازعه قدرت است، حاج آقا حسن قمی طباطبائی یکی از رجال مهم مذهبی بود که در هر دو رژیم سیاسی فعلی و پیشین، دهه ها در موضع مخالف استوار ماند.

در رژیم خمینی نیز شادروان آیت الله سید حسن طباطبائی قمی بیش از نیم قرن مرجعیت، بدلیل مخالفت با نظام جمهوری اسلامی و نظریه ولایت فقیه، در «حصر» یعنی حبس خانگی بسر برد و تا واپسین روزهای عمر خود در محدودیت و محرومیت های بسیار زیست.

Mizan.57@gmail.com

# انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز و مؤسس:

ابوالحسن نبی صدر

## Enghelabe Eslami

Fondateur et responsable:  
Abolhassan Banisadr  
5, Rue General Pershing  
F - 78000 Versailles, FRANCE  
Fax.: +33 1 39 54 45 26

eMail.: EEZ5760GOF@AOL.COM

http://home.swipnet.se/Banisadr

Enghelabe Eslami Zeitung  
Postfach 11 11 18  
D - 60046 Frankfurt  
GERMANY

FRASPA - Germany  
Konto No.: 12 30 26  
BLZ.: 500 502 01

نشانی پستی و بانکی:

ارتباط از طریق کامپیوتر:

1.5 EURO

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و لطفاً بفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا ب حساب بانک واریز فرمائید.

Nr. 674 25 jun - 8 july 2007.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

## پرسشها در باره اتم ۳

## بمب اتمی و استقلال

استقلال، در قلمرو نظامی، به ایجاد دو مجموعه یکی انسانی - اقتصادی - علمی - فنی و دیگری مجموعه ای از سامانه های دفاعی و فرهنگی در یک نظام اجتماعی باز و تحول پذیر نیاز دارد. و همچنین

۱۰ - چنانکه به توضیح آمد، سلاح اتمی، کشور را در روابط قوای خصمانه ای قرار می دهد و در محدوده تنگ این روابط، از داشتن سیاست خارجی محروم می کند که می تواند کشور را از امکانات بسیار بر خوردار کند. حال آنکه استقلال، رها شدن از محدود کننده ها در روابط با دنیای خارج است. به یمن استقلال در سیاست خارجی، ایران می تواند، دیگری را پیدا کند:

۱۱ - استقلال، از جمله داشتن اختیار تصمیم در قلمروهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نیز اجتماعی (از جمله از یاد نبریم که با « صدور نیروی کار» و تن دادن به ساختهای اجتماعی وابسته، ما دیگر استقلال اجتماعی نداریم) و نظامی است. با رها شدن از بند تسلیحات اتمی، رهبری مستقل سیاست خارجی کشور میسر می شود و البته تحقق پیدا می کند با اتخاذ و اجرای سیاستهای زیر:

- بیرون رفتن از موقعیت زیر سلطه یعنی ملی و مردم سالار کردن دولت و مستقل کردن فرهنگ و اقتصاد و روابط اجتماعی و سازماندهی نظامی دفاع از کشور.

• پیشگام شدن در برانگیختن جهانیان برای مبارزه بخاطر خلع سلاح اتمی جهان.

- سعی در ایجاد مدیریتی جهانی، رها از روابط مسلط - زیر سلطه.
- حفظ ثروت های طبیعی کشور. در پی انقلاب، ملت ایران توانست ملت های دیگر را نیز به حفظ این ثروتها بخواند. پس هرگاه کشورهای نفت خیز استقلال بجویند و حاضر نشوند ثروت خویش را بعنوان سوخت بفروشند، نظام پولی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جهان را دگرگون می کنند و می توانند در ایجاد یک جامعه جهانی در صلح، نقشی بس مهم ایفا کنند.
- رها کردن کشور از وضعیت کنونی که باج گذار کشورهای بزرگ و کوچک است، از رهگذر اجرای برنامه همه جانبه ای بر وفق دو اصل استقلال و آزادی.

با رها شدن از روابط قوایی که ایران را باج گذار روس و چین و

اروپا و امریکا و حتی سوریه و شیخ نشین های خلیج فارس ( فرار سرمایه ها و ... ) گردانده است، کشور می تواند برابر نیازهایش برای رشدی شتاب گیر، با کشورهای جهان رابطه برقرار کند.

- استقرار صلح که حق هر انسان و هر جامعه انسانی و نیز جامعه جهانی است. برای استقرار این صلح، در ایران و انبران، مردم ایران می توانند گامهای استوار بردارند و از کاربردهای قوای نظامی در جهان و در نتیجه از هزینه های نظامی دنیا بکاهند. با توجه به این واقعیت که بیشترین خریدهای اسلحه را کشورهای خاورمیانه انجام می دهند، امامت صلح به ایرانیان آن نقش را در منطقه و در حوزه تمدن اسلامی و در جهان می دهد که در خور یک ملت با فرهنگ آزادی است و نیز

۱۲ - محور کردن نیروی نظامی مجهز به سلاح اتمی در سیاست خارجی، جایگزین حقوق ملی کردن « منافع و مصالح نظام » است. هم اکنون، رژیم مافیاهای نظامی - مالی محور سیاست خارجی خود را ایجاد گروههای مسلح در کشورهای منطقه و ترور از سوئی و باج دادن ( امتیاز فروشی، « کمکهای نفتی» و پولی و تبدیل کشور به بازار کالاهای چینی و... ) از سوی دیگر است. راست بخواهی، بخصوص از دوره حکومت هاشمی رفسنجانی است که تشکیل مافیاهای و رانت خواری ملازمه پیدا کرد با ایجاد « منافع » برای بیگانگان در ایران. تولید کردن بمب اتمی و مجهز کردن قوای نظامی به این سلاح، قطعی کردن رابطه گروه بندیهای حاکم در ایران و انبران و « منافع » این گروهها را جای گزین حقوق ملی کردن است. اما استقلال، حقوق ملی را مبنای رابطه به انبران کردن و انکار منافع دیگران در ایران است.

همچنان یادآور می شوم که ایران فرصتهای فراوان در اختیار دارد و می باید این فرصتها را برای تحصیل استقلال کامل مغتنم بشمارد. ایران مستقل نقشی بزرگ پیدا می کند و می تواند از این نقش، در تدارک امکانات و عوامل رشد شتاب گیر سود جوید. آتش بحران اتمی این فرصتها را می سوزاند و بسا به دامن هستی ایران می افتد. ایرانیان بیهوش باشید! بمب اتمی نه بکار دفاع از ایران می آید و نه حتی می تواند مانع از سقوط رژیم مافیاهای بگردد:

**پرسش هفتم: بر فرض که رژیم ولایت فقیه قصد تولید سلاح اتمی را داشته باشد، هدف اصلی این رژیم دفاع از خود در قبال چه قدرتی یا حمله به چه**

## کشوری است ؟ آیا براستی داشتن بمب اتم بقای رژیم را تضمین نماید؟

استدلالی که سختگویان رژیم می کنند اینست:

چرا اسرائیل بمب اتمی داشته باشد، پاکستان داشته باشد و ایران که در محاصره قدرتهای اتمی است ( روسها در شمال و امریکائیه در خلیج فارس ) نداشته باشد؟ نیاز شدید رژیم مافیاهای بحران، در منطقه، اسرائیل و نیز امریکا را دو دشمنی تلقی می کند که بمب اتمی، ایران را از خطر آنها حفظ می کند. تناقض موجود در این استدلال دروغ، آشکار است:

این « برنامه اتمی » ایران است که دست آویز فعال شدن امریکا و اسرائیل بر ضد ایران شده است: مزوی کردن ایران، تشدید مستمر فشار اقتصادی به ایران، صادر کردن قطعهنامه ها از سوی شورای امنیت بر ضد ایران و نگاه داشتن ایران زیر تهدید مستمر نظامی، در نتیجه، برانگیختن سرمایه و استعدادها به فرار از ایران و مسلح کردن و حمایت از گروههای خود فروش و برانگیختن این گروهها به عملیات مسلحانه در ایران و...

بدین قرار، آن خطر فرضی که با تولید بمب اتمی در آینده قابل پرهیز گمان می رود، واقعی گشته و هم اکنون ایران در آنست. به سخن دیگر، وارونه ادعا واقعیت جسته است:

امروز ایران بمب اتمی ندارد. توانایی مقابله با فشارهای اقتصادی و نیز حمله نظامی را هم ندارد. مردم کشور هزینه سنگین این بحران را دارند می پردازند. اما اگر در آینده رژیم مجهز به سلاح اتمی بشود، توانایی مقابله با اسرائیل و امریکا را، در یک جنگ اتمی دارد؟ پاسخ این پرسش نیاز به داشتن دانش نظامی ندارد. زیرا سامانه تسلیحاتی که سلاح اتمی عنصری از آنست، متعلق به امریکا و اسرائیل است. یعنی توانایی ایران برای رساندن سلاح اتمی خود به هدف، بسیار کم و توانایی خنثی کردن این سلاح در مبدأ و در راه و بهنگام رسیدن به هدف، بسیار زیاد است. به قول شیراک، رئیس جمهوری پیشین فرانسه، هنوز موشک حامل بمب اتمی رها نشده، تهران کن فیکون شده است. از آنجا که در پاسخ به پرسش اول، پاسخ های دیگر به قسمت اول پرسش دوم نیز داده شده اند، به سراغ قسمت دوم پرسش میروم:

آیا سلاح اتمی بقای رژیم را تضمین می کند؟ می دانیم که رژیم از امریکا تضمین بقای خود را می خواهد، در ازای چشم پوشیدن از ادامه برنامه اتمی. این درخواست تازه نیست. ایران گیتی ها که پیش از مرگ آقای

خمینی دولت را تصاحب کرده بودند، به حکومت ریگان ( کتاب مک فارلین ) پیغام داده بودند در صورتی که امریکا از دولت آنها حمایت کند، حاضرند خمینی را هم بکشند. آیا به این نتیجه رسیده اند و یا دارند به این نتیجه می رسند که بمب اتمی تضمین کننده بقای رژیم است و آن را از تضمین امریکا بی نیاز می کند؟ بظاهر، خود این واقعیت را پذیرفته اند و می گویند که وجود زرادخانه بمب اتمی مانع از سقوط رژیم روسیه نشد. پس ضامن بقای این رژیم نیز نمی شود. با وجود این، با مشاهده رفتار امریکا در قبال رژیم پاکستان، از دید آنهاست که جانبدار اقدام نظامی برای خلع ید از مافیاهای نظامی - مالی و ملاتاریا هستند، سلاح اتمی می تواند تضمین کننده رژیمی از نوع رژیم پاکستان در ایران باشد. زیرا امریکا از بیم آنکه سلاح اتمی بدست « افراطی ها » بیفتد، حامی پر و پا قرص رژیم خواهد شد. بخصوص که رژیم نظامی بساط تروریسم بین المللی را از ایران بر می چیند و به حمایت خود از سازمانهای مسلح در کشورهای منطقه پایان می دهد.

اما این مقایسه صوری است. زیرا ایران حاکمیت « گروههای افراطی » را سه دهه تجربه کرده است. کودتا بر ضد مافیاهای، برای افراد افراطی امکان زندگی در جامعه را نیز باقی نمی گذارد. بدین سان، افراطی باقی نمی ماند که از ترس آن، امریکا از رژیم نظامی حمایت کند. تحولی که جامعه ایرانی نموده است هیچ جامعه اسلامی نکرده است. اگر در کشورهای دیگر، گرایشهای افراطی ترس آور هستند، در ایران، افراد این گرایش گرفتار ترس هستند و می دانند اگر دستشان از قدرت دولت کوتاه شود، از زیادت جنایت و فساد و خیانت، در میان ایرانیان نمی توانند زندگی کنند.

افزون بر این، هرگاه پیش از تولید بمب اتمی، رژیمی نظامی از نوع پاکستان برقرار شود، نمی تواند وجود افراطی ها را دست آویز تولید بمب اتمی کند. و هرگاه بعد از تولید بمب اتمی، اقدام نظامی انجام بگیرد، گویای دو واقعیت می شود:

یکی این که بمب اتمی ضامن بقای هیچ رژیمی نیست و دو دیگر این که با سقوط مافیاهای نظامی مالی که تنها در جنایت و فساد و خیانت افراطی هستند، آنها برجا نمی ماند تا لزوم حمایت امریکا از رژیم نظامی را توجیه کنند.

اما دلیل عمومی بر ناکارآئی سلاح اتمی در حفظ یک رژیم، همان است

که در پویایی های روابط سلطه گر - زیر سلطه توضیح داده ام. کوتاه سخن این که روابط قوا پویا هستند: تقابل دو قوه، نیاز به افزودن بر قوه از دو سو دارد. هر افزایشی در یکی، دیگری را ناگزیر می کند بیشتر از اولی بر خود بیفزاید. دلیل پرداختن رژیم به شرکت در مسابقه تسلیحاتی در سطح منطقه، همین پویایی است. دلیل تولید بمب اتمی نیز همین پویایی است. دلیل به حراج گذاشتن منابع نفت و گاز نیز همین پویایی است. دلیل افزایش هزینه های نظامی کشورهای جهان نیز همین پویایی است. اما این پویایی، نخست رژیمی را از پا در می آورد که دیگر تحمل بار هزینه ها را نمی آورد. چنانکه مسابقه نظامی - تسلیحاتی، مردم روسیه را در فقر نگاه داشت و سرانجام موجب سقوط رژیم روسیه شد. شرکت نکردن دو کشور آلمان و ژاپن در مسابقه تسلیحاتی، سبب قوت اقتصاد این دو کشور و استقرار رژیمهای مردم سالار در آنها گشت. بدین قرار، رفتن در پی تولید بمب اتمی و تشدید بحرانها در سطح منطقه، مسابقه تسلیحاتی را بر می انگیزد. شرکت در این مسابقه، مردم ایران را فقیر تر و توان رژیم را در تحمل بار هزینه ها کمتر و سقوطش را نزدیک تر می کند.

با توجه به بهره برداری غیر فنی از منابع نفت و احتمال کاهش تولید، رژیم از سوئی ناگزیر است از منابع دیگری بهره برداری کند که نیاز به سرمایه گذاری دارد و از سوی دیگر، فشار اقتصادی مانع از سرمایه گذاری در این منابع می شود. بدین سان، پویایی رابطه قوا در همان حال که افزایش هزینه ها را ناگزیر می کند، سبب کاهش درآمدها می شود. پویایی فقر و فقر در جامعه، عامل فشار دیگری است که بر رژیم وارد می شود. با توجه به از دست رفتن مشروعیت ها، رژیم در معرض سقوط قرار می گیرد. اگر سقوط رژیم روسیه افزون بر دو دهه پیش از سقوط، قابل پیش بینی شد، به یمن یافتن و تشریح پویایی های روابط سلطه گر - زیر سلطه بود.

با اینهمه، عقل قدرتمدار واقعیت را وارونه می بیند. فرصتهای رشد را می سوزاند. فقر مردم را بیشتر می کند و نه خود، که ایران را در معرض بلاهای بزرگ قرار می دهد. این مردم ایرانند که می باید عقل جمعی آزاد بجویند و بر خیزند. وطنشان بیش از هر زمان نیازمند استقلال و خود آنها نیاز به آزادی دارد.